



در این شماره می خوانید

عدالت در گذار - سه واژه

آزادی
(FREEDOM)

حق دست زدن به عمل به نحوی خاص در غیاب قوانینی که آن اقدام را محدود میکند؛ اختیار انتخاب اعمال خود، به ویژه در ارتباط با دولت. همانطور که در اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان شده است: «هیچ یک از مفرات اعلامیه حاضر نباید تفسیر شود که متضمن حقی برای دولتی یا جمعیتی یا فردی باشد که به موجب آن بتواند هر یک از حقوق و آزادیهای مندرج در اعلامیه را از بین ببرد و یا در آن راه فعالیتی بنماید.» (ماده ۳۰)

آرشیو/بایگانی
(ARCHIVES)

«آرشیو» یا «بایگانی» به مجموعه هایی از اسناد مربوط به نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه از منابع مختلف گفته میشود، از جمله الف) نهادهای رسمی دولت، به ویژه نهادهایی که نقش مهمی در زمینه نقض حقوق بشر ایفا کرده اند؛ ب) نهادهای محلی، مثل کلاترپها، که در نقض حقوق بشر نقش داشته اند؛ ج) نهادهای دولتی، از جمله دادستانی و، قوه قضاییه، که در حمایت از حقوق بشر نقش دارند؛ و د) مطالبی که کمیسیون های حقیقت یاب و دیگر مراجع تحقیقی جمع آوری کرده اند.

آشتی/مصالحه
(RECONCILIATION)

آشتی یا مصالحه دارای معنای مختلفی است از جمله:

- بازسازی یک جامعه، روابط هم جواری، خانوادها و غیره که به علت رنج، بی اعتمادی و ترس از هم گسسته بودند.
- ساختن یک ایدئولوژی غیرزادپرستانه و غیرانحصارگرایانه مثل یک اجماع جدید اجتماعی در اثر احترام به حقوق بشر که بر اساس تغییرات سیاسی بیان شود.
- ترویج تفاهم بین فرهنگها. در میان فرهنگ هایی که وضع هم زیستیشان رو به وخامت رفته است، آشتی تفاهم متقابل، احترام و توسعه را ترویج میکند.
- تغییر اخلاقی: تغییر شخصی، پذیرش دیگران و تایید اشتباهات، جنایات خود و غیره.
- بازگرداندن عزت قربانی و راهی برای بازسازی روانی - اجتماعی تجربه های رنج و مقاومت.
- راهی برای کنار آمدن قربانیان و مسئولان فجایع با گذشته.

مساله مهم در این باره این است که آشتی کوششی نیست به این خاطر که اوضاع به حالت پیشین بازگردد، بلکه به معنای برپا کردن روابطی است که همه بتوانند با هم پیش بروند. بنابراین، آشتی ربط زیادی به نتیجه پایانی، مثل مجازات، ندارد، بلکه با ترتیب فرایندهای سازنده و بهبودبخش روابط ارتباط دارد. آشتی ملی به شکل سیاسی اجماع و ارتباط متقابل بین احزاب و رهبران اشاره دارد. آشتی اجتماعی به فرایند بلند مدتتر و مشترکتر آشتی جامعه و فرد اشاره دارد.

همان طور که لویی ژرژ، گزارشگر پیشین سازمان ملل در باره مساله معافیّت از مجازات، متذکر شده، پیش از هر گونه «آشتی»، جوامع باید به «تسلی» توجه کنند که شالوده یک «آشتی عادلانه و پایدار» را تشکیل می دهد.

۱ فرهنگنامه عدالت در گذار - الف تا ی: آرمان شهر، ۱۳۹۰

- * عدالت در گذار - سه واژه..... ۱
- * ده سال آزادی بیان و جایگاه حقوق بشر در رسانه های افغانستان، گفتگو..... ۱
- * دیدبان رسانه ها: خشونت علیه خبرنگاران افزایش یافته است..... ۱
- * پایان دوره چند تن از کمیشنر های کمیسیون مستقل حقوق بشر..... ۳
- * صدای افغان ها بالای حکومت آن ها برای انکشاف یک نقشه راه برای صلح و آشتی ملی..... ۴
- * گزارش دادگاه بین المللی کیفری در باره افغانستان..... ۴
- * دیده بان حقوق بشر: نگرانی از انتقال مسئولیت زندان ها از دادگستری به پلیس افغانستان..... ۶
- * خبر هایی از نقض حقوق بشر..... ۶
- * پیام مردم به کنفرانس بن، گفتگو..... ۸
- * سند نهایی کنفرانس بین المللی بن دوم در کشور آلمان..... ۹
- * شرکت هیات نمایندگی جامعه مدنی افغانستان در کنفرانس بن..... ۹
- * واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان: التیام میراث جنگ..... ۱۱
- * مرکز حقوق اساسی در امریکا: گوانتانامو را تعطیل کنید..... ۱۲
- * عفو بین الملل: گوانتانامو: یک دهه ضرر به حقوق بشر..... ۱۲
- * اعتراض عفو بین الملل در دهمین سالگرد گشایش گوانتانامو..... ۱۲
- * دیده بان حقوق بشر: گوانتانامو؛ پس از ۱۰ سال..... ۱۲
- * گزارش گران بدون مرز: خطر روزنامه نگاری..... ۱۳
- * فدراسیون حقوق بشر: تحلیلی از دفتر دادستان دادگاه بین المللی کیفری پس از ۹ سال فعالیت..... ۱۳
- * کتاب سوزان و پاک کردن خاطره ی جمعی، گفتگو..... ۱۴
- * کتاب های تازه آرمان شهر..... ۱۵
- * وحید قاسمی بر سکوی پاسداری از موسیقی اصیل، گفتگو..... ۱۷
- * برجی در نقطه صفر خیال و واقعیت..... ۱۸
- * شاعری با قدرت خستگی..... ۱۸
- * داستانی جدای از نادر و سیمین..... ۱۹
- * بررسی کنوانسیون جلوگیری از کشتار جمعی..... ۲۰
- * انتشارات آرمان شهر..... ۲۱

دیده بان رسانه ها: خشونت علیه خبرنگاران افزایش یافته است

چهارشنبه ۰۷ جدی ۱۳۹۰

ظفر شاه روی

مسولان دیده بان رسانه ها در موسسه «نی»، حمایت کننده رسانه های آزاد افغانستان، با انتشار گزارشی در مورد خشونت علیه خبرنگاران در جریان سال ۲۰۱۱ میلادی، افغانستان را کشوری نامطمین برای خبرنگاران توصیف می کنند و می گویند موارد خشونت علیه خبرنگاران، در جریان سال جاری میلادی، سی و هشت درصد افزایش یافته است.

دیده بان رسانه ها که همساله گزارشی در مورد خشونت علیه خبرنگاران منتشر می کند، در گزارش امسال خود می گوید که بیشترین موارد خشونت علیه خبرنگاران، از سوی مقامها و نهادهای دولتی اعمال شده است. قتل، بازداشت، تهدید، لت و کوب، توهین و زخمی کردن، از جمله موارد خشونت علیه خبرنگاران، در گزارش دیده بان رسانه ها ذکر شده است.

براساس گزارش دیده بان رسانه ها، در جریان سال جاری میلادی، ۸۰ مورد خشونت علیه خبرنگاران ثبت شده است که از جمله، ۴۹ مورد آن از سوی مقامها و نهادهای دولتی، نه مورد از سوی طالبان، چهار مورد از سوی نیروهای بین المللی مستقر در کشور و ۱۸ مورد دیگر از سوی افراد و گروه های مسلح ناشناس، اعمال شده است. در جریان سال ۲۰۱۰ میلادی ۵۸ مورد خشونت علیه خبرنگاران به ثبت رسیده بود. گزارش دیده بان رسانه ها حاکی است که در جریان سال ۲۰۱۱ میلادی، سه تن از خبرنگاران کشته، شش تن زخمی، دو تن بازداشت، ۳۳ تن لت و کوب، ۱۵ تن... ادامه در صفحه ۳

ده سال آزادی بیان و جایگاه حقوق بشر در رسانه های افغانستان

با گزارشی کوتاه از کنفرانس بن

گفتگوی ۸۵

هشتاد و پنجمین جلسه گفتگوی پلی میان نخبگان و شهروندان بنیاد آرمان شهر (سال ۶) به مناسبت هفته حقوق بشر، رسانه ها و آزادی بیان، با همکاری گروه هماهنگی عدالت انتقالی، کمپاین ۵۰٪ زنان، کمیته مشارکت سیاسی زنان، کاشانه نویسندگان، جامعه باز، روزنامه ۸ صبح، اداره همکاری های سويس برای افغانستان، سفارت فرانسه و سازمان بین المللی حمایت از رسانه ها (I.M.S) روز چهارشنبه ۲۳ قوس ۱۳۹۰ (۱۴ دسمبر ۲۰۱۱) در انستیتوت فرانسوی افغانستان در شهر کابل زیر عنوان «رسانه ها و آزادی بیان: بررسی یک دهه فعالیت» برگزار شد. در این جلسه آقای شاه حسین مرتضوی (معاون روزنامه ۸ صبح)، آقای علی رضا روحانی (مشاور ارشد کمیسیون مستقل حقوق بشر)، آقای صدیق الله توحیدی (مسئول دیده بان رسانه ها)، آقای ملک شفيعی (دبیر جشنواره پاییزی فیلم حقوق بشر)، خانم صبرینا تاق (نماینده سابق مردم در مجلس نمایندگان) و خانم دکتر عالمه (یکی از اشتراک کنندگان در کنفرانس بن) به عنوان سخنران دعوت شده بودند.

آقای روح الامین امینی گفتگوگردان و آقای عزیز الله شیرزاد پرسشگر این برنامه بودند. در این جلسه حدود ۱۰۰ تن اشتراک نموده بودند که اکثرا جوانان و دانشجویان بودند. به باور آقای شاه حسین مرتضوی ده سال گذشته فرصتی طلایی در تاریخ رسانه های افغانستان بود که با توجه به زمان طالبان که تنها یک نشریه چاپی به نام «ضرب مومن» که در پاکستان چاپ می شد و یک رادیو به نام «صدای شریعت» نشر می شد، اصلا قابل مقایسه نیست. در ده سال اخیر رسانه ها رشد قابل توجهی از نگاه کمی و کیفی داشته اند.

با این وصف رسانه ها در طول همین ده سال گذشته با مشکلات فراوانی مواجه بودند. مشکلاتی که ناشی از جنگ های مداوم در کشور، نقض قوانین توسط جریان های مسلح، قدرتمندان سیاسی، جنگ سالاران و سران قومی می شود که حکایت از عدم شکل گیری فرهنگ دموکراسی و آزادی بیان در افغانستان و جا افتادن آن به عنوان یک اصل اساسی در ذهن قدرتمندان و سیاست پیشگان ما می کند. آقای مرتضوی چالش هایی را که... ادامه در صفحه (۲)



ده سال آزادی بیان ...

رسانه‌های افغانستان با آن روبرو هستند چنین بر شمرده: نخست- تأثیر پذیری از جریان‌های مخالف آزادی بیان و حقوق بشر به خصوص رهبران سابق که به ارزش‌های حقوق بشری و آزادی بیان باورمند نیستند. دوم- تأثیر پذیری از حلقات بیرونی به دلیل نبود امکانات مالی کافی. این مسأله تا حدی جدی است که در برخی مواقع برای امنیت ملی افغانستان خطر ساز می شود. این وابستگی به خارج از کشور از رسانه‌های داخل کشور تصویری مانند یک باغ وحش رسانه‌ای می دهد. به باور آقای مرتضوی پس از سال ۲۰۱۴ که کمک‌های خارجی در کشور کاهش پیدا کند، شاهد مرگ بیشتر رسانه‌ها در افغانستان خواهیم بود.

اما چرا حقوق بشر در رسانه‌های افغانستان جایگاهی ندارد؟ وی دلیل این مسأله را از یک طرف کم توجهی دولت و از طرف دیگر مغایرت حقوق بشر با منافع رهبران جهادی و حلقات دیگر عنوان کرد: «رسانه‌های دولتی صرفا در روز جهانی حقوق بشر به نشر یک خبر و یا اعلامیه اکتفا می کنند. رسانه‌های آزاد طی ده سال تلاش داشته‌اند که حداقل بتوانند زبان خوبی برای نهادهای حقوق بشری باشند. اما این رسانه‌ها هم اندک هستند و منابع مالی آن چنانی که باید در اختیار داشته باشند، ندارند. از جانب دیگر عدم آشنایی مردم با ارزش‌های حقوق بشری مشکلی است، تا جایی که عده‌ای حقوق بشر را خلاف اسلام می دانند. ما نیازمند آن هستیم که آموزش حقوق بشر را از مکتب‌ها آغاز کنیم، تا مردم حداقل با ارزش‌های حقوق بشری احساس بیگانگی نکنند.»

او در پاسخ گفتگوگردان در باره تعریف رسانه‌های مستقل و آزاد گفت: همه رسانه‌هایی که در افغانستان فعالیت می کنند به گونه‌ای از منابع خارجی تمویل می شوند. اما بارها پرسیده شده که آیا رسانه‌های افغانستان جرأت اعلام منابع مالی خود را دارند یا نه؟ پس از اعلام منابع مالی این رسانه‌ها می توان در باره استقلال عمل این رسانه‌ها سخن گفت.

دومین سخنران، آقای علیرضا روحانی، درباره‌ی نقش قربانی‌ها در فرایند عدالت انتقالی و نقش قربانیان و رسانه‌ها در همکاری و تقویت این روند صحبت کرد.

روحانی گفت: «تاریخ افغانستان تاریخی سراسر فاجعه است، سرشار از نابرابری و بی عدالتی. در مقدمه قانون اساسی افغانستان این حقیقت تلخ اذعان شده است. در برابر چنین تاریخی ما دو راه حل بیشتر نخواهیم داشت. یا هرآنچه بر ما گذشته است فراموش کنیم و یا به یاد داشته باشیم و از آن تجربه بیاوریم تا راه برای آینده بهتر هموار شود.»

او در سخنان اش از فراموش سازی به عنوان مواد مخدروی یاد کرد که گذشته‌ی ما را از یاد ما خواهد برد و آینده ما را بر باد خواهد داد. به همین دلیل نباید هیچ گاهی تسلیم این گونه فراموشی‌ها و فراموش سازی‌ها شویم.

یکی از نقش‌های عمده‌ی قربانیان در روند مستند سازی است. مهم ترین و صادقانه ترین روایت، روایت قربانیان است. نقش دیگر قربانیان در جهت دهی درست مصالحه است. امروز این بحث به صورت جدی مطرح است. اما این‌ک که مصالحه به چه بهانه و با کدام معیارها صورت گیرد، موضوعی است که نگرانی‌های بسیاری را برانگیخته است. مسأله‌ای دیگر حضور و یاد بسود قربانیان در ذهن و ضمیر مردم افغانستان است که کمک بسیار مهمی را در تقدس شکنی نسبت به ناقضان حقوق بشر می کند. ناقضان حقوق بشر می توانند چهره‌ی وحشی خویش را به یک چهره‌ی جدید بنمایانند و جامعه را در کام ظلمت فرو برند. حضور قربانیان نقض حقوق بشر این تقدس را نسبت به آن‌ها می تواند بشکنند و کار دیگری را که قربانیان می‌توانند انجام دهند مبارزه‌ی دوام‌دار برای لغو قوانین و مقرراتی است که عملاً مجال عفو ناقضان حقوق بشر را فراهم کرده است. در یک جمله حضور دوام دار قربانیان حداقل کاری که می کند شرمنده سازی دوام دار ناقضان حقوق بشر است.»

آقای روحانی در پاسخ گفتگو گردان در باره‌ی نقش رسانه‌ها در روند عدالت انتقالی و جلوگیری از نقض حقوق بشر گفت: «رسانه‌ها در کشف حقیقت، مستند سازی، نشر درست وقایع و جهت دهی اذهان عامه، همگرایی و هماهنگ سازی قربانیان و دادخواهی می‌توانند نقش اساسی داشته باشند. رسانه‌های بیدار می‌توانند به عنوان پشتیبان واقعی قربانیان باشند. نکته عمده و مهم دیگر این است که رسانه‌ها باید اصل موضوع را همواره زنده بدارند. زنده سازی اصل موضوع به گونه‌های مختلف کاری است که تنها رسانه‌ها می‌توانند انجام دهند.»

او در پاسخ به پرسش آقای شیرزاد در باره‌ی کارکردهای کمیسیون مستقل حقوق بشر در روند عدالت انتقالی و قربانیان گفت: کمیسیون‌ها و کمیته‌ها در تمام کشورها هیچ گاهی ماهیت قضایی و اجرایی ندارند. اگر چه ممکن است توانایی‌ها و تأثیر گزاری‌هایی داشته باشند: «کمیسیون مستقل حقوق بشر تنها است در کنار نهادهای دولتی افغانستان. وقتی قوای سه گانه دولت را مورد مطالعه قرار می دهد پر از کاستی‌ها و کمی‌ها است. اگر کمیسیون تمام توان خود را به خرج بدهد باز هم با وجود این گونه نهادهای دولتی، نمی‌توان موفقیت صد در صد را از آن

انتظار داشت... وقتی برنامه‌ی عمل دولت درباره‌ی عدالت انتقالی روی دست بود، پارلمان افغانستان قانون مصالحه ملی و عفو عمومی را به تصویب رساند که مستقیماً جلو عدالت گرفته شود.»

آقای صدیقی الله توحیدی رییس دیده‌بان رسانه‌ها سخنان اش را با ارایه آماری از رسانه های چاپی و برقی فعال در افغانستان آغاز کرد: «در حال حاضر ۴۶ تلویزیون، ۱۴۵ رادیو، ۲۲ روزنامه، ۶۷ هفته نامه، ۱۰ دو هفته نامه، ۵۰ ماهنامه، ۲۵ مجله، ۳ دوماه نامه، ۱۰ گاهنامه، ۴ جریده، ۹ خبرگزاری و ۱ فصل نامه که در مجموع ۱۹۸ رسانه‌ی برقی و چاپی می‌شود در افغانستان فعالیت می کنند.»

آقای توحیدی رسانه‌های افغانستان را به چهار بخش تقسیم کرد: «اول – رسانه‌های دولتی: همه این‌ها یک خبر یا یک موضوع را به نشر می‌رسانند. هر چه که سرکار گفت این‌ها نشر می‌کنند. (کنایه از این که تابع فرمان حکومت اند). دوم- رسانه‌های خصوصی آزاد که کارشان مستقل تر است، متکی به حمایت‌های مالی موسسات کمک کننده به افغانستان است. سوم- رسانه‌های وابسته به تجار، احزاب سیاسی و شخصیت‌های قومی و سیاسی که چه اعلام کنند یا نکنند منبع شان مشخص است. چهارم- بخش دیگری از رسانه‌ها به وسیله استخبارات منطقه تمویل می‌شود که تعدادشان بسیار زیاد است.»

او درباره‌ی وقایع خشونت آمیز در برابر خبرنگاران طی ده سال اخیر گفت: «در ده سال ۳۰۰ واقعه‌ی خشونت بار داشته‌ایم. همین امروز پیش از آمدنم به این‌جا یکی از خبرنگاران از قندهار گزارشی فرستاده بود که رییس دانشگاه قندهار به خبرنگار رادیو کلید می‌گوید: «من حاضر نیستم

به هر سوال شما پاسخ بدهم.» خبرنگار می‌گوید: «این قانون دولت است.» رییس دانشگاه می‌گوید: «من قانون شخصی خود را دارم. وقتی خبرنگار می‌گوید: «مردم قندهار به این معلومات نیاز دارند.» رییس در جواب می‌گوید: «مردم سگ است». بعد با بدترین الفاظ خبرنگار را از دفترش بیرون می‌کند. به همین دلیل است که ما سالانه بیشترین آمار خشونت علیه خبرنگاران را داریم. در ده سال اخیر ۱۸ نفر خبرنگار کشته و قربانی شده‌اند.»

او در بخش دیگری از سخنانش اشارده‌ای به تاریخ افغانستان کرد و گفت: «جنایت تنها از سال ۱۳۵۷ به این طرف صورت نگرفته است. تاریخ افغانستان تاریخ جنایت علیه بشریت است. قتل عام هزاره‌ها در زمان عبدالرحمن خان، سرکوب ششینوار، برخورد شان الله در برابر مخالفین سیاسی خود، سرکوب مردم شمالی به وسیله نادر خان و... ولی ما همیشه فراموش می‌کنیم، نه مکتوبی می‌ماند و نه صدایی. این فراموشی سبب می‌شود که جنایت‌ها ادامه یابد.»

آقای توحیدی در پاسخ به پرسش گفتگوگردان در باره‌ی دلایل خود سانسوری در برابر برخی موضوعات مهم و مربوط به برخی شخصیت‌ها و چگونگی حمایت دولت از رسانه‌ها گفت: «با وصف این که حکومت مؤظف است که از آزادی رسانه‌ها حمایت کند، در این زمینه نه برنامه‌ای داشته است و نه حمایتی. با وجودی که مخالفت رسمی نداشته است اما مخالف‌های غیر رسمی شدیداً وجود داشته است. توقیف، تهدید، بازداشت‌های موقت و... همه از طرف دولت افغانستان صورت گرفته است. خبرنگارانی که در زون مشرقی کار می‌کنند، می‌گویند: «از هر دو جناح می‌ترسیم، هم از طالبان و هم از حکومت.»

به باور آقای توحیدی با وجودی که در برخی جاها رسانه‌ها فعال اند و حقایق را به نشر می‌رسانند اما چون گوش دولت بدهکار نیست و هیچ گاه مسایل بررسی و تعقیب نمی‌شوند، این عمل حکومت اصحاب رسانه را مأیوس می‌کند.

او درباره‌ی قتل چند خبرنگار زن و عدم توجه دولت به دوسیه‌های خبرنگاران گفت: «در قتل شکبیا سانگه آماج خانواده‌اش متهم بودند. پدرش زندانی شد و بسیار به زودی آزاد شد و مورد پیگرد قرار نگرفت. در مورد خانم دکا یا به امروز پیوسته اعلامیه و پیام داده شد که قاتل او کیست؟ هیچ ارگان و نهاد دولتی حاضر نیست به این مسأله پاسخ دهد. در حالی که هر دو در محل تحت حاکمیت دولت به قتل رسیدند. صمد روحانی نیز در شهر لشکرگاه اختطاف شد و در مناطق زیر کنترل حکومت شکنجه شد و به قتل رسید اما هیچ گزارشی از طرف دولت در این زمینه به نشر نرسید.»

خانم صبرینا ثاقب نماینده‌ی سابق مجلس در سخنان اش با عنوان

زنان، رسانه و حقوق بشر گفت: «با وجود این که زن‌ها در رسانه‌ها حضور دارند اما در برنامه ریزی و مدیریت رسانه‌ها جای زن‌ها خالی است که از مشکلات اقتصادی و عدم پشتوانه سیاسی ناشی می‌شود.

هنوز جای رسانه‌ای که مختص به مسائیل زنان پردازد خالی است به ویژه رسانه‌های تصویری و صوتی که بیشتر مخاطب دارند.»

او درباره‌ی مشکلات خاص زنانی که در رسانه‌ها کار می‌کنند گفت: «در پهلوی خشونت‌های دولت و طالبان نسبت به خبرنگاران زن و مرد، زن‌ها از یک نشانی دیگر نیز مورد خشونت قرار می‌گیرند و آن خانواده‌های شان است. به طور نمونه خانم شیمیا رضایی و سانگه آماج به وسیله اعضای خانواده شان به قتل رسیده بودند.»

به باور خانم ثاقب رسانه‌های افغانستان با دو مشکل عمده‌ی دیگر نیز مواجه‌اند: «مشکل عمده‌ی دیگر رسانه‌ها عدم تطبیق قانون است. قانون رسانه‌های افغانستان، قانون خوبی است اما خود دولت افغانستان به آن باورمند نیست. به طور نمونه وزیر اطلاعات و فرهنگ سابق که حالا رئیس دفتر آقای کرزی است، در یکی از صحبت‌ها هایش گفت بود: «آزادی بیان حرف مفت است». نبود قانون دسترسی به اطلاعات موجب خطرهای زیادی می‌شود. این قانون می‌تواند زمینه‌ی سلامتی فیزیکی و روانی رسانه‌ها را مساعد بسازد.»

خانم ثاقب در مورد کیفیت رسانه‌های دولتی گفت: «با توجه به صحبت آقای آقای توحیدی این رسانه‌ها در خدمت دولت است و مطابق باپلیسی‌های دولت عمل می‌کنند و بیشتر از هر رسانه‌ی دیگری مورد سانسور قرار می‌گیرند.»

آقای ملک شفیعی دبیر جشنواره‌ی پاییزی حقوق بشر درباره‌ی آزادی بیان و سانسور در سینمای افغانستان گفت: «سینماگران افغانستان تا هنوز مواجه به سانسور و پرداخت هزینه های سنگین نشدند چون فیلم‌هایی نداریم که چالش برانگیز باشند و وارد خطوط قرمز شوند و یا به مسایل اساسی و بنیادین بپردازند. اما طبق آیین نامه‌ی سینما در افغانستان، فیلم‌هایی که ضد دین، ضد منافع ملی و یا عریان باشند سانسور خواهند شد. طی سال‌های اخیر سه فیلم توقیف شد: فیلم «کابل اکسپرس»، فیلم «بادبادک باز» و «اسامه» که نشر شان در افغانستان ممنوع است. دو فیلم دیگر که نشر آن‌ها مورد سوال قرار گرفت فیلم «مسافران» و فیلم «مدرسه» بود که هر دوی آن‌ها درباره‌ی وضعیت مهاجرین افغانستان در ایران بود. وضعیت فیلم‌های چالش برانگیز در افغانستان به گونه‌ای است که می‌تواند از بیرون افغانستان نیز اعمال فشار صورت گیرد. اگر سینمای افغانستان وارد موضوعات جدی شود احتمال سانسور فیلم‌ها به شدت زیاد است.»

او در بخش دیگری از سخنانش گفت: «سینمای افغانستان طی ده سال اخیر استفاده‌ی خوبی از وضعیت کرده است. ما سالانه در حدود ۱۰۰ فیلم داستانی و مستند، کوتاه و طولانی تولید داریم. اگر مقایسه کنیم، تولید یک ساله‌ی ما در شرایط فعلی بالغ بر تولید نیم قرن فعالیت سینمای افغانستان قبل از سال ۲۰۰۱ است.»

اما سینما و حقوق بشر؟ آقای شفیعی در این زمینه گفت: «طی ده سال اخیر مسأله حقوق بشر تنها از دو زاویه‌ی حقوقی و سیاسی مطرح شد. اما جشنواره‌ی حقوق بشر تلاشش این بود که حقوق بشر را از این دو زاویه بیرون کند و وارد حوزه‌ی اجتماع سازد.

گزارشی از کنفرانس بن ۲ در بخش دیگر این گفتگو گزاشی نیز از کنفرانس بن ۲ به وسیله دکتر عالمه فعال حقوق زنان و عضو کمپاین ۵۰٪ زنان که در حاشیه آن کنفرانس اشتراک نموده بود ارائه شد:

نظرات جامعه مدنی افغانستان در چهار زمینه به کنفرانس بن پیشنهاد شده بود: پروسه انتقال، تعهدات درازمدت نهادهای مدنی، همکاری‌های منطقه‌ای و مسأله‌ی راه حل‌های سیاسی و ادغام مجدد. دو نفر از نهادهای جامعه‌ی مدنی در کنفرانس بن شرکت نموده بودند تا پیام جامعه‌ی مدنی را به کنفرانس بن برسانند. و همچنان ناظرانی در کنفرانس بن نیز شرکت داشتند. بان کی مون دبیر کل سازمان ملل، وزیر خارجه امریکا و مقامات آلمان در این کنفرانس با نهادهای مدنی دیدار داشتند. در حاشیه کنفرانس بن ۱۰۰۰ نفر شرکت داشتند. ۸۵ وزیر خارجه و ۱۵ سازمان بین المللی در آن‌جا حضور داشتند. در بیرون از کنفرانس تظاهرات نیروهای ضد جنگ بود که ۱۱۵ نهاد به خاطر ختم جنگ در افغانستان تظاهرات کرده بودند و شعار می‌دادند: «به اشغال افغانستان خاتمه دهید!» در این تظاهرات افغان‌های اروپا و نهادهای حقوق بشری نیز شرکت داشتند و سه روز این تظاهرات ادامه داشت. او گفت: «متأسفانه در سند ۲۳ ماده‌ای که بیرون داده شده از عدالت انتقالی صحبتی به میان نیامده است. در حالی که در بن ۱ این مسأله به شدت مطرح بود. به فساد سیاسی که اوج گرفته است به صورت گذرا اشاره شده است. در این سند، پس از ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ که دوره تحول نامیده شده است تصمیمی برای ادامه کمک‌ها به افغانستان دیده نمی‌شود. همچنان در این سند آمده است که در ماه می سال ۲۰۱۲ شیکاگو کنفرانس سران ناتو برگزار می‌شود و در آن‌جا روی مسأله‌ی انتقال تصمیم گرفته می‌شود. همچنان کنفرانس دیگری در توکیو برگزار خواهد شد که در آن روی مسایل اقتصادی افغانستان بحث صورت خواهد گرفت.»

او گفت: «ما اطلاع داشتیم که دو نفر از اعضای طالبان تا روز آخر کنفرانس در آلمان حضور داشتند. شاید عدم حضور پاکستان باعث شد که روی موضوع طالبان صحبت صورت نگیرد.»

خشونت علیه خبرنگاران...

توهین و ۲۱ تن دیگر تهدید شده‌اند.

امید خیلواک، خبرنگار بی‌بی‌سی در ولایت ارزگان، فرهاد تقدسی، فلمبردار تلویزیون انگلیسی زبان ایران، «پرس‌تی‌وی» در کابل و جعفر وفا، خبرنگار رادیو «کله‌گوش» در ولایت لغمان، از جمله خبرنگارانی هستند که در جریان سال ۲۰۱۱ میلادی به قتل رسیده‌اند. براساس گزارش دیده‌بان رسانه‌ها، امید خیلواک توسط نیروهای ناتو، فرهاد تقدسی به اثر حمله راکتی طالبان و جعفر وفا به اثر انفجار ماین کنار جاده، کشته شده‌اند.



با این حال، صدیق‌الله توحیدی، مسوول دیده‌بان رسانه‌ها، روز گذشته با انتشار گزارش موارد خشونت علیه خبرنگاران، در یک نشست خبری گفت که میزان خشونت علیه خبرنگاران در سال ۲۰۱۱ نسبت به سال گذشته میلادی، ۳۸ درصد افزایش یافته است. آقای توحیدی با ابراز نگرانی شدید از افزایش موارد خشونت علیه خبرنگاران، افزود: «این آمار، برخلاف سال ۲۰۱۰ بلند رفته و این مساله سبب نگرانی دفتر نی، حمایت‌کننده رسانه‌های آزاد افغانستان، است. افغانستان، هنوز هم، کشوری نامطمین برای خبرنگاران و روزنامه‌نگاران است.»

صدیق‌الله توحیدی می‌افزاید که علت اصلی افزایش موارد خشونت علیه خبرنگاران، گسترش ناامنی‌ها در کشور، عدم پاسخگویی مقام‌های حکومتی و حرکت‌های بالاتر از قانون توسط مقام‌های دولتی است. به گفته‌ی او، عدم مجازات عاملان خشونت از سوی مراجع ذی‌صلاح و کم‌توجهی موسسات حمایت‌کننده نیز باعث شده است که موارد خشونت علیه خبرنگاران، در جریان سال جاری میلادی، افزایش یابد.

مسوول دیده‌بان رسانه‌ها گفت: «متأسفانه خبرنگاران در جریان سال ۲۰۱۱ از پولیس شاهراه گرفته تا مقام‌های بلندپایه، مورد لت و کوب، توهین و اهانت قرار گرفته‌اند.»

خودسانسوری

با این حال، مسوول دیده‌بان رسانه‌ها می‌افزاید که افزایش موارد خشونت علیه خبرنگاران باعث شده است که خبرنگاران، در جریان سال جاری میلادی، دست به خودسانسوری بزنند. آقای توحیدی می‌گوید: «به دلیل ناامنی و جنگ، عدم پاسخگویی مقام‌های حکومتی، عدم مجازات خاطیان و به‌خاطر عدم تأمین امنیت جانی خبرنگاران، متأسفانه در سال ۲۰۱۱ میلادی هم خودسانسوری به حد کافی در مناطق ناامن وجود داشت. خبرنگارانی که در مناطق ناامن کار می‌کنند، به دلیل عدم توجه مسوولان حکومت به‌خاطر تأمین امنیت جانی‌شان و عدم توجه به وضعیت امنیتی‌شان - هم از جانب مالکان رسانه‌ها و هم از جانب مقام‌های حکومتی - خودسانسوری به حد کافی وجود داشت.»

با آن‌که هربار پس از مورد خشونت قرار گرفتن خبرنگاران، کمیسیون‌هایی برای رسیدگی به این مساله از سوی دولت ایجاد شده است، اما تاکنون هیچ‌یک از عاملان خشونت علیه خبرنگاران مورد مجازات قرار نگرفته‌اند. با این حال، دیده‌بان رسانه‌ها از مقام‌های مسوول و نهادهای بین‌المللی مدافع رسانه‌ها و آزادی بیان، کشورهای کمک‌کننده به افغانستان خواست که از خبرنگاران حمایت بیشتر کنند و نگذارند که دست‌آوردهای ده سال گذشته، قربانی معاملات سیاسی شود.»

دیده‌بان رسانه‌ها در عین حال اطلاعات بالا را در ۲ جدول مشروح منتشر کرد. در یکی از آنها جزئیات موارد قتل، زخمی، زندانی، لت و کوب و تهدید خبرنگاران در افغانستان در سال ۲۰۱۱ با ذکر نام، رسانه مربوطه، تاریخ، نوع و محل واقعه، نیروی مسئول حمله، و در دیگری هر یک از موارد به تفکیک هر ماه از سال ۲۰۱۱ گزارش شده است.

موارد قتل، زخمی، زندانی، لت و کوب و تهدید خبرنگاران در افغانستان در سال ۲۰۱۱

مجموع موارد	۸۰
مواردی که از سوی دولت در برابر خبرنگاران صورت گرفته است	۴۹
مواردی که از سوی اشخاص ناشناس در برابر خبرنگاران صورت گرفته است	۱۸
مواردی که از سوی طالبان در برابر خبرنگاران صورت گرفته است	۹
مواردی که از سوی نیروهای ناتو در برابر خبرنگاران صورت گرفته است	۴

• بر اساس گزارشی که گزارشگران بدون مرز در تاریخ ۲۵ جنوری ۲۰۱۲ در باره شاخص آزادی مطبوعات در جهان (۲۰۱۲-۲۰۱۱) منتشر کرد، افغانستان در میان ۱۷۹ کشور، در رده ۱۵۰ قرار گرفته است.

پایان دوره چند تن از کمیشنرهای کمیسیون مستقل حقوق بشر

ایمل فیضی، سخنگوی رئیس جمهوری حامد کرزی در روز ۲ جدی ۱۳۹۰ (۲۳ دسامبر ۲۰۱۱) گفت که دوره کاری نادر نادری، فهم حکیم، غلام محمد غریب و حمیده برمکی در کمیسیون مستقل حقوق بشر پایان یافته و افراد جدیدی به‌جای آنها معرفی خواهند شد. در پی آن نهادهای مختلف به این خبر واکنش نشان دادند.

اعلامیه نهادهای جامعه‌مدنی و حقوق بشر

به نام خداوند دادگر و توانا

۸ جدی ۱۳۹۰ برابر با ۲۹ دسمبر ۲۰۱۱

نهادهای جامعه‌مدنی افغانستان، به تاریخ ۶ جدی ۱۳۹۰، در نشست مشورتی پیرامون برکناری سه تن از کمیشنرهای کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، با رئیس جمهور، آقای حامد کرزی، در ارگ ریاست جمهوری، اشتراک کردند.

با تأسف، گزارش نشست نهادهای جامعه‌مدنی افغانستان با رئیس جمهور کشور در سایت خبری مرکز اطلاعات و رسانه‌های حکومت، به گونه‌ی بازتاب یافته، که گویا نهادهای جامعه‌مدنی، خواستار برکناری ۹ تن از کمیشنرهای کمیسیون مستقل حقوق بشر شده‌اند. نهادهای جامعه‌مدنی و حقوق بشر، ضمن این که از کارکرد ها و فعالیت‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، حمایت، ستایش و قدردانی می‌کنند، از مرکز رسانه‌های حکومت جداً می‌طلبند که خبر مذکور را تصحیح نماید؛ زیرا این امر، صحت نداشته و به هیچ وجه منطقی نمی‌باشد. نهادهای جامعه‌مدنی کشور نیک می‌دانند که برکناری اعضای متخصص و فعال کمیسیون مستقل حقوق بشر، باعث گسست در آرشیف اطلاعاتی و معلوماتی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان می‌گردد. کمیسیون مستقل حقوق بشر در شرایط فعلی از جایگاه خاصی برخوردار است و در صورت تجدید نظر کادرهای این کمیسیون، نگرانی این است که فضا به دست افراد بی مسئولیت، ناپاور به ارزش‌های حقوق بشر و غیر متخصص قرار گیرد و جای پای ناقضین حقوق بشر و یا حامیان آن‌ها در کمیسیون، باز گردد. این نگرانی‌ها با توجه به وضعیت حساس اداری، سیاسی و نظامی کشور و با درنظرداشت دوام فرهنگ معافیت، بی عدالتی و عام شدن ظلم، هر لحظه بیشتر می‌گردد. بنا بر این، نهادهای جامعه‌مدنی و حقوق بشر، به ادامه اعلامیه شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر (مورخ ۳ جدی ۱۳۹۰) و با توجه به تعهد دولت در کنفرانس بن و



در روشنایی اصول نامه پاریس و قطعنامه ۱۳۴ مورخ ۲۰ دسمبر ۱۹۹۳ اسامبله عمومی ملل متحد به منظور نظارت بر رعایت حقوق بشر، موارد زیرین را پیشنهاد می نمایند:

۱. جایگزینی و تقرر کمیشنرهای کمیسیون‌های ملی حقوق بشر به اساس اصولنامه پاریس، با شفافیت، در یک روند فراگیر ملی، در مشوره با نهادهای مدنی و شورای ملی، پیشبینی شده است. همچنان این مسأله در قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، مصوب ۱۳۸۴/۲/۱۲، نیز صراحت دارد. نهادهای جامعه‌مدنی از دولت افغانستان می‌طلبند که در صورت جایگزینی کمیشنرهای این کمیسیون، مفاد مطرح در اصولنامه پاریس و قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را رعایت نماید.

اصولنامه پاریس برای اعضای نهادهای ملی حقوق بشری، به صورت واضح، معیارهای افرادی را که برای عضویت در کمیسیون حقوق بشر نامزد می‌شوند، تعیین نموده است، که از جمله باورمندی به اصول و ارزش‌های حقوق بشر، تخصص و شناخت از این ارزش‌ها، استقلالیت فکری، عدم تعهد به احزاب و جریان‌های سیاسی و شهرت خوب در جامعه، مشمول این معیار ها می باشند.

۲. نهادهای جامعه‌مدنی و حقوق بشر، شدیداً نگران عدم استقلالیت کمیسیون حقوق بشر و ترکیب بعدی آن ←

نماینده‌گی سازمان ملل متحد گفته است که براساس اصولنامه پاریس در مورد نهادهای ملی حقوق بشر، تعیین کمیشران حقوق بشر باید شفاف و با مشوره گسترده صورت گیرد. همچنان، برای انتخاب بهتر، باید این پست ها به صورت عام اعلان گردد تا از میان داوطلبان متعدد و واجد شرایط، کمیشران انتخاب گردند.

یوناما گفته است که سازمان ملل و جامعه بین المللی از روند تعیین کمیشران به صورت مشورتی، فراگیر و بی ریا، حمایت می کنند. به گفته یوناما، در این صورت افراد واجد شرایط که انعکاس دهنده جامعه گونه گون افغانستان از نظر مذهبی، قومی، زبانی، منطقه یی و جنسیتی باشند، انتخاب خواهند شد.

سیما سمر ۳

خانم سیما سمر رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، در گفت و گویی با بی بی سی فارسی (۱۹ جنوری)، گفت: اعضای کمیسیون حقوق بشر همه کشور ها مطابق اصولنامه پاریس انتخاب می شوند و افغانستان هم از این قاعده مستثنا نیست. سیما سمر گفت کمیسیون هنوز در مورد پایان کار هیچکدام از اعضایش نامه رسمی دریافت نکرده است و همه اعضای کمیسیون تاکنون به کار خود ادامه داده اند.

دیده بان حقوق بشر ۴

دیده بان حقوق بشر که مقر آن در نیورک است، از حامد کرزی رئیس جمهوری افغانستان خواسته است در انتخاب و معرفی اعضای جدید کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان دقت کند.

این سازمان با انتشار اعلامیه ای بر استقلال کمیسیون حقوق بشر افغانستان تاکید نهاده و از رئیس جمهور کرزی خواسته است افرادی را به عنوان اعضای جدید این سازمان معرفی کند که مستقل باشند و تجربه لازم در زمینه فعالیت های حقوق بشری داشته باشند.

در این اعلامیه آمده است که با وجود اینکه کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در شرایط سخت و دشواری در افغانستان کار می کند اما در سالهای گذشته حضور موثری داشته است.

۱ منبع:

<http://www.aihrc.org.af/media/files/Bonn%20Confrence/CS/Afghan%20Civil%20Society%20Statement%20-%20Dari.pdf>

2 http://www.dw-world.de/dw/article/0_15641140.00.html

3 http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2012/01/120119_109_human_rights_whatcay_karzai.shtml

۴ همانجا

می باشند. این نگرانی ها به ویژه در عدم رعایت معیارهای جاگزینی، جدی تر می گردد. اگر قرار بر این باشد که کمیشر ها بر اساس مصلحت حکومت، به دور از یک پروسه شفاف ملی و مشورتی با نهادهای حقوق بشری و مدنی تعیین گردند، این کار در تقابل آشکار با قانون اساسی، تعهدات افغانستان به قراردادهای بین المللی و حتی تعهد اخیر دولت افغانستان در کنفرانس بن قرار می گیرد.

۳. با درنظر داشت وضعیت حساس و چالش های جدی امنیتی، فعالین حقوق بشر و جامعه مدنی، مورد تهدید بوده و از آن جایی که کمیشرهای کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، بر حسب فعالیت های شان نیز مورد تهدید اند، حکومت جدا مسئول تأمین امنیت و ضامن مصونیت فردی شان می باشد.

۴. با توجه به این که کشور ما چندین دهه جنگ، بی عدالتی و نقض حقوق بشری را گذرانده است، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، اسناد جدی از تخطی های حقوق بشری و ناقضین حقوق بشر را در اختیار دارد. جابجایی افراد بی باور به عدالت و ارزش های حقوق بشر، می تواند مشکلات جدی و نگران کننده را در این کمیسیون و در نهایت به قربانیان به بار آورد.

۵. مطابق به قطعنامه کنفرانس بین المللی افغانستان در بن، متعقد ۵ دسمبر ۲۰۱۱، دولت افغانستان، باید تلاش های محسوسی را در رابطه به تقویت و حمایت پروسه ها و نهادهای دموکراتیک، از جمله کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، تأمین حکومتداری خوب و حاکمیت قانون، به نمایش گذارد، تا نه تنها مردم افغانستان، بلکه جامعه بین المللی نیز متیقن گردند، که افغانستان به طرف یک آینده مطمئن و مصون به پیش می رود.

به امید تأمین حقوق بشر و حاکمیت قانون در افغانستان!

دفتر نمایندگی سازمان ملل متحد، یوناما ۲

یوناما روز دو شنبه ۱۲ جدی ۱۳۹۰/۲ جنوری ۲۰۱۲، در اعلامیه ای گفت که سازمان ملل متحد از اقدامات حکومت افغانستان و جامعه مدنی برای تعیین کمیشر های شایسته به کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از طریق روند شفاف و مشورتی استقبال می نماید. حفظ استقلال کمیسیون مستقل حقوق بشر، مسوولیت عمده حکومت افغانستان است و افزود: «قوانین افغانستان حکومت را ملزم می سازد که استانداردهای بین المللی کثرت گرای، شفافیت، تنوع و مشاورت را در روند تعیین (کمیشران) رعایت کند».

یوناما همچنان افزوده است که رییس جمهور افغانستان براساس قانون باید افرادی با دانش اکادمیک و تجربه در بخش حقوق بشر، بی طرف، مستقل و متعهد به ارزش های حقوق بشری را به عنوان کمیشران کمیسیون مستقل حقوق بشر برگزیند.



صدای افغانها بالای حکومت آنها برای

انکشاف یک نقشه راه برای صلح و آشتی ملی

نهاد های مدنی شامل کمیته گرداننده گفتنام مردم افغانستان برای صلح

گزارشی به وسیله ۱۳ نهاد مدنی و حقوق بشری به نشر رسیده که حاصل گفتگو با ۱۵۰۰ تن از شهروندان افغانستان است. آنها وضع امنیتی، بی عدالتی، حاکمیت ضعیف نهادهای حاکمیت قانون، فساد گسترده، فقدان انکشاف اقتصادی و عدالت اجتماعی و حمایت اندک از حقوق بشر و حقوق زنان را به مثابهی موانع عمدهی فرا راه صلح پایدار در افغانستان تشخیص نموده اند.^۱

این جا فشرده ای از این گزارش را می خوانید:

افغانها در سراسر کشور برای ما گفتند که حکومت ضرورت دارد تا به عوامل کلیدی که باعث تداوم جنگ شده اند تمرکز نماید. اگر ما می خواهیم به صلح و ثبات پایدار نایل گردیم، عنوان کردن این مشکلات می تواند پایه های اساسی صلح پایدار را تنظیم نماید. افغان های که در گفتنام شرکت داشتند بیان داشتند که حکومت افغانستان به حمایت مردم افغانستان به خاطر رسیدن به یک صلح پایدار و با محتوا ضرورت دارد. چنانچه یک معلم در ولایت کندز گفت: «ما ... آینده افغانستان را خواهیم ساخت.» افغان ها همچنان قویاً خاطر نشان ساختند که هر کوششی که برای رسیدن به صلح صورت می گیرد باید حتماً فراگیر باشد، وحدت ملی را ترویج نموده و تحت رهبری افغان ها باشد.

«یک استراتژی واحد برای افغانستان وجود ندارد: تنها کشورهای مختلف، افکار گوناگون، بر نامه های مختلف وجود دارد. ما به یک پلان و یک مجموعه ای از اهداف نیازمندیم.» این را یک معلم از ولایت خوست ابراز نمود.

گزارش بیان می کند که مخالفین مسلح نباید به مردم ملکی ضرر رسانند و باید قانون جنگ را رعایت نمایند. «ما از مخالفین مسلح توقع داریم تا اگر آن ها واقعاً افغان هستند، نباید اوامری را از بیرون کشور تحویل بگیرند و باید به یک توافق با حکومت افغانستان در موضوع صلح برسند. آن ها باید سلاح های خود را به زمین بگذارند و در پروسه باز سازی کشور ویران شده شان سهیم گردند.»

این موضوع در جریان گفتنام توسط مردان و زنان در ولایت بغلان ابراز گردید.

تمام افغان های که در گفتنام شرکت داشتند، دیدگاه شان را نسبت به این که وضع امنیتی به تدریج در مملکت رو به وخامت نهاده است ابراز داشتند. گویا آن ها در بین آشوب گران... ادامه در صفحه بعدی

گزارش دادگاه بین المللی کیفری در باره افغانستان

در دسمبر ۲۰۱۱^۱



دفتر دادستان

۱۳ دسمبر ۲۰۱۱

پیشینه عملی

۲۰ - دفتر دادستان در فاصله ۱ جون ۲۰۰۶ و ۱ جون ۲۰۱۱، ۵۶ نامه بر اساس ماده ۱۵ اساسنامه رُم دریافت کرده است. بررسی اولیه وضعیت در افغانستان در سال ۲۰۰۷ رسمیت یافت.

مسایل مقدماتی مربوط به صلاحیت

۲۱ - افغانستان سند تصویب اساسنامه رُم را در تاریخ ۱۰ فیروزی ۲۰۰۳ تحویل داد. بنابراین، پس از ۱ می ۲۰۰۳ دادگاه بین المللی کیفری (ICC) در باره جرایم مربوط به اساسنامه رُم که در خاک افغانستان یا به دست شهروندان آن رخ داده باشد صلاحیت دارد.

پیشینه موضوع

۲۲ - پس از حمله های ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، در واشنگتن دی سی و شهر نیویورک، ائتلافی به رهبری امریکا به حمله های هوایی و عملیات زمینی علیه طالبان - که مظنون به پناه دادن به القاعده بود - در افغانستان دست زد. طالبان در پایان سال از قدرت برکنار شدند و یک دولت موقت زیر نظر سازمان ملل متحد در دسمبر ۲۰۰۱ در افغانستان بر سر کار آمد. در می - جون ۲۰۰۲، یک دولت تازه در افغانستان به حاکمیت رسید، اما درگیری ها در بعضی از مناطق کشور به ویژه در جنوب ادامه یافت. در پی آن، شورای امنیت سازمان ملل در قطعنامه ۱۳۸۶ خود نیروی بین المللی همکاری در تأمین امنیت (ISAF) را تشکیل داد که بعد زیر فرماندهی ناتو قرار گرفت. امروزه آیزاف، نیروهای امریکا و دولت افغانستان با شورشیان شامل طالبان و چند گروه دیگر به جنگ ادامه می دهند.

۲۳ - طالبان و گروه های شورشی وابسته به آن پس از ۲۰۰۳ نفوذ خود را به ویژه در جنوب و شرق کشور بازسازی کرده اند. حداقل از می ۲۰۰۵ به بعد، درگیری مسلحانه در ولایت های جنوبی افغانستان بین گروه های سازمان یافته مسلح شورشی، به ویژه طالبان، و نیروهای نظامی افغانستان و بین المللی گسترش یافته است. این درگیری به شمال و غرب افغانستان از جمله مناطق... ادامه در صفحه بعدی

ادامه از صفحه قبلی

صدای افغان ها ...

و افغانها و قوای بین المللی به دام افتاده‌اند. گزارش خاطرنشان می‌سازد که مردم از قوای بین المللی می‌طلبند که عملیات شبانه و گرفتاری‌های دسته جمعی و توقیف‌های خود سرانه را که باعث گسترش اغتشاش می‌گردد متوقف سازند.

افغانها همچنان متذکر شدند که همکاری‌های بین المللی که ظرف ده سال گذشته برای افغانستان فراهم گردید تاثیر لازم برای ارتقای امنیت نداشته است. رفاه عامه و خدمت رسانی اعم از کمک رسانی متناسب بین المللی توسط دولتمردان مورد سوء استفاده قرار گرفته است. یک عضو شورا ی محلی از ولایت کندز فقدان حاکمیت قانون را به مثابه «سرطان جامعه» شمرد و فساد در همه سطوح حکومت را باعث فقر دانسته است.



با بازتاب دیدگاه‌هایی که در سرتاسر مملکت انعکاس یافت، یک تن از باشندگان درولایت بادغیس گفت: «ما واقعاً در مورد شرایط این کشور کوشیدیم، هر کسی با فساد آلوده است، و عدالت برای مردم نیست. یک قاتل ممکن است در بازار آزاد گشت و گذار نماید و یک قربانی ممکن است بی‌دادرس باقی بماند. ما هیچ چیزی نمی‌توانیم. زنان با فیصله محاکم مجتمعات محلی کشته می‌شوند و توجهی از سوی حکومت بر همچو مسایل وجود ندارد.»

گزارش همچنان فقدان انکشاف اقتصادی و عدالت اجتماعی را به‌مثابه عاملی برای بی‌ثباتی دانسته و بیان می‌دارد که فقر و انکشاف نامتعادل جغرافیایی، بیکاری گسترده، و عدم مساوات در تقسیم منابع مشکلاتی در داخل حکومت‌اند که در ده سال گذشته به نا کامی منجر شده‌اند.

«مردم پیشرفت‌هایی را در ایجاد مکاتب، سرک‌ها و شفاخانه‌ها به یاد دارند ولی این دستاوردها با ملیاردها دالری که به کشور وارد گردید همخوانی ندارد. مردم همچنان نا همگونی میان انکشاف دهات و شهر را وضاحت دادند. در برخی مناطق مردم به مکاتب و شفاخانه دسترسی نداشتند، این نشانه‌ی انکشاف نامتعادل است.»

گزارش همچنان بیان می‌دارد که حمایت و ترویج حقوق بشر و حقوق زنان یک موضوع عمده برای ایجاد صلح و افغانستان با ثبات است. یک خانم از ولایت بغلان گفت: «تمام اتباع افغانستان به‌شمول زنان باید مساویانه تحت توجه دولت شان قرار داشته باشند و باید آن‌ها قادر به تمتع از حقوق شهروندی شان به‌طور انفرادی باشند نه بر بنیاد جنسیت، قومیت و یا وابستگی قومی شان. زنان نباید به‌حیث شهروندان درجه دوم نگریسته شوند و تبارز آنان در امور سیاسی و اجتماعی سمبولیک نباشد. آن‌ها باید در تمام امور زندگی شان باز توانی یافته و موازن حقوق بشری به خصوص توسط نهادهای تنفیذ قانون باید رعایت گردد.»

گزارش همچنان تذکر می‌دهد که اجماع عمومی این است که باید معافیت در خصوص کسانی که حقوق بشر را در گذشته در افغانستان نقض کرده‌اند وجود نداشته باشد.

هدف از راه اندازی این گفتگو رسانیدن صدای مردم افغانستان به کنفرانس بن ۲ بوده است تا مردم اطمینان حاصل نمایند که دیدگاه‌های مردم افغانستان انعکاس دهنده تمام تلاش‌هایی است که می‌خواهد به صلح پایدار در افغانستان منتج شود.

برای رسیدن به صلح و ثبات، مردم افغانستان نکات آنی را پیشنهاد می‌کنند:

در این گزارش برای رسیدن به صلح و ثبات مردم افغانستان خواستار یک راهبرد کامل برای حفظ صلح در افغانستان شده‌اند که بر امنیت، پیشرفت اقتصادی، حاکمیت قانون، عدالت و حقوق بشر به عنوان مولفه‌های مهم صلح پایدار تمرکز داشته باشد.

از جانب دیگر نباید ارزش‌های حقوق بشری و حقوق زنان نباید قربانی مذاکراتی به منظور مصالحه با مخالفین کشور گردد.

این گزارش جامعه‌ی بین المللی را مکلف ساخته است که کمک‌هایی را که در روستاها و قریه جات دور افتاده‌ی کشور صورت می‌گیرد از نگاه کیفیت بررسی کند نه کمیت! طرف دیگر گزارش مخالفین مسلح هستند. مردم افغانستان از آنها خواستار شدند که به قوانین جنگی احترام بگذارند، هدف قراردادن مردم ملکی، ساحات مسکونی، محلات دینی، شفاخانه‌ها و مکاتب را متوقف ساخته و به ترور خاتمه دهند و همچنان با حکومت افغانستان به خاطر حصول صلح پایدار وارد گفتگو شوند.

در این گزارش به اساس خواسته‌ی مردم نهادهای مدنی موظف هستند که صدای عامه مردم را بلند نمایند و گفتگوی وسیعی را با تمرکز خاص بالای دهات و مردم محلات دور افتاده با مشارکت جوانان و زنان راه اندازند.

(کابل - افغانستان ۴ دسامبر ۲۰۱۱/ ۱۳ قوس ۱۳۹۰)

برای خواندن متن کامل گزارش به این صفحه مراجعه کنید:

<http://www.aihrc.org.af/fa/daily-reports/470/%D9%BE%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%85%D9%88%D9%86-%D8%B5%D9%84%D8%AD.html>

ادامه از صفحه قبلی

گزارش دادگاه بین المللی ...

اطراف کابل نیز کشیده است.

جرایم مورد اتهام

۲۴ - کشتار: به اظهار یوناما در افغانستان، بیش از ۱۰۰۰۰ نفر غیرنظامی از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ در درگیری‌های افغانستان کشته شده‌اند. تعداد کشته‌ها در طی سال‌ها افزایش یافته و اکثر آنها به شورشیان در جنوب، جنوب شرقی و شرق افغانستان نسبت داده می‌شود. در ۵ سال گذشته، بیشتر تلفات غیرنظامی به گروه‌های شورشی نسبت داده می‌شود که گویا در اثر حمله‌های انتحاری و تجهیزات انفجاری دست ساز رخ داده است. طالبان و دیگر گروه‌های شورشی گویا مسئول قتل عمدی غیرنظامیان افغان و خارجی هستند که تصور می‌رود به دولت افغانستان و منافع خارجی خدمت می‌کنند.

۲۵ - اطلاعاتی در باره مرگ غیرنظامیان در عملیات نظامی (شامل بمباران هوایی و عملیات بازرسی و دستگیری) به وسیله «نیروهای طرفدار دولت» دریافت شده است. تعداد این موارد به تدریج کم شده و در سال ۲۰۱۱ به پایین‌ترین میزان رسیده است.

۲۶ - شکنجه: اتهام شکنجه و اعمال ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز به وسیله طرف‌های مختلف درگیری علیه دستگیرشدگان دریافت شده است. دفتر دادستان اطلاعاتی در باره اقدام‌های دولت افغانستان و نیروهای طرفدار دولت برای رسیدگی کامل به این گونه اتهام‌ها و تضمین پاسخگویی اشخاصی که احتمالاً در بدرفتاری با زندانیان شرکت داشته‌اند دریافت کرده و باز هم پیگیر چنین اطلاعاتی خواهد بود.

۲۷ - حمله به هدف‌های بشردوستانه و سازمان ملل متحد: دفتر امنیت سازمان‌های غیردولتی افغانستان از سال ۲۰۰۸ به بعد هر سال بیش از ۱۰۰ حادثه امنیتی در باره سازمان‌های غیردولتی در افغانستان ثبت کرده است. تعدادی از این حادثه‌ها در نتیجه حمله‌های عمدی رخ داده‌اند. کارکنان و ساختمان‌های سازمان ملل نیز چندین بار، از جمله در دو حمله عمده در ۲۰۰۹ و ۲۰۱۱، هدف قرار گرفته‌اند.



۲۸ - حمله به هدف‌های حفاظت شده: از می ۲۰۰۳، شورشیان مسئول حمله‌های پرشماری به هدف‌های حفاظت شده از جمله مسجدها، بیمارستان‌ها و هلی کوپترهای MEDEVAC (تخلیه اضطراری مجروحان) بوده‌اند. هم چنین مدارس دخترانه مورد حمله‌های آتش سوزی، مسلحانه و بمب گذاری قرار گرفته‌اند.

۲۹ - عضوگیری کودکان سرباز: هم گروه‌های شورشی و هم نیروهای افغانستان به عضوگیری و استفاده از کودکان سرباز متهم شده‌اند. شورشیان گویا از کودکان برای انجام حمله‌های انتحاری، کارگذاشتن مواد منفجره و حمل مهمات استفاده کرده‌اند. طالبان این ادعا را تکذیب کرده و به سیاست خود در منع به کارگیری کودکان اشاره کرده‌اند. دفتر دادستان از اقدام‌های دولت افغانستان برای حمایت از حقوق کودکان مطلع شده است، از جمله تهیه برنامه عمل در سال ۲۰۱۱ با نمایندنده ویژه سازمان ملل متحد در امور کودکان و درگیری مسلحانه برای جلوگیری از به کارگیری کودکان کم سن و سال.

فعالیت‌ها/مشارکت دفتر دادستان

۳۰ دفتر دادستان به پیگیری و تحلیل اطلاعات از منابع مختلف در باره جرایم تمام طرف‌ها ادامه داده است. گزارش‌هایی در باره تعداد زیادی جرایم اتهامی دریافت می‌شود، اما تایید جدیت این اتهام‌ها و دریافت اطلاعات مشروح ضروری برای انجام ارزیابی درست حقوقی در هر مورد مشکل وقت گیر است. در حال حاضر، به عنوان بخشی از سیاست مثبت تکمیلی، دفتر دادستان دست به اقدام‌هایی برای تشویق طرف‌های اصلی به درپیش گرفتن راه کارهای پاسخگویی در گستره فعالیت آنها زده است. این دفتر با کارشناسان، سازمان‌های جامعه مدنی، مقامات دولت افغانستان، مسئولان سازمان ملل و کشورهای همکار ISAF در افغانستان در تماس است.

نقض حقوق بشر خبرهایی از

خبرهایی از نقض حقوق بشر

زن و کودکان

• دو زن افغان به دست نفرات طالبان سنگسار شدند^۱

گزارش های رسیده از افغانستان حاکی از آن است که افراد مسلح، که مقامات محلی آنان را شورشیان وابسته به طالبان دانسته اند، یک زن بیوه و دخترش را در غزنی از خانه شان بیرون کشیدند و به اتهام زنا سنگسار کردند بی آنکه همسایگان برای جلوگیری از این قتل، اقدامی کرده باشند.

مقامات محلی گفته اند که دو نفر را در ارتباط با کشتن این مادر و دختر بازداشت کرده اند و برخی منابع نیز گفته اند که این دو زن اوایل صبح به ضرب گلوله افراد طالبان به قتل رسیدند و سنگسار در کار نبوده است.

خبرنگار بی بی سی می گوید طالبان نفوذ گسترده ای در شهر غزنی دارند و از چند ایستگاه رادیویی به پخش برنامه های خود می پردازند در حالی که دولت افغانستان می کوشد بر این شهر مسلط شود.

بی بی سی - ۱۱/۱۱/۲۰۱۱: http://www.bbc.co.uk/persian/rolling_news/2011/11/111111_103_dn_stoning_afghanistan.shtml

• در پی شکنجه عروس نوجوان، زنان افغانستان خواستار مجازات عاملان خشونت شدند

سحرگل، یک دختر ۱۵ ساله که تازه به شوهر داده شده بود، از سوی خانواده شوهرش شدیداً مورد خشونت قرار گرفته است. به گفته مقام ها، سحر گل به دلیل تن ندادن به فحشا، از سوی خانواده شوهر مورد خشونت قرار گرفته بود. او برای شش ماه در زیر زمینی خانه شوهرش در ولایت بغلان نگهداری شده بود و سرانجام، چند هفته قبل پولیس موفق شد او را نجات دهد. نهادها حقوق بشری و مدافع حقوق زنان از حکومت افغانستان انتقاد کرده اند که عاملان خشونت علیه زنان را مجازات نمی کند.

رئیس جمهور حامد کرزی گفت که در قضایای خشونت علیه زنان اقدام عاجل کرده است و دموود پیگیری قضیه سحر گل، دستور جدی داده است تا عاملان به عدالت کشانده شوند. حامد کرزی خشونت علیه زنان را یک عمل بزدلانه خواند و گفت: «در کشور ما زنان تنها قربانی خشونت نیستند، بلکه از طرف تروریستان و نیروهای خارجی نیز به بهانه های مختلف ازبین می روند». اما در بیانیه ای که دفتر ریاست جمهوری افغانستان نشر کرده، در مورد چگونگی اقدام رئیس جمهور در مورد قضیه سحرگل جزئیاتی ارایه نشده است. خسرو و خانم دیگر شوهر سحرگل دستگیر گردیده اند و برای دستگیری شوهرش تلاش جریان دارد.

براساس یک گزارش سازمان بین المللی آکسفام که در ماه اکتوبر انتشار یافته است، ۸۷ درصد زنان افغان خشونت های از قبیل شکنجه جسمی، تجاوز جنسی و ازدواج اجباری را تجربه کرده اند. کمسیون حقوق بشر افغانستان در ربیع دوم سال ۲۰۱۱ در حدود ۱۰۲۶ قضیه خشونت علیه زنان را ثبت کرده است. در حالی که در تمام سال ۲۰۱۰ در حدود ۲۷۰۰ قضیه خشونت گزارش گردیده است.

دویچه وله ۱۲/۱۲/۲۰۱۲: <http://www.dw-world.de/dw/article/0,15661433,00.html>

• قتل زن افغان به دلیل به دنیا آوردن سومین نوزاد دختر^۲

مستوفان محلی در قندوز، در شمال شرق افغانستان می گویند که یک زن بیست و دو ساله، به دلیل بدنیا آوردن سومین نوزاد دختر، به دست خانواده شوهرش به قتل رسیده است. این حادثه در ولسوالی خان آباد، در قریه ای موسوم به «مافلی» اتفاق افتاده است. مقامات محلی می گویند، مادر شوهر این زن از سوی پولیس بازداشت شده اما شوهر او که در قضیه کشته شدن همسرش دخیل است، فرار کرده است. حبیب الله، فرمانده پولیس ولسوالی خان آباد می گویند که براساس بررسی های آنها، این زن به نام «ستوری» اول شکنجه شده و بعد «خفه» شده است. گزارشها حاکیست که تولد سومین نوزاد دختر، خانواده ستوری را عصبانی کرده بود که می خواستند نوزاد پسر داشته باشند.

این تازه ترین مورد قتل یک زن در افغانستان در پی خشونت های خانوادگی است. نهادهای حقوق بشری، نسبت به گسترش خشونت خانوادگی در برابر زنان افغان نگران هستند. اخیراً پولیس چندین عضو یک خانواده را در ولایت بغلان در شمال افغانستان بازداشت کرد که یک نوعروس به نام «سحرگل» را چند ماه در خانه اش شکنجه کرده بودند.

بی بی سی - ۱۲/۱۲/۲۰۱۲: http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2012/01/120130_k01_kunduz_woman_killing.shtml

• آکسفام: دست آوردهای زنان در افغانستان «با تهدید جدی مواجه است»

یک موسسه کمک رسانی بین المللی هشدار داده است که دست آوردهای ده ساله حقوق زنان در افغانستان با تهدید جدی رو به رو است و نیروهای ایتلاف نباید زنان افغان را به خاطر «روند شتابزده مصالحه» تنها بگذارند.

موسسه کمک رسانی «آکسفام» روز دوشنبه، ۱۳ اکتبر ۱۱/۲۰۱۱ میزان ۱۳۹۰، با نشر گزارشی گفت: «پیشرفت ها در زمینه حقوق زنان افغان که در ده سال گذشته به دست آمده اند، با خطر لغزش رو به رو است و ممکن است در معاملات شتابزده صلح از بین برود. پیشاپیش کاهش در پیشرفت های زنان پدید آمده است.» بر اساس اطلاعات آکسفام، اکنون حدود ۲/۷ میلیون دختر به مکتب می روند، در حالیکه در زمان طالبان فقط چند هزار نفر در برخی مناطق به مکتب می رفتند.

این موسسه کمک رسانی همچنان یادآور شده است: «در پارلمان افغانستان ۶۸ کرسی برای نمایندگان زن تضمین شده است، که هم اکنون ۶۹ نماینده در پارلمان حضور دارند. اکنون فقط یک وزیر زن در کابینه است در حالی که در سال ۲۰۰۴ سه تن از وزیران زن بودند. شمار زنان در بخش خدمات ملکی از ۳۱ درصد در سال ۲۰۰۶ به ۱۸/۵ درصد در سال ۲۰۱۰ کاهش یافته است.»

در ماه های اخیر چندین زن که در بخش ملکی کار می کردند، توسط طالبان هدف قرار گرفتند که این مساله سبب شد تا خانواده ها اجازه ندهند دختران و زنان برای دولت کار کنند.

آکسفام همچنان خاطرنشان کرده است که قانون «منع خشونت علیه زنان» که بر ضد قتل های ناموسی، ازدواج پیش از وقت و بد دادن است، فقط در ۱۰ ولایت از ۳۴ ولایت تطبیق می گردد.

آکسفام گفته است که رهبران افغانستان باید اطمینان بدهند که زنان افغان در هر گونه مذاکره و گفتگو با



نگرانی از انتقال مسئولیت زندانها از دادگستری به پلیس افغانستان

دیده بان حقوق بشر خواستار توقف انتقال مسئولیت زندانهای افغانستان از وزارت عدلیه (دادگستری) به وزارت داخله (کشور) شده است. در یک اعلامیه این سازمان آمده است که واگذاری مسئولیت زندانها به وزارت داخله افغانستان، احتمال افزایش شکنجه و بدرفتاری با زندانیان را افزایش می دهد.^۱

این اعلامیه در حالی منتشر می شود که وزارت داخله افغانستان به تازگی مسئولیت امور زندانها را به عهده گرفته است. پیش از این مسئولیت امور زندانها در افغانستان به عهده وزارت عدلیه (دادگستری) بود. اخیراً بر اساس فرمان حامد کرزی، رئیس جمهوری افغانستان، مسئولیت امور زندانها به وزارت داخله منتقل شد.

مقام های افغانستان می گویند، یکی از دلایل اصلی انتقال مسئولیت امور زندانها از وزارت دادگستری به وزارت داخله، نگرانی های امنیتی در داخل زندانهای افغانستان بوده است. پیش از این، در چندین مورد زندانیان موفق به فرار از زندانها شده اند و وزارت عدلیه افغانستان می گویند که برای تامین بهتر امنیت این زندانها و جلوگیری از فرار زندانیان، وزارت داخله و نیروهای پولیس باید کنترل کامل این زندانها را به عهده داشته باشند.

^۱سابقه بدتر

اما در اعلامیه دیدهبان حقوق بشر آمده است: «سپردن کنترل تمامی زندانیان به وزارت داخله، این احتمال را افزایش می دهد که پولیس افغانستان، نیرویی که متهم به شکنجه و بدرفتاری بوده است، از اختیارات کامل بازجویی از افراد متهم برخوردار شود.»

براد آدمز، مسئول دیدهبان حقوق بشر در حوزه آسیا می گویند: «با سپردن کنترل زندانیان به پولیس، سیستم قضایی در افغانستان بهبود نمی یابد، بلکه دادن نقش بیشتر به پولیس در زندانها، این احتمال را به همراه دارد که شکنجه (در زندانها) بیشتر شود.»

پیش از این که مسئولیت نگهداری و نظارت زندانها به عهده وزارت عدلیه افغانستان بود، نیز گزارشهایی از شکنجه و بد رفتاری در زندانها وجود داشت.

اخیراً و به دنبال آنکه سازمان ملل متحد، گزارش مفصلی را از شکنجه و بد رفتاری با زندانیان در زندانهای افغانستان منتشر کرد، نیروهای ناتو برنامه تحویل دهی زندانیان به حکومت افغانستان را متوقف کردند.

با این حال در اعلامیه دیدهبان حقوق بشر آمده است که با وجود ادعاهای شکنجه در زندانهای تحت کنترل وزارت عدلیه افغانستان، این سازمان ترجیح می دهد کنترل زندانها کماکان در اختیار این وزارت باقی بماند.

در بخشی از این اعلامیه آمده است: «مشکلات بسیار جدی که در زندانهای افغانستان وجود دارد، با سپردن کنترل آن به وزارتی که سابقه بدتر شکنجه دارد، حل نمی شود.»

دولت افغانستان اگرچه می پذیرد که وضعیت در زندانهای این کشور خوب نیست، اما گفته است که برای بهبود اوضاع در این زندانها، نیاز به امکانات و هزینه های بیشتر دارد. بسم الله محمدی، وزیر داخله (کشور) افغانستان در مراسم تحویل گیری مسئولیت زندانهای افغانستان گفت که برنامه های گسترده اصلاحی را برای بهبود امور زندانها اجرا خواهد کرد.

براساس آماری که حکومت افغانستان منتشر کرده، این کشور در حال حاضر ۲۲ هزار زندانی دارد اما امکانات برای نگهداری از این زندانیان محدود است. شمار دقیق کسانی که در بازداشت نیروهای خارجی هستند، معلوم نیست.



زندانهای افغانستان بیش از بیست و دو هزار زندانی دارد

^۱ منبع: بی بی سی

http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2012/01/120110_k01_af_prison_police.shtml#print=1

برای بیانیه به زبان انگلیسی نگاه کنید به:

<http://www.hrw.org/news/2012/01/10/afghanistan-decree-increases-detainees-risk-torture>

شورشیان نقش فعال داشته باشند.

لویس هنکاک، مشاور سیاستگذاری آکسفام در افغانستان می گوید: «زنان افغان به من می گویند که آنها هیچ نقش اساسی را در تلاش های صلح و تضمین حقوق شان احساس نمی کنند». او می افزاید: «زنان افغان جایی در پشت میز مذاکره می خواهند تا بتوانند از دست آوردهای خود دفاع کنند».

دویچه وله ۲۰۱۱/۳/۱: <http://www.dw-world.de/dw/article/0,1543315.00.html>

• خشونت از خانه شروع می شود

براساس تازه ترین تحقیقات، افغانستان خطرناک ترین کشور برای زنان است. شایع ترین مشکلات، خشونت های خانوادگی است.

نازنین نه ساله، یکی از قربانیان خشونت علیه زنان است که توسط دو کاکایش مورد تجاوز قرار گرفته است. مادر نازنین می گوید: «احساسم را هنوز به خاطر دارم، وقتی که او را بعد از تجاوز دیدم. او ترسیده بود». مادر خواستار تامین عدالت و محاکمه عاملین این قضیه است، اما مطمئن نیست که به این خواست اش رسیدگی می شود.

نازنین دختر بی نهایت خسته و غمگین است. نگاه های تلخ اش از لحظات شوم شقاوت حکایت می کند. نازنین دو سال داشت که پدر را از دست داد و به سن چهارسالگی اش به دلیل ازدواج مجدد مادرش، از او هم جدا شد. آن وقت بود که رنج های او شروع شد. او توسط کاکاها و مادر بزرگش مورد ضرب و شتم قرار می گرفت، حتا آب جوش بر او ریختند و او را ترساندند تا آنچه را بر او گذشته است به کسی نگوید. نازنین تنها دختری نیست که قربانی خشونت و تجاوز شده است. به باور کارشناسان حقوق بشر در افغانستان، مشکلات امنیتی افغانستان یکی از دلائل اصلی خشونت علیه زنان به شمار می رود. اما کم نیستند دخترانی که خشونت خانوادگی زندگی آنها را تاریک ساخته است.

براساس آمار کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، آمار خشونت علیه زنان در افغانستان به صورت نگران کننده بالا است. در سال ۲۰۰۹، موارد خشونت ها به ۲۲۰۶ مورد می رسید، در سال ۲۰۱۰ به ۲۷۶۵ و در سال ۲۰۱۱ تاکنون ۲۴۳۳ مورد خشونت علیه زنان ثبت شده است. لطیفه سلطانی، هماهنگ کننده برنامه های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، می گوید نسبت به سال گذشته قضایای تجاوز جنسی در حال افزایش است و دلیل اصلی افزایش این خشونت، حاکم بودن فضای ناامن است که باعث گردیده زنان به عنوان قشر مظلوم باقی بمانند. از سوی دیگر، خاتم سلطانی فرهنگ معافیت از مجازات مجرمین را مورد انتقاد قرار داده، می گوید دلیل عمده ازدیاد قضایای تجاوز جنسی بر زنان، تطبیق نشدن قانون و عدم رسیدگی به این قضایا از سوی نهادهای دولتی است.

خشونت های خانوادگی در افغانستان به دلیل سطح پایین سواد، عدم آگاهی از حقوق و تطبیق نشدن قانون ناشی می شود، اما زنان در ممالک پیشرفته و توسعه یافته نیز از خشونت ها رنج می برند.

دویچه وله ۲۰۱۱/۳/۱: <http://www.dw-world.de/dw/article/0,15584731.00.html>

• در نبود خانه امن در قندهار، زنان بیگانه به زندان می روند

مقامات در ریاست امور زنان ولایت قندهار می گویند، نبود یک خانه امن که در آن زنان شدیداً آسیب پذیر و قربانیان خشونتها را نگهداشت به یکی از عمده ترین چالش کاری آنها برای تامین و بهبود حقوق زنان مبدل گردیده است .نبود خانه های امن باعث گردیده است که زنان و دخترانی که قربانی خشونتها هستند، بهجای رفتن به یک محل مصون به زندان و توقیف خانه ها بروند. فعالین حقوق بشر نگرانند که زنانی که قربانی خشونتها هستند، در زندانها و توقیف خانه هم مورد خشونت و آزار و اذیت قرار می گیرند .

پروانه، مسوول توقیف خانه زنانه قوندانی امنیه ولایت قندهار، می گوید آنان زنان و دخترانی را در توقیف خانه نگهداری می کنند که اصلا مرتکب هیچ جرمی نشده اند .پروانه می گوید که بیشتر قربانیان خشونتها از ترس اینکه باز مورد خشونت قرار نگیرند، حاضر به بیرون رفتن از توقیف خانه ها نمی گردند و ترجیح می دهند برای مدت نامعلومی به زندان بروند.

رفیقه اجکزی، رئیس امور زنان ولایت قندهار، ضمن تایید این وضعیت اسفبار می گوید: در یک مورد یک دختری که از خشونت های خانواده گی فرار نموده بود، به دلیل نبود یک محل امن برای نگهداشت اش دوباره به خانواده اش فرستاده شد. به گفته خانم اجکزی، این دختر بعد به طور مرموزی کشته شد و از قاتل او هم خبری نیست. دوسیه خشونت این دخترک، با قتل او بسته شد. خانم اجکزی میگوید، با آنکه بودجه برای ساختن یک خانه امن از جانب وزارت امور زنان تخصیص داده شده است اما مقامات و شخصیت های با نفوذ ولایتی به بهانه ی ناموسداری مانع ساختن خانه امن زنان می گردند .در حالیکه هم در قوانین داخلی و هم در تعهدات بین المللی افغانستان بر تامین حقوق انسانی زنان تاکید می گردد. حداقل در ولایت قندهار عملا زنان نه تنها قربانی خشونت های وسیع اند بلکه برای بیرون رفت از وضعیت اسفبار شان هیچ راه و چاره یی ندارند.

دویچه وله ۲۰۱۲/۱۹/۱: <http://www.voanews.com/dari/news/atfg-women-137689008.html>

• حقوق بشری کودکان افغان در مکتب ها نقض می شود

کنوانسیون مصوبه سال ۱۹۹۰ ملل متحد در مورد حقوق اطفال، همه دولت های عضو را به رعایت و تطبیق مواد مندرج آن مکلف می کند، اما در افغانستان هنوز هم لت و کوب اطفال در خانه و مکتب به عنوان یک روش تادیبی مروج است.

افغانستان عضو سازمان ملل متحد و مکلف به اجرای کنوانسیون حقوق طفل است، اما اطفال این کشور در مکتب ها، اجتماع و حتا در درون خانه ها مورد انواع بدرفتاری قرار می گیرند. هنوز تنبیه فیزیکی به عنوان یک روش پذیرفته شده تادیب دانسته می شود.

احمد فهیم، دانش آموز صنف ششم در یکی از مکاتب شهر کابل می گوید: «در مکتب ما هم جزا رایج است. معلمان ما از خط کش استفاده می کنند. جزا دادن هر استاد فرق می کند ودر صورتی که شاگردی شاگرد دیگر را مورد آزار و اذیت قرار دهد. و یا مکتب گریزی کند نزد سر معلم روانش می کند و سر معلم به شدت کف پای می زند».

گذاشتن قلم در داخل انگشتان دست و بعد فشار دادن آن، لت و کوب با چوب و دیگر وسایل، کش کردن موی سر و تنبیه هایی از این دست در اکثر مکتب های افغانستان یک امر عادی است.

این نوع برخوردهای خلاف حقوق اطفال و آموزش و پرورش در مکاتب دخترانه نیز رایج است. این نوع تنبیه حتا در برابر دختران نوجوان و جوان هم قابل تطبیق است. دختری که از معرفی اش خودداری کرد، گفت: «شاگردانی که شوخی می کنند و یا درس را اخلال می کنند، قلم را در لای انگشتانش فشار می دهند. برخی از استادان از موی شاگردان کش می کنند و یا هم گوش شاگردان را کش می کنند. یک روز من دختری را دیدم که از داخل اداره برآمد و بیرون رفت تا دست و روی خود را بشوید چون خون آلود بود. پرسیدم چه شده، گفتند نگران صنف به خاطر کدام بی نظمی لت و کوب اش کرده است».

این در حالی است که ده ها نهاد دولتی و غیردولتی در افغانستان تحت عنوان های مختلف در راستای حقوق بشر کار می کنند و همچنان گفته می شود که در نصاب آموزشی معارف افغانستان نیز حقوق بشر مدنظر گرفته شده است.

هرچند به طور کلی تغییراتی در بهبود معارف افغانستان به شمول چاپ کتاب های جدید آموزشی به شکل رنگی و استندرد، تعمیر های پخته و عصری و بعضا استفاده از وسایل و فن آوری امروزی در روند آموزش و پرورش به چشم می خورد ولی سنت ها و شیوه های تربیت توام با خشونت همچنان به قوت خود باقی اند.

دویچه وله ۲۰۱۱/۳/۲۶: <http://www.dw-world.de/dw/article/0,15489238.00.html>

فقر – مهاجران

• فقر بیشتر از جنگ مردم افغانستان را می کشد

در یکی از گزارش های تحلیلی هیات معاونت ملل متحد برای افغانستان (یوناما) زیر عنوان «ایجاد حقوق بشری فقر در افغانستان» گفته شده است که فقر در این کشور بیشتر از جنگ موجب مرگ مردم می شود. در افغانستان عمده‌تا خشکسالی یا جنگ را عامل فقر و گرسنگی می دانند. افغانستان یکی از فقیرترین کشورهای جهان است. یک سوم جمعیت این کشور در فقر مطلق به سر می برند. افغانستان در سطح جهانی دومین نرخ بلند مرگ و میر مادران را دارد. یعنی سالانه ۲۵ هزار زن در هنگام زایمان جان می بازند. تنها ۲۳ درصد مردم افغانستان به آب نوشیدنی صحتی دسترسی دارند. تنها ۲۴ درصد کسانی که بالاتر از ۱۵ سال دارند، می توانند بخوانند و بنویسند. البته درصد بی سوادی در زنان خیلی بیشتر از مردان است.

یونسف گفته است که ۳۰ درصد دانش آموزان مکاتب در افغانستان کار می کنند و یگانه نان آور خانواده های شان هستند. در واقعیت امر فقر بیشتر از کسانی که مستقیماً در نتیجه جنگ مسلحانه در افغانستان کشته می شوند، مردم این سرزمین را قربانی می سازد. فقر دو سوم جمعیت افغانستان را از زندگی شایسته و با وقار محروم کرده است. زیرا اثرات تعلیم و تربیه و خدمات صحتی برخوردار نیستند. فقر هم معلول و هم پیامد ضعف گسترده حقوق بشر است. این ضعف حقوق بشر شامل معافیت های گسترده و عدم سرمایه گذاری مقتضی و عدم توجه لازم به حقوق بشر است. حمایت ها، فساد، معافیت و تاکید بیش از حد روی اهداف کوتاه مدت به جای پروژه های توسعه یی هدفمند و دیرپا، وضعی را که موجب فقر گردیده است، وخیم تر می گرداند. کمیساریای عالی ملل متحد در گزارش اش به این نتیجه رسیده است که کاهش دودامدار فقر وابسته به تلاش های است تا دست های نقض کننده حقوق بشر کوتاه گردند. منافع تثبیت شده شخصی و گروهی در افغانستان همیشه در رابطه با قانون و سیاست و یا تخصیص منابع پولی و مالی در دستور کار عمومی قرار می گیرند. گزارش ملل متحد همچنان تقاضا می کند تا به فقرا موقع داده شود که در مرکز روند تصمیم گیری هایی که برزندگی شان تاثیر می گذارد، قرار داشته باشند. فقرا باید توانمند گردند تا بتوانند انتخاب آزادانه و آگاهانه در مورد آینده شان داشته باشند. گزارش همچنان علاوه می کند که بخش بیشتر پول توسعه یی که در این کشور مصرف می شود باید برای حصول اولویت های حکومت افغانستان در مبارزه علیه فقر اختصاص یابد. اهداف امنیتی نباید نیازهای عاجل برای امحای فقر را از صحنه دور کند.

دویچه وله – ۲/۱۱/۲۰۱۱: <http://www.dw-world.de/dw/article/0,15505936.00.html>

• «اشتباه تاریخی» برنامه سازمان ملل در مورد مهاجران افغان

رییس برنامه مهاجران سازمان ملل متحد برای افغانستان، در مورد استراتژیی که در سال ۲۰۰۲ به اجرا درآمد گفت: «ما اشتباه بزرگی کردیم، این بزرگترین اشتباه کمیساریای عالی مهاجران ملل متحد بوده است که تا کنون ما مرتکب شده ایم». پیتز نیکولاس، نماینده مهاجران ملل متحد برای افغانستان روز سه شنبه، ۶ جدی ۱۳۹۰/ ۲۷ دسامبر ۲۰۱۱، گفت که جامعه بین المللی توانست برای مهاجران عودت کننده به افغانستان وسایل تامین معاش را فراهم سازد و بنابراین توانست آنها را دوباره به جامعه ادغام کند.

نیکولاس افزوده است: «ما فکر می کردیم هرگاه کمک های بشردوستانه انجام دهیم، می توانیم توسعه در سطح بزرگ را تسریع کنیم». نیکولاس گفت حالا ده سال بعد که ۵/۷ میلیون مهاجر به افغانستان بازگشته اند، کمیساریای عالی ملل متحد خود را کاملاً به مساله ادغام مجدد پایدار مهاجران به جامعه، متمرکز ساخته است. قرار است استراتژی جدید در ماه اپریل در یک کنفرانس بین المللی به اشتراک افغانستان، ایران، پاکستان و کمیساریای عالی مهاجران سازمان ملل متحد، ارایه گردد.

مهاجران هنگامی که به افغانستان بر می گردند، کمیساریای مهاجران ملل متحد به آنها ۱۵۰ دالر امریکایی می دهد. این پول برای خرج سفر آن ها و شاید هم برای چند ماه اول زندگی شان کمک کند. سه میلیون فردی که به نام مهاجر ثبت شده اند، هنوز هم در خارج افغانستان هستند. اما نبودن کار، غذا، سرپناه و وضع امنیتی بی ثبات در بسیاری نقاط افغانستان برگشت به افغانستان را برای بسیاری دشوار می سازد. گرچه شمار برگشت مهاجران دیگر کمتر شده است و در سال ۲۰۱۱ صرف ۶۵۰۰۰ مهاجر به کشور برگشته اند، کمیساریای عالی مهاجران ملل متحد فکر می کند که ۴۰ درصد مهاجرانی که از سال ۲۰۰۲ بدین سو به افغانستان برگشته اند، هنوز به جامعه ادغام نشده اند. در حال حاضر حدود یک چهارم جمعیت افغانستان مهاجرانی هستند که از پاکستان و ایران برگشته اند. بسیاری آنها خانه ندارند، در زیر خیمه و تریال و یا خانه های گلین زندگی می کنند.

دویچه وله – ۲۸/۱۲/۲۰۱۱: <http://www.dw-world.de/dw/article/0,15631860.00.html>

کشتار جمعی

• یک گور دسته جمعی در ولایت بلخ کشف شد

یک گور دسته جمعی در جریان کندن کاری تهداب ای ساختمان توسط کارگران ساختمانی، روز سه شنبه، ۱۳ جدی ۱۳۹۰/ ۳ جنوری ۲۰۱۲، در ساحه پایگاه فرماندهی قول اردوی ۲۰۹ شاهین در ولسوالی دهدادی ولایت بلخ کشف گردید. لباس و کفش هایی که در این گور دسته جمعی یافته شده هنوز کاملاً تخریب نشده اند و قابل تشخیص اند. مسوولان فرماندهی قول اردوی ۲۰۹ شاهین گفتند که هنوز ثابت نشده است که این گور دسته جمعی مربوط به چه زمانی است. آنها گفتند از طریق طب عدلی کوشش می کنند که دریابند که این گور دسته جمعی مربوط به کدام زمان است.

مقام ها بعد از مشاهده این گور دسته جمعی گفتند تصور می شود که حدود ۲۰ تن در آنجا مدفون شده باشند. پیش از این نیز در چند سال اخیر گورهای دسته جمعی در ساحت ولسوالی چمتال، قریه چهل گزی ولسوالی نهرشاهی و در جنوب شهر مزارشریف در ناحیه سیلو پیدا شده بودند.

دویچه وله – ۲۰۱۲/۳/۲۱: <http://www.dw-world.de/dw/article/0,15642754.00.html>

مخالفان مسلح

• نگاه کنید به خبر اول در بخش «زنان و کودکان» در بالا

۷ • کشته در انفجار ترینکوت – ارژگان

در انفجاری در حومه شهر ترینکوت، مرکز ولایت ارژگان هفت تن کشته و چهار نفر دیگر زخمی شدند. معطع الله، فرمانده پلیس ولایت ارژگان گفته است که این حادثه بعد از ظهر روز جمعه، ۱۶ جدی/دی ۱۶ جنوری ۲۰۱۲، در اثر انفجار بمب جاگذاری شده توسط «تروریست ها» در یک آشغالدانی در نزدیکی روسایین در حومه شهر ترینکوت روی داد. در اثر این انفجار شش کودک و یک مرد موسفید کشته و چهار کودک دیگر زخمی شده اند.دفتر رئیس جمهوری افغانستان با صدور اعلامیه ای گفت که آقای کرزی این بمبگذاری را با «شدیدترین

الفاظ» محکوم کرده و گفته است: «تروریستان یکبار دیگر با بیرحمی... ادامه در صفحه (۸)

• آقای مرادیان یادآور این نکات شد:

از کنفرانس بن توقع میرفت تا روی مسایل عمده کشور بحث هایی صورت گیرد و فرصت خوبی برای آینده افغانستان باشد. ولی آنچه معلوم است، این کنفرانس تا حدی نمایشی خواهد بود.

ما در افغانستان نیاز به سه میثاق داریم

۱. میثاق بین افغان ها؛ ۲. میثاق افغانستان با منطقه؛ ۳. میثاق بین افغانستان و جوامع بین الملل.

مهم ترین این میثاق ها میثاق بین مردم افغانستان است. که در حقیقت همان گفتگو میان مردم است. این کار باعث می گردد تا راه حل در داخل کشور از طریق مردم این سر زمین بدست آید. جامعه ما دارای شکاف های عمیقی است. از جمله شکاف قومی، مذهبی، سیاسی، اقتصادی، تباری که باید این شکاف ها به رسمیت شناخته شود.

ناکارآمدی ادارات دولتی، مشکل گسترده فساد و فقر دموکراتیک ساختاری از جمله مشکلات است. همکاری های منظوقی با جلوگیری از مداخلات کشور های همسایه ممکن می گردد.

• آقای ضیا مبلغ چنین گفت:

در این شرایط شعار های تغییر و تحول مورد پسند همه قرار دارد. ما دوره ی گذار را گذشتانیم و اینک توجه بیشتر را باید برای ثبات داشته باشیم.

برای این که صلح پایدار در کشور تأمین گردد، موانع زیادی وجود دارد، عدم تطبیق قانون یکی از موارد عمده سر راه این پروسه است. دولت نتوانست برای نهادینه کردن یک جامعه دموکراتیک کارهای مثبت را انجام دهد. خود - حکمرانی حکومت، تمرکز قدرت، برهم زدن توازن قوا و از همه مهم تر تقابل سنت و مدرنیسم باعث شده که ساختارهای دموکراتیک در کشور آسیب پذیر شوند. نگرانی این است که پروسه صلح نتواند به خواست قربانیان رسیدگی کند و عدالت تطبیق نگردد.

(ادامه از صفحه ۷)

خبر هایی از نقض حقوق بشر...

و قساوت کودکان بیگناه ما را به شهادت رساندند. «آقای کرزی کشتار این کودکان را نشانه «زیونی» تروریست ها دانسته و گفته است که دشمنان مردم افغانستان باید بدانند که با چنین کشتاری به اهداف خود نخواهند رسید.

تا حال مسئولیت این حادثه را هیچ فرد یا گروهی رسماً به دوش نگرفته است. اما ارزگان یکی از ولایت های نارام در جنوب افغانستان است که گروه طالبان در برخی از مناطق آن نفوذ دارند.

بی بی سی - ۷/۱/۲۰۱۲: http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2012/01/120107_k02-karzai-urozgan-blast.shtml

• ۴ کشته در حمله انتحاری در شهر لشکرگاه

یک حمله انتحاری در شهر لشکرگاه، مرکز ولایت هلمند در جنوب افغانستان، دست کم چهار کشته و سی و یک زخمی برجا گذاشته است. سخنگوی والی هلمند گفت که در میان کشته شدگان یک کودک نیز شامل است.

بی بی سی - ۲۶/۱/۲۰۱۲: http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2012/01/120126_k01_helmand_suicide_attack.shtml

نیروهای بین المللی

• سرباز بریتانیایی از ارتش بریتانیا اخراج شد

وزارت دفاع بریتانیا اعلام کرده است که یک سرباز بریتانیایی که کودک ده ساله افغان را در ولایت جنوبی هلمند با سرنیزه زده بود از ارتش بریتانیا اخراج شده و به هجده ماه زندان محکوم شده است. حاجی شاهزاده، پدر غلام نبی به روزنامه گاردین گفته است، او نمی داند چرا سرباز بریتانیایی به پسرش حمله کرده و نیروهای بریتانیایی حتی حاضر نشده اند از او عذر خواهی کنند.

بی بی سی - ۳/۱۲/۲۰۱۱: http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2011/12/11203_109_british_soldier_jailed.shtml

• اهانت سربازان آمریکایی

در تصاویر ویدئویی که در روزهای اخیر در صفحه های اینترنتی به نشر رسیده اند، عساکر آمریکایی در حال اهانت و بی حرمتی (با ادرار کردن) بر روی اجساد جنگجویان طالبان هستند. به دنبال انتشار این تصاویر، ایالات متحده آمریکا تحقیقات در این زمینه را آغاز کرده است. مسئولیت انجام این تحقیقات به عهده یک ژنرال سه ستاره ی نیروهای مسلح آمریکایی گذارده شده است. لئون پانه تا- وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا، به دنبال انتشار این تصاویر وعده داد که «تحقیقات وسیعی، هرچه سریعتر» انجام خواهد شد. وی خاطرنشان کرد که آمریکا اینگونه رفتارها را نمی پذیرد. هیلاری کلینتون- وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا گفته است که این کشور به تلاش های صلح در افغانستان متعهد است و این تلاش ها ادامه خواهد یافت

تحقیقات اولیه نشان می دهد که این ویدئو ساختگی نبوده و چهار سربازی که در این ویدئو هستند، شناسایی شده و مورد بازجویی قرار گرفته اند. حکومت افغانستان این اهانت را محکوم کرد.

راديو بين المللی فرانسه - ۱۴/۱/۲۰۱۲: <http://www.persian.rfi.fr>

• سوء استفاده از کودکان افغان توسط سربازان بریتانیایی

حکومت افغانستان «سوء استفاده از کودکان افغان توسط سربازان بریتانیایی» را محکوم کرد. حکومت افغانستان گفته است که رفتارهای اخیر سربازان بین المللی باعث تضعیف اعتماد و همکاری مردم با آنها شده است. دفتر ریاست جمهوری افغانستان در اعلامیه ای گفت: «حکومت افغانستان ضمن تقبیح شدید این عمل شنیع سربازان بریتانیایی، آن را سوء استفاده از کودکان پنداشته و دور از اخلاق انسانی می داند». روزنامه «سان» بریتانیایی روز چهار شنبه، ۲۸ جدی ۱۳۹۰/ ۱۸ جنوری ۲۰۱۲، گزارش داد که دو سرباز بریتانیایی به اتهام سوء استفاده از یک دختر و یک پسر در افغانستان، بازداشت شده اند. به گزارش این روزنامه، این سربازان بریتانیایی از بدرفتاری با این دو کودک افغان که هر دوی شان ده سال سن دارند، فلم گرفته و آن را به همراهان خود نشان داده اند.

وزارت دفاع انگلستان، اعلان کرد که در مورد دو سرباز این کشور که در افغانستان، متهم به سوء استفاده از کودکان هستند، تحقیقات خواهد شد و با این اعلان، به اخباری که در مطبوعات درین مورد پخش شده بود، صحه گذاشت. بر اساس اخباری که قبلاً در مطبوعات انگلستان پخش شده بود، دو تن از سربازان انگلیسی، به یک دختر و یک پسر افغان، که حدود ده سال عمر دارند، تجاوز جنسی کرده و دستگیر شده بودند.

دویچه وله http://www.dw-world.de/dw/article/0_15673731.00.html و راديو بين المللی فرانسه -

<http://www.persian.rfi.fr> - ۱۸/۱/۲۰۱۲



پیام مردم به کنفرانس بن

گفتگوی هشتاد و چهارم (ششمین سال) پلی میان نخبگان و شهروندان بنیاد آرمان شهر با عنوان «پیام مردم به کنفرانس بن» با همکاری گروه کاری (کمپاین) ۵۰٪ زنان، گروه هماهنگی عدالت انتقالی، بنیاد آرمان شهر، شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر، کمیسیون مستقل حقوق بشر، مجتمع جامعه مدنی افغانستان، بنیاد فرهنگ و جامعه مدنی، کمیته مشارکت سیاسی زنان، مرکز توسعه جامعه مدنی، د افغانی غیر دولتی موسسو دیپوستون اداره، شبکه زنان افغان، شورای مرکزی اتحادیه ملی کارکنان افغان، انجمن جنوب غربی افغانستان و بلوچستان، سازمان رفاه و آسایش انسان و ابتلافا وکلای زنان افغان) نهادهای جامعه مدنی و انستیتیوت فرانسوی افغانستان به پیشواز روز جهانی حقوق بشر، روز ملی قربانیان، نقض حقوق بشر در افغانستان و روز جهانی منع خشونت علیه زنان به تاریخ ۳ قوس ۱۳۹۰ برابر با ۲۴ نوامبر ۲۰۱۱ در تالار انستیتیوت فرهنگی فرانسه در کابل برگزار گردید. در این گفتگو در حدود ۱۲۰ تن از اعضای جامعه مدنی، دانشجویان، و فعالین حقوق بشر اشتراک ورزیده بودند.

در این گفتگو نشر تازه از سلسله نشریات بنیاد آرمان شهر (الف تا ی - فرهنگ نامه عدالت در گذار؛ اولین فرهنگ دو زبانه فارسی و انگلیسی مفاهیم عدالت انتقالی در جهان) در دسترس فعالان حقوق بشر و دانشجویان جهت بلند رفتن سطح آگاهی آن ها قرار گرفت.

در ابتدا فلم «چشم دید» ساخته رفیع بهروزیان و الکا سادات به نمایش گذاشته شد. این فلم بیشتر به قصه های دوران جنگ پرداخته بود، و آسیب هایی را که در زمان جنگ به مردم افغانستان رسیده بود به تصویر می کشاند و از طرف اشتراک کنندگان محفل مورد استقبال قرار گرفت.

در این گفتگو آقای وزیر احمد خرمی (مسئول ارتباط شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر افغانستان)، خانم شاه گل رضایی (نماینده مردم در مجلس)، آقای داوود مرادیان (استاد دانشگاه آمریکا در افغانستان)، باری سلام (نماینده منتخب نهاد های جامعه مدنی) و آقای ضیا مبلغ (نماینده منتخب نهاد های جامعه مدنی) سخنرانی کردند.

• آقای خرمی گفت:

در ۱۳ سرطان ۱۳۹۰ سفارت جرمنی جلسه ای را با کمیسیون مستقل حقوق بشر و نهاد های آلمانی اف. ای. اس. کاز، هنریش بول دایر نمود. در این جلسه پیشنهاد شد که کمیسیون مستقل حقوق بشر برای ایجاد هماهنگی میان نهادهای جامعه مدنی افغانستان مسوولیت را به عهده بگیرد. در این جلسه کمیسیون مستقل حقوق بشر موظف گردید تا نقش تسهیل کننده را ایفا کند. نماینده کمیسیون مستقل حقوق بشر خانم سیما سمر این مسوولیت را پذیرفت و قرار بر آن شد تا جلسه ای را با نهادهای جامعه مدنی داشته باشد.

به تاریخ ۲۰ سرطان جلسه نهادهای جامعه مدنی در کمیسیون مستقل حقوق بشر برگزار گردید و پیام سفارت آلمان با نماینده های جامعه مدنی در میان گذاشته شد. سفارت آلمان توقع داشت تا نقش نهادهای جامعه مدنی در کنفرانس بن برجسته باشد و پیام واحدی از آدرس این نهادها به کنفرانس بن صادر گردد. بعد از صحبت ها و تبادل نظرهایی که میان اعضای نهادهای جامعه مدنی صورت گرفت، تصمیم بر آن شد که یک کمیته کاری تشکیل گردد و مسوولیت پروسه را کمیته کار به عهده خود بگیرد. بالاخره به تاریخ ۲۹ سنبله کنفرانس مشورتی در شهر کابل برگزار گردید و ۸۰ نماینده از نهادهای جامعه مدنی در این کنفرانس اشتراک کرده بودند.

اعضای این کنفرانس نماینده های نهادهای مدنی را در سطح ولایات معرفی کردند. به تعقیب آن کنفرانس نماینده های نهادهای جامعه مدنی کابل و ولایات افغانستان برای انتخاب نماینده هایی که به کنفرانس بن اشتراک کنند، برگزار گردید که به صورت مجموعی ۳۴ تن از این اعضا در یک انتخابات کاملاً دموکراتیک برنده اعلام شدند و از بین این ۳۴ نفر دو نفر آن خانم سیلی غفار و آقای باری سلام پیام نهادهای جامعه مدنی را در کنفرانس بن که به تاریخ ۱۴ قوس برگزار می گردد پیشکش می نمایند.

• خانم شاه گل رضایی گفت:

کنفرانس بن ۲ فرصت خوبی برای افغانستان است. زمانی این کنفرانس می تواند دست آورد داشته باشد که با آمادگی کامل در این کنفرانس حضور یابیم. او گفت در این کنفرانس بحث در مورد پروسه انتقال امنیت، همکاری های دراز مدت و صلح و ادغام مجدد بعد از سال ۲۰۱۴ صورت می گیرد.

دولت افغانستان باید توجه بیشتری به حاکمیت قانون، دسترسی به عدالت و انکشاف زیر بنا ها داشته باشد. از طرف دیگر پروسه انتقال باید با شرایط عینی و واقعیت های جامعه قابلیت تطبیق داشته باشد. حکومت افغانستان مکلف است که پاسخ بدهد چرا پروسه صلح در افغانستان به شکست مواجه گردید؟ باج پردازی به گروه های افراطی باعث شکست این پروسه گردید، تعریف دقیق از دشمن وجود نداشت و پیش شرط های حکومت برای این پروسه کارایی چندان نداشت.

ما طرفدار صلح توأم با عدالت در کشور خودمان هستیم. پارلمان افغانستان نقشی در کنفرانس بن نداشته و اجندای این کنفرانس از طرف حکومت ترتیب یافته است.

• آقای باری سلام متذکر شد:

نهادهای جامعه مدنی افغانستان تلاش کردند پیامی را به آدرس کنفرانس بن داشته باشند که مبتنی به واقعیت های جامعه باشد. در شرایط فعلی حاکمیت قانون وجود ندارد، قانون گریزی و قانون شکنی نهادینه شده است و فساد در ادارات دولتی به نورم های روز مزه تبدیل شده است. همسایه های کشور همواره در قضایای افغانستان مداخله داشتند و در بسیاری از موارد چالشی بزرگ برای پیشرفت افغانستان به حساب آمده اند. جوامع بین المللی از طریق وارد کردن فشار می توانند این مداخلات را کمتر سازند.

عدالت هیچ وقت نباید مورد معامله صورت گیرد. حقوق اساسی شهروندان، حقوق زنان و خواست قربانیان جنگ باید در پروسه صلح و مصالحه در نظر گرفته شود.

سند نهایی کنفرانس بین المللی بن دوم در کشور آلمان

کنفرانس بین المللی بن دوم در تاریخ ۱۴ قوس ۱۳۹۰ (۵ دسمبر ۲۰۱۱) با اشتراک ۸۵ کشور و ۱۵ سازمان بین المللی و منطقه یی در آلمان برگزار شد و با انتشار سند پایانی در شش بخش و ۳۳ ماده به کار خود پایان داد. بخش های عمده این سند را در زیر می خوانید:^۱

حکومت داری

* افغانستان بار دیگر اعلام می کند که آینده سیستم سیاسی آن کماکان انعکاس دهنده جامعه ی کثرت گرایانه (پلورالیتیک) آن و به طور خلل ناپذیری مبتنی بر قانون اساسی افغانستان خواهد بود. افغانها ایجاد یک جامعه دموکراتیک و با ثبات مبتنی بر حاکمیت قانون، جایی که حقوق و آزادی های اساسی شهروندان آن منجمله برابری زن و مرد در قانون اساسی آن تضمین شده را ادامه خواهند داد.

افغانستان بار دیگر پابندی خود را به مسوولیت هایش در قبال حقوق بشر بین المللی اعلام می کند. با وقوف بر این نکته که در این راه افغانستان درس های خاص خودش را خواهد آموخت، جامعه جهانی این دیدگاه را کاملاً تایید نموده و تعهد می کند که از پیشرفت افغانستان در این راستا پشتیبانی می نماید.

* ما سخنرانی های هیات سازمان های جامعه مدنی افغانستان، منجمله سخنرانی های دو نماینده شان را در جلسه امروزی یادداشت نمودیم. ما همه موافق هستیم که حقوق اساسی بشر و آزادی های بنیادی مندرج در قانون اساسی افغانستان، منجمله حقوق زنان و کودکان و جامعه مدنی در حال رشد و آزاد، از اهمیت کلیدی در آینده افغانستان برخوردارند. به همین منظور ما بر افزایش اشتراک جامعه مدنی، به شمول ساختارهای سنتی جامعه مدنی و مظاهر عصری فعالیتهای مدنی، از آن جمله نقش جوانان در روندهای دموکراتیک کشور تاکید می کنیم.

* ما اذعان می داریم که ایجاد یک جامعه دموکراتیک پیش از همه مستلزم به کار انداختن اقتدار مدنی موثر از طریق حکومت منتخبی است که خدماتش از طریق نهادهای شفاف، قوی و کارا تجلی یافته باشد.

با وجود دستوردهای قابل ملاحظه، افغانستان نیاز دارد تا کار را در جهت قوی تر ساختن نهادهای دولتی و بهتر ساختن حکومت داری، منجمله از راه اصلاحات در نهادهای امنیتی، شامل نیروهای موثر ملکی پولیس در سراسر کشور ادامه دهد. تقویت و بهتر ساختن روند انتخابات افغانستان گام کلیدی به سوی دموکراتیزه کردن کشور است. نهادهای حکومتی افغانستان در تمام سطوح می باید مسوولیت پذیری شان را مطابق نیازمندی های مدنی و اقتصادی مردم افغانستان افزایش داده و خدمات کلیدی را به مردم عرضه نمایند. در این راستا، دفاع از مردم ملکی، تقویت حاکمیت قانون و مبارزه علیه فساد اداری در همه اشکال آن، کماکان اولویت های کلیدی را تشکیل می دهند. ما این مساله را مطابق تعهدات اتخاذ شده خویش در روند کابل هماهنگ با اصل حسابدهی متقابل به پیش می بریم.

* متناسب با انتقال، ما بار دیگر تایید می کنیم که نقش

بازیگران بین المللی به عوض عرضه خدمات مستقیم، به پشتیبانی و ظرفیت سازی در نهادهای افغانستان، طوری که حکومت افغانستان بتواند حاکمیت خود را در تمام وظایف خویش تمثیل کند، متحول خواهد شد. این روند، شامل کاهش تدریجی تمام تیم های بازسازی ولایتی و انحلال هر ساختاری خواهد شد که وظایف موازی با اداره های حکومت افغانستان را در سطوح محلی و ملی داشته باشد.

* ما از نقش قاطع سازمان ملل متحد در افغانستان حمایت می کنیم. ... ما خاطر نشان می کنیم که ماموریت یوناما در حال حاضر هماهنگ با افزایش ظرفیت ها و اصل مالکیت حکومت افغانستان و متناسب با روند انتقال که اتخاذ مسوولیت رهبری توسط حکومت افغانستان را در پی خواهد داشت، در حال تجدید نظر است. ما همچنان با قدردانی از کار و همکاری نزدیک گروه بین المللی تماس با حکومت افغانستان یادآوری نموده، این گروه را به ادامه تلاش های مشترک تشویق می نمایم.

امنیت

* ما از تصمیم مردم افغانستان در جهت مبارزه با تروریسم و افراط گرایی، گرفتن مسوولیت تامین امنیت و حفاظت سرزمین شان استقبال می کنیم. ما خود را با این دیدگاه مردم افغانستان در جهت ایجاد نیروهای ملی امنیتی، مطابق معیارهای معاصر و دارای ظرفیت کافی برای داشتن توانایی دفاع موثر و مستقلانه از کشورشان همراه می دانیم.

* ما از آغاز موفقانه روند انتقال استقبال می کنیم. مقامات افغانستان در حال پذیرش مسوولیت کامل امنیت کشورشان هستند و این روند تا پایان سال ۲۰۱۴ خاتمه می یابد. متناسب با آن، نیروهای بین المللی کمک به امنیت (آیساف) که از جانب شورای امنیت سازمان ملل متحد ماموریت گرفته، کاهش تدریجی و مسوولانه یی را آغاز کرده اند که تا زمان مورد نظر تکمیل خواهد شد. با پایان روند انتقال، مسوولیت مشترک ما در برابر آینده افغانستان پایان نمی یابد. جامعه جهانی به همین منظور تعهد می کند که برای حمایت از افغانستان باتمام قوت پس از ۲۰۱۴ نیز باقی خواهد ماند.

* ما تاکید می کنیم که حمایت بین المللی از نیروهای ملی امنیتی افغانستان پس از سال ۲۰۱۴ نیز نیاز به تداوم دارد. به منظور کمک به نیروهای ملی امنیتی افغانستان، جامعه جهانی با قوت تمام تعهد می کند که آموزش، تجهیز، تمویل و توسعه ی توانمندی های لازم این نیروها پس از پایان مرحله انتقال نیز ادامه خواهد یافت. جامعه جهانی عزمش را در زمینه ی ادامه ی کمک به تمویل نیروهای ملی امنیتی افغانستان، با توجه به این نکته اعلام می کند که مقدار این کمک ها در سالهای پس از انتقال متناسب با نیازمندی های افغانستان و افزایش ظرفیت جمع آوری عواید داخلی کشور به تدریج کاهش خواهد یافت. در این زمینه، ما منتظر تعیین یک دیدگاه روشن و برنامه ی اساسی برای نیروهای ملی امنیتی افغانستان هستیم که باید پیش از همایش سران ناتو در شیکاگو در می ۲۰۱۲، تدوین گردد.

* ما اذعان می داریم که مهمترین تهدید فراروی امنیت و

ثبات افغانستان، تروریسم... ادامه در صفحه بعدی



شرکت هیات نمایندگی جامعه مدنی

افغانستان در کنفرانس بن

نمایندگان جامعه مدنی افغانستان در روز ۵ دسمبر ۲۰۱۱ در کنفرانس بن در آلمان سخنرانی کردند.^۱

سخنان باری سلام

روسای محترم کشورها، وزرا، عالیجنابان، خانم ها و آقایان:

کشور من در هیچ زمان دیگری در تاریخ این همه مورد توجه جهانیان نبوده است. افغانستان که زمانی در جنگال تروریسم و استبداد فراورش شده بود، ۱۰ سال پیش در کانون توجه جهانی قرار گرفت. از آن پس، ما دست به دست جامعه بین المللی دادیم تا پایگاه های تروریستی را از کشورمان برچینیم و رژیم را که یک ملت را به گروگان گرفته بود سرنگون کنیم. ما فصلی تازه در تاریخمان گشودیم. ما دموکراسی را انتخاب و دستاوردهای اساسی کسب کردیم.

اما خانم ها و آقایان، آن چه امروز داریم به قیمت خون ما و شما، به قیمت قربانی دادن مشترک، به دست آمده است. بنابراین، نمی توانیم به عقب و به روزهای سیاه تروریسم و استبداد بازگردیم. برای اطمینان از موفقیت، به زمان و منابع بیشتری برای گسترش دستاوردهایمان، یادگیری از فرصت های از دست رفته و یافتن راهمان به عنوان ملتی نیرومند و مستقل داریم.

ما می دانیم که افغانها باید امور خود را به دست بگیرند و با فرایند انتقال موافقت. اما به یک فرایند حمایت و تداوم نیز نیاز داریم. ما بر استراتژی ها بلندمدت تاکید داریم نه بر راه حل های کوتاه مدت. ما از شما می خواهیم واقعت های محلی را در نظر بگیریم.

هم اکنون شورشیان بر این عقیده هستند که زمان به نفع آنهاست. و همین را به مردم افغانستان می گویند، آنها را می ترسانند، آزار می دهند و به وحشت می افکنند. آنها مردم را با این موضوع آزار می دهند که نیروهای بین المللی به زودی خواهند رفت. تنها با پایان دادن به امید شورشیان به موفقیت از طریق خشونت، می توانیم از حمله های آنها پیشگیری کنیم. حامیان دولتی خشونت افراطی در منطقه تنها در صورتی سیاست های مخرب خود را کنار خواهند گذاشت که مشارکت بلندمدت بین المللی در افغانستان وجود داشته باشد.

بنابراین، علاوه بر دادن رهبری به دست نیروهای افغان، باید نشان دهیم که درصورت درخواست کمک، جامعه بین المللی پاسخ خواهد داد. حضور بین المللی سرمایه گذاری و رشد اقتصادی را تشویق خواهد کرد و نیز به بازپذیری شورشیانی که آینده ای برای خشونت نمی بینند کمک خواهد نمود.

در این زمینه، ما از همکاری استراتژیک افغانستان با امریکا و ملت های دیگر جهان استقبال می کنیم. ما همچنین از صلح و مصالحه استقبال می کنیم، اما نه از صلحی که حقوق اساسی و مدنی شهروندان افغانستان به ویژه حقوق زنان را به خطر بیندازد. اگر به چندین دهه درگیری در کشور بنگریم، ایجاد تفرقه بر اساس ایدئولوژی و مسائل قومی و مذهبی و سرکوب برابری و حقوق مدنی باعث شد جنگ چندین نسل طول بکشد. ما دموکراسی را برگزیده ایم زیرا تنها راه متحد کردن ما به عنوان یک ملت است. قانون اساسی تازه ما بازتاب میراث مذهبی و اجتماعی ماست و افغانستان را قاطعانه در راهی دموکراتیک قرار می دهد. بنابراین، ما نمی توانیم قانون اساسی مان را تغییر دهیم و بر روی حقوق دموکراتیک مان سازش کنیم.

افغانستان هنوز می آموزد حقوق بشر و قانونی را به بخش ثابتی از زندگی تبدیل کند. ما هنوز به طور منظم شاهد نقض فاحش حقوق بشر هستیم. شهروندان برای دریافت خدمات دولتی در بخش دولتی مجبور به دادن رشوه هستند. زنان و دخترانی که مورد تجاوز یا سوءاستفاده قرار می گیرند هیچگاه محاکمه مجرم را نمی بینند.

کسی در دادگاه برنده می شود که پول بیشتری داشته باشد. خانواده ها هنوز از زنان برای حل و فصل درگیری ها استفاده می کنند. بنابراین، بزرگترین آرزوی مردم افغانستان در حال حاضر داشتن دولتی است که بر پایه قانون حکومت کند نه بر اساس قدرت افراد. افغان ها در آرزوی دولتی پاسخگو و نظامی کارآمد هستند که نیازهای اساسی آنها را برآورده نماید.

اگر تنها نیمی از پول مورد استفاده برای فعالیت های نظامی در دهه گذشته برای حکومت داری خوب و ارایه خدمات سرمایه گذاری شده بود، امروز در وضع بهتری بودیم. سرمایه گذاری هوشمندانه، دوامدار و متناسب در بخش غیرنظامی افغانستان کلید ثبات و ریشه کن کردن علل اجتماعی شورش و تروریسم است.

افغانستان نمی خواهد تا ابد به کمک خارجی متکی باشد. بنابراین، چیزی که واقعا نیاز داریم سرمایه گذاری در زیرساخت ها و کشاورزی و هدایت برای گسترش توانمندی مان است تا از نگاه اقتصادی پایدار و خودکفا شویم. ما به عنوان جامعه مدنی آماده هستیم در تمام جنبه های اصلاح و تغییر کمک کنیم. ما هم اکنون از تخصص های زیادی برخورداریم که به افغانستان در شکوفایی کمک خواهد کرد.

ما آماده ایم از دولت افغانستان حمایت کنیم و نقش تکمیلی خود را ایفا نمایم. ما خواهان یاری شما در ایجاد فرایند حمایت و تداوم هستیم که به ما کمک کند تا نیرویی قوی، مولد و مثبت برای تغییر در افغانستان باشیم.

سخنان سیلی غفار

عالیجنابان، نمایندگان محترم، صبح بخیر

جامعه بین المللی برای مبارزه با تروریسم، ... بقیه در صفحه ۱۱

سند نهایی کنفرانس بین المللی...

است و این که این تهدید صلح و امنیت جهانی را نیز با خطر روبرو می کند. در این رابطه، ما با توجه به ابعاد منطقه بی تروریسم و افراط گرایی، منجمله پناهگاه های تروریستان، بر نیاز به همکاری صادقانه و ثمربخش در سطح منطقه در جهت داشتن یک منطقه عاری از تروریسم به منظور ایمن ساختن افغانستان و حفظ امنیت مشترک مان علیه تهدیدهای تروریستی تاکید می کنیم. ما بار دیگر اراده ی مشترک خویش را مبنی بر این اعلام می کنیم که هرگز اجازه نخواهیم داد تا افغانستان بار دیگر پناهگاه امنی برای تروریسم بین المللی شود.

* تولید، قاچاق و مصرف مواد مخدر به یک پیمان تهدید جدی علیه امنیت و رشد یک اقتصاد مشروع در افغانستان و نیز علیه صلح و ثبات بین المللی می باشند. افغانستان و جامعه جهانی با اذعان بر مسوولیت های مشترک خویش به شیوه های جامع، منجمله از راه از بین بردن حاصلات، توقیف و ترویج کشت پدید، تهدید مواد مخدر غیرقانونی، به شمول مواد پیش ساخت آن که سبب آسیب و رنج های گسترده ی می گردد، مبارزه می کنند. ما اذعان می داریم که مساله مواد مخدر یک چالش جهانی بوده و مبارزه با آن نیاز پرداختن به بخش تقاضا (برای مواد مخدر) را نیز ایجاب می کند.

رسیدن به اقتصاد**پایدار بازار را****مطابق نیازهای****اجتماعی مردم****مساعد کند، شریک****می داند.**

ما شهادت پروفیسور برهان الدین ربانی، رئیس جمهور سابق افغانستان و رئیس شورای عالی صلح را شدیداً محکوم می کنیم. جامعه جهانی از تلاش های خستگی ناپذیر حکومت افغانستان در روند صلح به رهبری افغان ها، به ویژه از طریق شورای عالی صلح و برنامه صلح و ادغام مجدد استقبال و حمایت می کند. ما همچنان از توصیه های لویه جرگه مشورتی که تحرک خاصی به روند صلح دادند، استقبال و حمایت می کنیم.

* ما در نظر داشت قطعنامه های مرتبط شورای امنیت سازمان ملل متحد، جامعه جهانی با افغانستان موافقت دارد که پروسه صلح و مصالحه و نتایج آن باید مبتنی بر اصول باشد: (الف) روند صلح و آشتی باید: - به رهبری و مالکیت واقعی افغان ها انجام یابد؛ - فراگیر بوده و از منافع مشروع تمام مردم افغانستان، بدون در نظر داشت جنسیت و جایگاه اجتماعی آنها نمایندگی کند. (ب) مصالحه باید در برگزیده مسایل زیر باشد: - تأیید مجدد اصل حاکمیت ملی، استقلال و یکپارچگی افغانستان؛ - محکوم کردن خشونت را در پی داشته باشد؛ - شامل قطع رابطه با تروریسم بین المللی باشد؛ - قانون اساسی افغانستان، منجمله ماده های مرتبط با حقوق بشر و مخصوصاً حقوق زنان را مورد احترام قرار دهد؛ (ج) کشورهای منطقه باید این روند را مورد احترام قرار داده و از نتایج آن حمایت نمایند.

هر نتیجه یی که روند صلح مبتنی بر اصول ذکر شده در بالا داشته باشد، حمایت کامل جامعه جهانی را خواهد داشت. انکشاف اقتصادی و اجتماعی

* جامعه جهانی با افغانستان در زمینه ی دستیابی به هدف خودکفایی

صلح/کنفرانس بن

و رفاه از طریق توسعه منابع انسانی و معادن اش، و راهش به سوی رشد پایدار و متوازن و بالارفتن معیارهای زندگی، هم نظر است و از استراتژی اقتصادی انتقالی حکومت افغانستان طوری که در سند «به سوی افغانستان متکی به خویش» ذکر گردیده، استقبال می کند. با تغییر استراتژی از ثبات سازی به همکاری در زمینه توسعه دراز مدت، جامعه جهانی از افغانستان منجمله در زمینه های حاکمیت قانون، اداره های خدمات عامه، تعلیم و تربیت، صحت، زراعت،

انرژی، توسعه ی زیرساخت ها و شغل آفرینی مطابق اولویت های مشخص شده در چارچوب برنامه اولویت های حکومت افغانستان که در روند کابل تصویب گردیده، پشتیبانی می کند.

* در حالی که حکومت افغانستان اولویت هایش را مشخص می کند، اصلاحات را عملی و تعهدات خویش در کابل، منجمله تقویت اداره مالی عامه ی شفاف و حساب ده و بهترساختن ظرفیت های اجرایی بودجه را اجرا نموده و شرکایش تجدید تعهد می کنند که مجموعه اهداف حد اقلی تعیین شده در لندن و کابل را برای همسو ساختن مساعدت های بین المللی مطابق با اولویت های حکومت افغانستان و اختصاص دادن سهم بیشتر کمک های انکشافی از طریق بودجه حکومت را اجرا کنند. ما از دعوت حکومت جاپان به منظور برگزاری کنفرانس وزرا در ماه جولای ۲۰۱۲ در توکیو که علاوه بر مورد توجه قرار دادن هماهنگی مساعدت های اقتصادی بین المللی در خلال دوره انتقال، بر استراتژی انکشاف پایدار افغانستان، منجمله موثریت کمک ها و همکاری های اقتصادی منطقه یی تمرکز خواهد کرد، استقبال می کنیم.

* با پیشرفت روند انتقال، ما بر وجود خطر اقتصادی تشخیص شده توسط بانک جهانی و صندوق وجهی بین المللی، منجمله تاثیر اقتصادی مرتبط با کاهش حضور نظامی بین المللی اذعان می داریم و قصد داریم این تاثیر سو را از جمله از طریق افزایش موثریت مساعدت ها، مطابق روند کابل کاهش دهیم. جامعه جهانی خود را در نگرانی افغانستان مبنی بر این که استراتژی پاسخگو به تاثیرات کوتاه مدت انتقال همچنان باید هدف رسیدن به اقتصاد پایدار بازار را مطابق نیازهای اجتماعی مردم مساعد کند، شریک می داند.

* تلاش های پیگیر بین المللی در افغانستان در دهه اخیر، التزام بی ماندنی است. تعهدات جامعه جهانی به افغانستان و به نقش آن در امنیت بین المللی فراتر از مرحله انتقال است. روند انتقال حضور بین المللی و ایجابات مالی مرتبط با آن را کاهش می دهد. ما اذعان می داریم که حکومت افغانستان در سالهای پس از انتقال، نیازمندی های خاص، قابل ملاحظه و ممتد مالی خواهد داشت که این نیازمندی ها از طریق عواید داخلی برآوردنی نیستند. به همین لحاظ، در جریان دهه انکشاف، جامعه جهانی تعهد می کند حمایت مالی متناسب با روند کابل در جهت انکشاف اقتصادی افغانستان و مخارج مرتبط با تأمین امنیت، تلافی کسری مستدام بودجه به منظور ایمن ساختن دستاوردهای سال های اخیر، برگشت ناپذیر کردن روند انتقال و خودکفایی افغانستان را ارایه کند.

* رشد اقتصادی درازمدت افغانستان، پیش از هرچیز دیگر، وابسته به انکشاف سکتور تولیدی آن، مخصوصاً سکتور زراعت و معادن می باشد. جامعه جهانی خود را به حمایت از انکشاف اقتصاد زراعتی معطوف به صادرات که امنیت غذایی، فقرزدایی، شغل آفرینی وسیع در عرصه زمینداری و توسعه جمع آوری عواید حکومت را تأمین می کند، خود را متعهد می داند. در رابطه به معادن، ما از علاقمندی فزاینده سرمایه گذاران بین المللی در ثروت های معدنی افغانستان استقبال می کنیم اما بر نیاز به ایجاد چارچوب قانونی که استفاده از ثروت طبیعی آن به صورت مستقیم، سود مردم افغانستان را تضمین کند، تاکید می نماییم.

جامعه جهانی از تلاش های افغانستان در جهت انکشاف رژیم حقوقی شفاف و حساب ده که سازگار با معیارهای پذیرفته شده ی بین المللی بوده و در جهت جمع آوری و مدیریت منابع و حفظ محیط زیست باشد، حمایت می نماید.

* ما اذعان می داریم که یک اقتصاد پویای مبتنی بر بازار در افغانستان مستلزم انکشاف عرصه خدمات رقابتی، به شمول نظام مالیاتی با ثبات و رسیدن به همگرایی منطقه یی از راه توسعه شبکه های تجارت و ترانزیت این کشور، در کنار انکشاف منطقه یی مواصلات است. جامعه جهانی به حمایت از تلاش های افغانستان در جهت ایجاد و افزایش زیرساخت ها و چارچوب های حقوقی مرتبط به منظور انکشاف تجارت و ترانزیت متعهد است.

* ما تاکید می کنیم که جلب سرمایه گذاری خصوصی، به شمول منابع بین المللی، اولویت های کلیدی برای فعال ساختن ظرفیت های اقتصادی افغانستان است. حکومت افغانستان تعهد می کند تا شرایط مساعد را برای سرمایه گذاری بین المللی، منجمله از طریق اجناس سفارش های همایش بین المللی سرمایه گذاران یوروماینز (EUROMIN) در بروکسل در ۲۶ اکتبر ۲۰۱۱ بیشتر از پیش بهبود بخشد.

همکاری های منطقه ای

* ما معتقد هستیم که افغانستان با ثبات و مرفه فقط در یک منطقه ی با ثبات و مرفه قابل تصور است.

پاداش صلح و همکاری برای تمام منطقه به مراتب بیشتر است تا پیامدهای ناشی از منازعه و انزوا. ما دیدگاه افغانستان را مبنی بر این که منافع استراتژیک واقعی آن در ایجاد مناسبات قوی و پایدار دو جانبه و چند جانبه با همسایگان دور و نزدیکش نهفته است، تأیید می نماییم. چنین مناسباتی باید مداخلات خارجی را پایان داده، اصول همسایگی نیک، عدم مداخله و استقلال را تقویت و به مساعد ساختن همگرایی اقتصادی افغانستان با منطقه کمک نماید.

* ما از نتایج «کنفرانس استانبول برای افغانستان: امنیت و همکاری در قلب آسیا» که در ۲ نوامبر ۲۰۱۱ در استانبول برگزار شد، استقبال می کنیم. مخصوصاً با ذکر اصول مربوط به تمامیت ارضی، استقلال، عدم مداخله و حل صلح آمیز منازعات که شامل روند استانبول اند و ما آن را به عنوان گام از ارزشی در جهت اعتمادسازی بیشتر و همکاری در منطقه «قلب آسیا» دانسته، از آن حمایت می نماییم. ما پشتیبانی قوی افغانستان و شرکای منطقه یی اش از این اصول فرا می خوانیم و چشم به راه پیگیری این روند در کنفرانس وزیران خارجه منطقه قرار است در ماه جون ۲۰۱۲ در کابل برگزار گردد، هستیم.

* با توجه به دورنمای انکشاف درازمدت افغانستان، ما با دیدگاه افغانستان در مورد یک منطقه پیشرفته از لحاظ مواصلات و ارتباطات، همگرایی اقتصادی که در آن افغانستان نقش پل ارتباطی میان جنوب آسیا، آسیای مرکزی، اوراسیا و خاور میانه باشد، هم نظر هستیم. ما از افزایش مواصلات تجارتي در امتداد راه های تاریخی به منظور ارتقای ظرفیت اقتصادی افغانستان در سطح منطقه حمایت می کنیم. در این راستا، ما بر اهمیت اجرای سریع طرح های پایداري که ظرفیت مواصلات منطقه یی را رشد می دهند، مانند خط لوله گاز تاپی، راه های آهن CASA-۱۰۰۰ و پروژه های دیگر اذعان می داریم. در این راستا چشم به راه پنجمین کنفرانس RECCA به میزبانی جمهوری تاجیکستان در شهر دوشنبه در ماه مارچ سال ۲۰۱۲ هستیم.

* ما بار سنگینی که بر دوش همسایه های افغانستان است، به خصوص پاکستان و ایران، که به میلیون ها پناهجوی افغان در روزهای دشوار پناه داده اند واقف هستیم و به ادامه کار در جهت تأمین تسهیلات بازگشت داوطلبانه، ایمن و تدریجی آنها متعهد هستیم.

راه پیش رو

* با نگاه به آینده، ما تاکید می کنیم که روند جاری انتقال که در سال ۲۰۱۴ قرار است پایان یابد، باید با دهه انکشاف دنبال گردد که طی آن افغانستان استقلال خود را از راه تقویت یک دولت کارا و پایدار که در خدمت مردم باشد، تحکیم نماید. دهه ی انکشاف، شاهد عرض وجود کردن نمونه ی جدید مشارکت میان افغانستان و جامعه جهانی خواهد بود که طی آن، یک افغانستان با حاکمیت ملی به منظور تأمین آینده اش و به منظور تبدیل شدن به یک عامل مثبت برای صلح و ثبات در منطقه، با جامعه جهانی وارد تعامل خواهد شد.

* در جلسه ی امروز افغانستان دیدگاه خود را برای آینده طرح کرد: تصویری که افغان ها از کشورشان دارند، افغانستانی است با یک دموکراسی با ثبات و کارآمد، دولتی نیرومند و پایدار که در خدمت مردمش قرار دارد و دارای یک اقتصاد کامیاب است. افغانستان واقع در منطقه یی باشد که برای رفاه و صلح مساعد بوده و مناسبات دوستانه با تمام همسایگان نزدیکو دورش داشته و آرزو دارد کمک کننده یی در امر صلح و امنیت بین المللی باشد.

* با توجه به تحقق دیدگاه بالا، جامعه جهانی و افغانستان متقابلاً تعهد می کنند که در کنار هم و با روحیه مشارکت کار را ادامه دهند. افغانستان بار دیگر تعهدات خود را مبنی بر ادامه کار در جهت بهتر ساختن حکومت داری تکرار می کند و همزمان با این جامعه جهانی التزام پایدار خود را به تداوم همکاری تا سال ۲۰۱۴ و پس از آن اعلام می کند.

* امروز در بن ما یک اجماع استراتژیک را در مورد تعمیق و توسعه مشارکت میان افغانستان و جامعه جهانی که ده سال پیش در پیتزبرگ بنیاد گذاشته شد، رسماً اعلان می کنیم. با توجه به تقویت دستاوردهای مشترک ده سال اخیر و با اذعان بر این که امنیت و رفاه افغانستان کماکان امنیت تمام منطقه و فراتر از آن را متأثر می سازد، افغانستان و جامعه جهانی خود را به این مشارکت تجدید شده برای دهی تحول به صورت قاطعانه متعهد می دانند.

۱ متن کامل در خبرگزاری صدای افغان(آوا):

<http://www.avapress.com/vdca0ue.49nei15kk4.html>

التیام میراث جنگ در افغانستان

بقیه از صفحه ۹

شرکت هیات نمایندگان...

آزاد کردن زنان افغانی و آوردن دموکراسی به افغانستان آمد. اما متأسفانه پس از ۱۰ سال افغانستان هنوز در همان وضعیت باقی و خواهان دموکراسی، و یک دولت نیرومند، اثبات و مستقل است.

نبرد برای شکست دادن تروریسم به پایان نرسیده و پیچیده تر شده است. اکنون مصالحه سیاسی در راه است که زندگی تمام افغان ها به ویژه زنان را به خطر خواهد انداخت. تا زمانی که به این وحدت نظر نرسیم که تروریسم هنوز پدیده ای خطرناک برای آینده افغانستان به شمار می رود نمی توانیم در باره صلح و دموکراسی در افغانستان صحبت کنیم.

طالبان، حقانی یا القاعده تنها گروه هایی نیستند که باید با آنها مبارزه کرد. در نظام کنونی، عناصری در قدرت هستند که مرتکب جنایت ها و فجایع نابخشودنی بین المللی شده اند؛ گروه هایی که با تروریست ها و گروه های افراطی در این کشور مرتبط هستند و باید فوراً از قدرت بر کنار و به دست عدالت سپرده شوند.

زمانی که در باره تروریسم سخن می گوئیم نباید سخن در باره تریاک و مافیای مواد مخدر را فراموش کنیم که در حال حاضر به شدت برای کشور خطرناک هستند و تهدید بزرگ اقتصادی برای توسعه زیرساخت کشور به شمار می روند.

تجارت تریاک، که احتمالاً یک سوم تولید ناخالص داخلی کشور را تشکیل می دهد، یکی از چند مخرب اساسی اقتصاد در بلند مدت است. افغانستان بزرگترین تولید کننده تریاک است و کشورهای غربی مصرف کننده آن هستند. ما نمی توانیم فقط دولت را مقصر بدانیم. جامعه بین المللی نیز در مقابل این مشکل مسئول است. امروزه هزاران کودک، جوان و زن افغانی از آثار اعتیاد به تریاک رنج می برند.

افغانستان به پروژه های بلند مدت زیرساختی نیاز دارد که نیاز شهروندان به ویژه زنان را برای ورود دموکراسی واقعی برآورده کند.

برای پایان دادن به فرهنگ معافیت از مجازات، دولت افغانستان و جامعه بین المللی باید صادقانه و با تعهد کامل به فساد پایان دهند و به پیگرد مرتکبان تجاوز و اجرای عدالت برای قربانیان جنگ بپردازند. اعطای عفو به کسانی که مرتکب تجاوز و جنایت های جنگی شده اند مثل ارتکاب یک جنایت دیگر است.

دولت افغانستان باید یک سیستم روشن گزارش دهی برای معاهده های حقوق بشری و قوانین بین الملل که امضا کرده داشته باشد و نشان دهد که قوانین افغانستان در تضاد با تعهدات قانونی بین المللی آن، به ویژه در ارتباط با زنان، نیستند.

عدم اجرای قوانین، سیاست ها، استراتژی ها و برنامه ها راه را برای انجام جنایت های بیشتر و نقض حقوق زنان و مردان کشور باز می کند.

ایالات متحده امریکا و دیگر اعضای جامعه بین المللی پذیرفتند که در حمایت از جنگ سالاران و بنیادگرایان مذهبی اشتباه کرده اند اما این حمایت هنوز هم ادامه دارد. حتا اگر قصد بر حمایت از آنها نباشد، فساد به آنها بسیار کمک می کند و این نتیجه نبود نظارت بر کمک های مالی است که وارد کشور می شود. جامعه بین المللی باید برای بازکردن درها به روی دموکراسی در افغانستان به حمایت از نهادهای دموکراتیک متعهد شود، و برای توان بخشی به جوانان و زنان سرمایه گذاری کند تا تمام زنان و مردان از حقوق برابر برخوردار شوند.

۱ هر دو سخنرانی را از متن انگلیسی ترجمه کرده ایم:

http://www.auswaertiges-amt.de/cae/servlet/contentblob/604276/publicationFile/162865/Afghan_Civil_Society_Delegation_Statement1.pdf

http://www.auswaertiges-amt.de/cae/servlet/contentblob/604724/publicationFile/163020/Afghan_Civil_Society_Delegation_Statement2.pdf

گفتگو شده است اظهار داشته اند که در حال حاضر احساس نمی کنند که در صلح زندگی می کنند. رسیدن به امنیت دوامدار و آرامش پایدار در تمام کشور یکی از اولین خواست های پاسخ دهندگان بوده است. اگرچه صلح خواسته کلیدی مشترک بین تمام مصاحبه شوندگان به شمار می رود، عدالت نیز یکی از اولویت های اکثریت آنها است. در این فصل روندهای ایجاد صلح در سطوح محلی و ملی و نقش دولت در این روند مورد بررسی پژوهشگر قرار گرفته اند.

نتایج و پیشنهادات پژوهش در فصل پایانی، فصل ۶ این پژوهش، به تفصیل آمده اند. این پژوهش نشان می دهد که روند عدالت، صلح و آشتی به هم وابسته هستند. مهمترین نتایج و پیشنهادهایی که در سه بخش جداگانه دولت، جامعه بین المللی و جامعه مدنی بیان شده اند، عبارتند از:

۱- تأمین صلح در افغانستان در تمام سیاست ها و روندها الویت کلیدی به شمار می رود و در نهایت براساس اثرات آنها بر روی این هدف ارزیابی می شود.

۲- دیدگاهها و نظرات مردم بطور محلی به واسطه تجارب فردی و جمعی آنها از جنگ شکل گرفته است. این که مردم افغانستان چگونه می خواهند به گذشته پرداخته شود دارای چارچوب خاص است و در نتیجه ممکن است در طول زمان تغییر کند.

۳- مکانیزم های عدالت کیفری و پاسخ گویی کیفری، بیش از سایر مکانیزمها مورد حمایت مردم و مهمترین ابزار عدالت هستند، اما با توجه به شرایط افغانستان تحقق آنها در حال حاضر، در سطح گسترده ای غیرممکن دانسته می شود.

۴- خواست واقعی برای بخشش عاملان جنایات جنگی وجود ندارد و مردم قادر به فراموشی رنج های گذشته خود نیستند. در عوض، آنها استدلال می کنند که می توانند «فراموش کردن» گذشته را در زمان حاضر به دلیل فضای موجود به عنوان یک تصمیم سیاسی اتخاذ نمایند.

این پژوهش با عنوان Healing the legacies of Conflict in Afghanistan, Community Voices on Justice, Peace and Reconciliation در وبسایت واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان منتشر شده است. برای متن کامل انگلیسی نگاه کنید به:

<http://www.aret.org.af/Uploads/EditionPdfs/1201E-Healing%20the%20Legacies%20of%20Conflict%20in%20Afghanistan%20SP%202011.pdf>

برای خلاصه ای به دری نگاه کنید به:

<http://www.aret.org.af/Uploads/EditionPdfs/1129D-Painful%20Steps%20PN%202011.pdf>

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در ماه ژانویه ۲۰۱۲ نتایج تحقیق «التیام میراث جنگ در افغانستان»^۱ (صدای مردم برای عدالت، صلح و آشتی) را منتشر نموده است. نویسنده این پژوهش ایمیلی و تریبوتم است که علاوه بر مطالعات کتابخانه ای، مصاحبه با افراد کلیدی در کابل و بیان مشاهدات خود، با مردم شهرهای کابل، بامیان و غزنی نیز از سپتامبر ۲۰۰۹ تا ژانویه ۲۰۱۱ مصاحبه کرده است.

این تحقیق عمق میراث جنگ در افغانستان و چالش های بی شمار رسیدن به صلح را نشان می دهد. با وجود اینکه مردم به خاطر صلح حاضر به مصالحه هستند اما خواهان صلح به هر قیمتی نیستند. معنی این حرف آن است که آنها معتقدند خواست های مردم افغانستان باید در مرکز میز مذاکره قرار گیرد و تلاشهای خالصانه ای برای تحقق آنها صورت پذیرد.

این پژوهش در ۶ فصل تنظیم شده است که در فصل اول و دوم آن به کلیات، روش تحقیق و بسترهای سیاسی- نهادی و مدنی پژوهش پرداخته شده است. در فصل سوم با نگاهی به جنگ های افغانستان، این جنگ ها به چهار دوره عمده، یعنی جنگ های حکومت کمونیستی، جنگ های داخلی، طالبان و زمان کنونی تقسیم شده اند. در هر دوره، اشکال عمده خشونت و جنگ، گروههایی که بیشترین آسیب ها را متحمل شده اند و مرتکبین عمده جنایات مختلف جنگی و مسولان جنگ از نگاه مردم بررسی شده است. در پایان این فصل هم به اثرات طولانی مدت جنگ از نظر روانی، عاطفی و فیزیکی پرداخته شده است.

فصل چهارم به روش های مختلف برای پرداختن به جنگ های گذشته و کنونی افغانستان اختصاص یافته است. تا به امروز هیچ تلاشی برای برخورد با میراث قساوت و خونریزی در دوران جنگ در افغانستان صورت نگرفته است و در بهترین حالت وقایع آن دوران نادیده گرفته شده اند. در این فصل مکانیزم های مختلفی که از سوی مردم در طول دوره این تحقیق برای دستیابی به عدالت، کمک به روند التیام دردها و اساساً نحوه برخورد با نقض حقوق بشر در گذشته و حال مطرح شده، گرد آمده است. هر گروهی جنگ را به اشکال مختلفی تجربه کرده اند و همین تجارب بر درک و نگرش آنها در برخورد با گذشته تأثیرگذار بوده است. و نتیجه ای که حاصل شده این بوده است که تنها یک راه برای برخورد با میراث شوم جنگ و حتی عاملان و ناقضان حقوق بشر وجود ندارد. در این فصل مکانیزم های کیفری، بازگردانی، اعاده حیثیت و جبران خسارت، بخشش و یا فراموش کردن گذشته از سوی مردم برای کمک به روند التیام پذیری و برخورد با گذشته و مرتکبین جنایات جنگی و ناقضان حقوق بشر شناسایی شده اند که هر کدام از آنها در قسمت های مختلف و توسط گروههای مختلف مردم دارای میزانی از حمایت هستند. هر کدام از این مکانیزم ها نیز خود به روش ها و شیوه های مختلفی تقسیم می شوند.

صلح و آشتی در افغانستان موضوعهایی هستند که در فصل ۵ به آن ها پرداخته شده است. اکثریت مردمی که در حوزه تحقیق با آنها مصاحبه و



عفو بین الملل



گوانتانامو: یک دهه ضرر به حقوق بشر

«گوانتانامو: یک دهه ضرر به حقوق بشر - ۱۰ پیام پایدار ضد حقوق بشری گوانتانامو» عنوان گرامر می باشد. صفحه است که عفو بین الملل در دهمین سالگشت برپایی این زندان منتشر کرده است.^۱ این نشریه ۱۰ پیام ضد حقوق بشری را با این عنوان های بسیار گویا مشخص کرده و مورد بحث قرار داده است: پیام ضد حقوق بشری ۱: تمام جهان صحنه نبردی سراسری است که در آن حقوق بشر به اجرا گذاشته نمی شود

پیام ضد حقوق بشری ۲: رفتار انسانی با بازداشت شدگان یک خط مشی انتخابی است نه یک الزام قانونی
پیام ضد حقوق بشری ۳: حتا بازداشت هایی را که دادگاه غیرقانونی می داند می توان بی نهایت ادامه داد
پیام ضد حقوق بشری ۴: حق محاکمه عادلانه بستگی دارد به تابعیت و وضعیت سیاسی داخلی مربوط به پرونده

پیام ضد حقوق بشری ۵: عدالت را می توان دست کاری کرد تا همیشه از پیروزی دولت مطمئن شویم
پیام ضد حقوق بشری ۶: اعدام قابل پذیرش است حتا پس از محاکمه ناعادلانه
پیام ضد حقوق بشری ۷: قربانیان نقض حقوق بشر را می توان بدون جبران رها کرد
پیام ضد حقوق بشری ۸: نگاه به جلو به معنای روی گرداندن از حقیقت و پاسخگویی است حتا در باره جنایت های مشخص در حقوق بین المللی
پیام ضد حقوق بشری ۹: احترام به حقوق بشر جهانی را در صورت تناقض آنها با «ارزش های داخلی» می توان کنار گذاشت

پیام ضد حقوق بشری ۱۰: به جای استانداردهای جهانی، یک بام و دو هوا در دستور کار قرار دارد
این گزارش دارای یک بخش نتیجه گیری با این عنوان است: یک دهه و تداوم آن (زیان های حقوق بشر)

۱ این گزارش به زبان انگلیسی در این منبع در دسترس است:

<http://www.amnesty.ie/sites/default/files/file/Guantanamo%2010%20Report.pdf>

دیده بان حقوق بشر



گوانتانامو؛ پس از ۱۰ سال

۶ جنوری ۲۰۱۲

امریکا ۲۰ زندانی اول را در ۱۱ جنوری ۲۰۰۲ به بازداشتگاه گوانتانامو منتقل کرد و این شروع برنامه بازداشت بی انتها و بدون محاکمه مظنونان به تروریسم بود که ۱۰ سال ادامه داشته است. از آن پس، ۷۷۹ زندانی در این بازداشتگاه بوده اند. مقررات قانون مجوز دفاع ملی ۲۰۱۲ که کنگره تصویب و رئیس جمهور اباما در ۳۱ دسمبر ۲۰۱۱ امضا کرد، بازداشت بدون محاکمه و بی پایان را در قانون امریکا وارد کرده است.

صفحه دهمین سالگشت گوانتانامو مجموعه ای از گزارش های دیده بان حقوق بشر در باره گوانتانامو و مسایل مربوط به آن و ارقام و حقایق و مقایسه کمیسیون های نظامی با دادگاه های کشور را در بر می گیرد.

با وجود وعده های اباما برای بستن این زندان پس از شروع ریاست جمهوری، هنوز ۱۷۱ نفر در گوانتانامو هستند. از ۷۷۹ زندانی، در طی ۱۰ سال تقریباً ۶۰۰ نفر آزاد شده اند و ۸ نفر درگذشته اند که شش نفرشان احتمالاً خودکشی کرده اند. در دوره ریاست جمهوری بوش، زندانیان در معرض فشار روانی دردناک، بازداشت انفرادی طولانی، تهدید با سگ های نظامی، تهدید شکنجه و مرگ و گرمای شدید، سرمای زیاد، و سروصدا که شکنجه یا اعمال و رفتار ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز محسوب می شود، روبرو بودند. در آغاز ریاست جمهوری اباما در جنوری ۲۰۰۹، در حدود ۲۴۲ زندانی مانده بودند. فقط تعداد انگشت شماری از آن ۶۰۰ نفر با اتهام های کیفری روبرو شدند.

از ۱۷۱ زندانی باقی مانده، به گفته دولت اباما ۳۲ نفر محاکمه خواهند شد، اما در حال حاضر فقط به یک نفر اتهام تفهیم شده است: عبدالرحیم الشیری. پنج نفر دیگر که مظنون به طراحی حمله های ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ هستند، با اتهام هایی روبرو هستند اما هنوز رسماً اتهام ها را دریافت نکرده اند. دولت می گوید ۴۶ نفر از ۱۳۹ نفر باقی مانده را بدون اتهام به مدت نامعلومی در بازداشت نگه خواهد داشت. انتقال ۸۹ نفر دیگر به وطنشان یا کشورهای دیگر تصویب شده است.

ادامه نقض حقوق بازداشت شدگان محدود به گوانتانامو نیست. در حدود ۳۰۰۰ نفر در افغانستان در بازداشت نیروهای امریکا هستند که حتا از حقوق جنگجویان دشمن در جنگ داخلی، مثل ابلاغ دلیل بازداشت و وسیله یک قاضی یا امکان تماس با وکیل، برخوردار نیستند. افرادی که در خارج از افغانستان بازداشت شده و اکنون در آنجا هستند اصلاً نباید به این کشور منتقل می شدند.

دیده بان حقوق بشر با بازداشت طولانی و بی نهایت و بدون محاکمه مظنونان به تروریسم در گوانتانامو و جاهای دیگر مخالف است. این کار با تعهدهای امریکا در حقوق بین المللی مغایرت دارد. دیده بان حقوق بشر از دولت امریکا قویا خواسته است بقیه بازداشت شدگان گوانتانامو را بر اساس استانداردهای بین المللی محاکمه عادلانه محاکمه کند یا آنها را به میهن شان یا کشورهای دیگر منتقل کند. ما همچنین خواهان تحقیق در باره مقام های امریکایی مسئول در شکنجه مظنونان تروریسم و پرداخت خسارت کافی به قربانیان شده ایم. دیده بان حقوق بشر به فعالیت برای رعایت این تعهدها ادامه خواهد داد. کوتاهی از این کار به حاکمیت قانون در امریکا و خارج صدمه بزرگی خواهد زد.

منبع: <http://www.hrw.org/news/2012/01/06/guantanamo-ten-years>

پیوندهای دیگر در این باره:

[1] <http://www.hrw.org/news/2012/01/06/guantanamo-ten-years>

[2] <http://twitter.com/share>

[3] <http://www.hrw.org/features/guantanamo>

[4] <http://www.hrw.org/news/2011/12/14/us-refusal-veto-detainee-bill-historic-tragedy-rights>

[5] <http://www.hrw.org/news/2011/01/24/us-prolonged-indefinite-detention-violates-international-law>

[6] <http://www.hrw.org/topic/counterterrorism/guantanamo-ten-years>

[7] http://multimedia.hrw.org/data/viz/gtmo/main_dashboard.html

[8] <http://www.hrw.org/news/2011/01/10/us-act-pledge-close-guantanamo>

[9] <http://www.hrw.org/news/2011/11/11/us-sins-commission>

[10] <http://www.hrw.org/news/2011/07/12/united-states-investigate-bush-other-top-officials-torture-2>

fidh

مرکز حقوق اساسی در امریکا : گوانتانامو را تعطیل کنید

مرکز حقوق اساسی در امریکا (سازمان عضو فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر FIDH) که سال هاست در مبارزه برای بستن زندان گوانتانامو و دفاع قانونی از زندانیان آن بسیار فعال است، در دهمین سالگشت تاسیس این زندان به سازمان دهی تظاهرات مختلف پرداخت. در عین حال این مرکز بیانیه ای را تهیه و آن را با امضا صدها سازمان و فعال حقوق بشری منتشر کرد.^۱ این بیانیه با عنوان «گوانتانامو را هم اکنون با اجرای عدالت ببندید» خواست های زیر را از دولت امریکا مطرح کرد:

• فوراً تعهد دوباره به بستن گوانتانامو را اعلام و مشخص کنید که بسیاری از افراد به اشتباه در آنجا زندانی شدند



• اتهام زندانیان گوانتانامو را تفهیم کنید یا آنها را آزاد نمایید.

• برنامه بازداشت بی انتها را کنار بگذارید

• منع اعزام زندانیان به یمن را لغو کنید

• اعزام اجباری افرادی را که انتقال امنیتشان را به خطر می اندازد متوقف کنید

• منع اقامت زندانیان را در امریکا لغو کنید

• مرگ زندانیان در حبس را مورد تحقیق کامل قرار دهید

• پاسخگویی در باره جنایت ها را تضمین کنید

• پس از آزادی زندانیان مسئولیت رفاه و سلامت آنها را بپذیرید

http://salsa.democracyinaction.org/o/383/p/dia/action/public/?action_KEY=5355

اعتراض عفو بین الملل در دهمین سالگرد گشایش گوانتانامو

۱۲ ژانویه ۲۰۱۲

به مناسبت دهمین سالگرد گشایش زندان گوانتانامو، سازمان عفو بین الملل در روز چهارشنبه از وضعیت زندانیان آنجا ابراز نگرانی کرد.

زندان گوانتانامو در پایگاه دریایی آمریکا در جنوب شرقی کوبا واقع شده است و محل نگهداری کسانی است که آمریکا آنها را «جنگجویان دشمن» میداند.

سازمان عفو بین الملل، به همین مناسبت تظاهراتی را جلوی کاخ سفید در واشنگتن سازماندهی کرد. تجمع کنندگان، خواهان تعطیل شدن فوری زندان گوانتانامو شدند. در این مراسم صدها نفر از معترضان شرکت کرده بودند.

این زندان در سال ۲۰۰۲ توسط دولت جورج بوش رئیس جمهوری وقت آمریکا برای نگهداری بازداشتی های جنگ گشایش یافت. باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا، سه سال پیش در نظر داشت که پس از ورود به کاخ سفید، زندان گوانتانامو را تعطیل کند. آقای اوباما در آن زمان گفته بود: «من برای بسته شدن زندان گوانتانامو در راستای منافع ملی ایالات متحده و با هدف اجرای عدالت، فرمانی را صادر می کنم که بر اساس آن، این بازداشتگاه باید حداکثر تا یک سال دیگر تعطیل شود.» اما در پی مخالفت سرسختانه کنگره آمریکا، این وعده انتخاباتی آقای اوباما عملی نشد. حتی بسیاری از متحدان دموکرات او در هر دو مجلس نمایندگان و سنا هم با انتقال زندانیان گوانتانامو به داخل آمریکا مخالفت کردند.

هم اکنون، ۱۷۱ زندانی در زندان گوانتانامو به سر میبرند که ۱۲ نفرشان از زمان گشایش این زندان تاکنون در آنجا بوده اند. از این تعداد حداقل ۱۱ نفر هرگز دادگاهی نشده اند و یک نفر هم به حبس ابد محکوم شده است. تاکنون شش نفر از این زندانیان خودکشی کرده و دو نفر بر اثر مرگ طبیعی جان خود را از دست داده اند.



این زندانیان تحت عنوان «جنگجویان دشمن» در زندان هستند. آن ها نه بر اساس قوانین بین المللی اسرای جنگی و نه طبق قوانین حقوقی آمریکا نگهداری می شوند. در آغاز زندانیان پس از آزادی از مواردی از شکنجه توسط زندانبان ها خبر می دادند.

عفو بین الملل می گوید از ۷۷۹ زندانی که به این زندان آمده و رفته اند، تنها یک نفر در دادگاه های فدرال آمریکا محاکمه شده است. به گفته عفو بین الملل، بقیه زندانیان به طور «ناعادلانه» در دادگاه های نظامی، محکوم شده اند. به گزارش عفو بین الملل، برخی از زندانیان قبل از انتقال به گوانتانامو شکنجه شده اند، شماری هم برای مدتی ناپدید شدند. عفو بین الملل می گوید، احتمال رسیدگی به این زندانیان در دادگاه بین الملل بسیار کم است و مسئولان آمریکایی مانع دریافت غرامت مالی این زندانیان می شوند.

بی بی سی:

http://www.bbc.co.uk/persian/world/2012/01/120111_u05_gauntanemo_anniversary_tenth.shtml?print=1

خطر روزنامه نگاری

گزارش ۲۰۱۱ سازمان گزارشگران بدون مرز

طبق گزارش سالانه سازمان گزارشگران بدون مرز در سال ۲۰۱۱ میلادی ۶۶ خبرنگار در سراسر دنیا کشته شدند، ۹ نفر بیش از سال قبل. به گفته سخنگوی گزارشگران بدون مرز سال گذشته میلادی در خیلی از کشورها سال تظاهرات برای آزادی و دموکراسی بود و گزارشگران سرشان شلوغ بود. بیشتر حاکمان نه فقط تظاهر کنندگان را سرکوب کردند، بلکه گزارشهای خبری مربوطه را هم خفه کردند.

سال ۲۰۱۱ روی هم ۱۰۴۴ تن از گزارشگران هم دستگیر و زندانی شدند. که این تعداد دو برابر سال گذشته میلادی است. «بهار عربی» دلیل اصلی زیاد شدن خطر برای گزارشگران اعلام شده است. بنا به این گزارش، در سال گذشته میلادی بیشترین تعداد خبرنگاران در پاکستان (۱۰ نفر)، عراق (۷ نفر)، مکزیکو (۵ نفر) و شهرهای پر تشنج لیبی (۵ نفر) کشته شدهاند.

این سازمان لیست خطرناکترین مناطق برای کار خبرنگاران را هم منتشر کرده، که ده تای اولشان به کشورهای آسیایی و آفریقایی اختصاص دارد: منامه پایتخت بحرین در رأس لیست قرار دارد. آبیجان در ساحل عاج و میدان تحریر قاهره در مکانهای دوم و سوم هستند. در ردیف چهارم شهر مصرانه لیبی قرار دارد و بعد از آن ایالت ساحلی وراکروز (Veracruz) مکزیک.

در مکزیک یک جنگ وسیع بین دولت و باندهای مافیایی مواد مخدر در جریان است که طی آن تاکنون هزاران نفر کشته شدهاند.

بنا به گزارش یاد شده، در ده سال گذشته ۱۴۱ گزارشگر فقط توسط گروههای مافیایی کشته شدهاند. هفتاد تایشان در همین مکزیک. چون در مواردی پلیس متهم به فساد شده، گشت زدن در خیابانها را به تفنگداران دریایی سپرده اند.

شهر خضدار (Khuzdar) در بلوچستان پاکستان هم منطقه بسیار خطرناکی است و عدهای از خبرنگاران و گزارشگران تلویزیون مانند «منیر احمد شکیرا» همین جا کشته شدهاند.

مانیل پایتخت، همچنین جزایر لوزون و میندائو فیلیپین در رده بعدی این لیست قرار دارند. اینجا هم از دیرباز، یعنی از زمان دیکتاتوری فردیناند مارکوس و حتی بعد از سرنگونی او در سال ۱۹۸۶ تا امروز محل خطرناکی برای خبرنگاران بوده است. گروههای تندرو از جمله گروه معروف به ابو سیاف که بر بخشی از جزایر میندائو و مجمع الجزایر سولو سلطه دارند، با دولت مرکزی درگیرند و خبرنگاران زیر دست و پای نظامیان و گروههای شورشی له میشوند. از جمله آرنل مانالو (Arnel Manalo) و راجر مارینو (Roger Marino) که سال گذشته در فیلیپین کشته شدند.

موگادیشو پایتخت سومالی در رده بعدی است. اینجا هم در زمان دیکتاتوری «زیاد باره» و بعد از سرنگونی او در سال ۱۹۹۱ تا امروز همیشه هرج و مرج بوده و کشور بین گروههای شورشی از جمله الشباب و گروههای اسلامگرای نزدیک به القاعده دست به دست میشده است. اینجا وضع آنقدر خراب است که بعضی خبرنگاران جلیقه ضد گلوله میپوشند و برای بالا بردن آمادگی روحی و روانی در دورههای مخصوص تمرین میکنند تا شکنجه را تاب بیاورند.

به گفته امبواسه پیر (Amboise Pierre) رئیس بخش آفریقایی گزارشگران بدون مرز، خیلی از روزنامهها و ایستگاههای رادیویی و تلویزیونی داوطلبانه درشان را تخته میکنند، چون تاب تحمل تهدیدات هر روزه گروههای فشار را ندارند. به علت کار نکردن خبرنگاران و رسانهها مستقل معلوم نیست در سومالی واقعاً



چه خبر است. غرب هم چندان علاقهای به امور این کشور ندارد و این از دلایل ادامه وضعیت قاراشمیش در موگادیشو و سایر شهرهای سومالی است.

شهرهای درعا، حمص و دمشق در سوریه و میدان تغییر در صنعا پایتخت یمن در ردههای بعدی این لیست قرار دارند. بنا به خبر فعالان سوری «باسل السید» خبرنگار آماتور سوری همین چند روز پیش - پیش پای سفر ناظران اعزامی - هنگام فیلمبرداری کشته شد. آخرین ویدیوی باسل السید از قساوت نیروهای بشار اسد در شهر حمص در یوتیوب هم گذاشته شد. این خبرنگار موقع ضبط این ویدیو دوربین از دستش افتاد و کشته شد. در این ویدیوی کوتاه، با افتادن دوربین از دست فیلم بردار، تصویر سیاه میشود و تنها صدای گلوله و فریاد مردم شنیده میشود.

گذشته از خبرنگاران رسمی، وبلاگنویسان هم در امان نیستند. بهویژه در مناطقی که سانسور رسانهها شدید است، آنها جای رسانهها را پر میکنند و بار خبرنگاران را به دوش میکشند. به همین دلیل هم سرکوب میشوند. سرکوب نیز هم از طرف دولت و هم از سوی گروههای مافیایی اعمال میشود. سال گذشته فقط در مکزیک پنج وبلاگنویس که با دم کلفتهای مافیای مواد مخدر مکزیک در افتاده بودند، کشته شدند.

۱۹۹ فعال گزارشگر اینترنتی هم بازداشت شدند (۴۷ نفر بیش از سال قبل).

۱ منبع: <http://www.radiozameh.com/politics/2011/12/30/9473> (برگردان اکبر فلاحزاده)



fidh

فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر :

تحلیلی از دفتر دادستان دادگاه بین المللی کیفری پس از ۹ سال فعالیت

۲۰ دسمبر ۲۰۱۱

فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر در دسمبر ۲۰۱۱ نشریه ای با عنوان «دفتر دادستان دادگاه بین المللی کیفری پس از ۹ سال فعالیت - تحلیل از استراتژی و سیاست های پیگرد دفتر دادستان (۲۰۱۱ - ۲۰۰۳)» در ۳۱ صفحه منتشر کرد که در آن به تحلیل فعالیت های این دادستانی پرداخت. توصیه هایی به دادستان بعدی دادگاه بین المللی کیفری

آقای لوئیس مورنو آکامپو در زمان اولین انتخابات مسئولان دادگاه بین المللی کیفری به اتفاق آرا به عنوان اولین دادستان برگزیده شد. دوره نه ساله او به زودی به پایان خواهد رسید. در طی این سالها، فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر از نزدیک بر ساختار دفتر دادستان و فعالیت های آن نظارت کرده است. فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر انتقادهای چندی از کارکرد اولین دادستان بر اساس اختیارات او دارد. این فدراسیون بهطور منظم در باره مسایل استراتژی و خط مشی و نیز فعالیت در بعضی کشورهای محل وقوع جرایم که زیر صلاحیت دادگاه هستند توصیه هایی ارایه کرده است. این گزارش به ارزیابی بعضی از مهمترین تحولات، انتقادات و دستاوردهای دفتر دادستان در دوره لوئیس مورنو آکامپو می پردازد. بر اساس این تحلیل، گزارش توصیه هایی را به جانشین آقای مورنو آکامپو ارایه کرده است.

خانم فاتو بن سودا، دادستان تازه دادگاه بین المللی کیفری، در دهمین نشست مجمع کشورهای عضو اساسنامه رُم، در نیویورک از ۱۲ تا ۲۱ دسمبر ۲۰۱۱، انتخاب شد.

کتاب سوزان و پاک کردن خاطره‌ی جمعی

زمانی که پرتو از این فرماندهی که دهانش بوی شراب خانگی می‌دهد می‌پرسد چرا کتاب‌ها را می‌سوزانید؟ گناه دارد! فرمانده در جواب می‌گوید: «کتاب‌هایی را می‌سوزانیم که بسم الله ندارند. به سربازانم دستور دادم کتاب‌های با بسم الله را جدا بگذارند.» این کتاب‌ها در روزگاری سوزانیده می‌شد که در پاکستان هر کدام‌شان را چندین برابر قیمت واقعی آن‌ها پژوهشگران داخلی و خارجی می‌خواستند خریداری کنند اما یافت نمی‌شد.

که دهانی داشت گشوده چنان دهان بی‌ادبانه، بخاری عجیبی بود؛ کتاب مطالعه می‌کرد. روز و شب مطالعه می‌کرد. سطر سطر مطالعه نمی‌کرد، بلکه فصل فصل و جلد جلد مطالعه می‌کرد. دهان گشوده بی‌داشت و از هر کتاب فقط سه نتیجه می‌گرفت گرم، دود و خاکستر.»

او در بخش دیگر سخنانش فریاد و نواها و زبان حال و اوصاف باختری، رهنورد زریاب، اسدالله حبیب، سلیمان لایق، اکرم عثمان، شفیع کدکنی، بیهقی و ناصر خسرو بلخی و دیگر بزرگ ادبیات و تاریخ را می‌خواند.



او در ادامه گفت: «دهه شصت دهه‌ای بود که پر از مصیبت‌های بزرگ اما از نظر گسترش کتاب و گسترش فرهنگ مطالعه دوره‌ی قابل توجهی در تاریخ معاصر افغانستان می‌تواند به حساب بیاید. چنان‌که تنها همین کتاب‌های چاپ شده در انجمن نویسندگان چندین بار بیشتر از کتاب‌هایی است که ظرف صد سال گذشته در افغانستان چاپ شده است.»

او گفت با وجودی که تاکید‌های زیادی شد تا از هر نسخه کتاب یکی یا دو تا جمع‌آوری شود. و تاکید بیشتر بر سید حاکم آریا رییس تحریرات انجمن بود. اما معلوم نیست چنین کاری صورت گرفته یا نه؟ اگر هم صورت گرفته باشد در مصیبت سیاه طالبان بر آن‌ها چه آمده است؟

مصیبت سال‌هایی که بیش از پنجاه و پنج هزار جلد کتاب کانون حکیم ناصر خسرو بلخی در شهر پلخمری را آتش زدند و یا هم به غارت بردند و به مفهوم دیگر مصیبت سال‌هایی که کتاب‌ها در کتابخانه‌های عامه به زندان کشیده شدند و تعصب کور بر چشم هر چه ستاره، چراغ و روشنی بود نشت می‌زد.

گفتگوی ۸۲ پس از نمایش فیلم «فارنهایت ۴۵۱» به پایان رسید.

آثار هر کدام این‌ها در درون آتش آه و فریاد می‌کشد و کمک می‌خواهد ولی کسی به‌دانش نمی‌رسد...

«آن سوتر در کنار دروازه عقبی کتاب فروشی انجمن، جوان نسبتاً قامت بلندی ایستاده بود و با اطرافیان خود با سر و صدا، ولی بدون عصبانیت سخن می‌گفت. چهره گندمی، ابروان انبوه و نگاه‌های نافذی داشت و جنبر پلنگی پوشیده بود. به اطرافیان خود هدایای خورد و کوچکی می‌داد. به گمانم یکی چند هفته می‌شد که او همراه با یارانش دفتر مجله ژوندون را فتح کرده بود. ظاهر از دیگران یک سرگرد بالا تر معلوم می‌شد. با خود اندیشیدم که باید جناب‌شان از شمار فرماندهان بوده باشند. تصور من درست از آب در آمده بود. بعداً فهمیدم که او قوماندان عاشق الله یا قوماندان معشوق الله نام داشت. چند قدمی به سوی او نزدیک شدم و سلامی دادم و اما پیش از این که چیزی بگویم نگاهم به درون کتاب فروشی لغزید. کتاب‌ها از قفسه‌ها فرو افتاده بودند و فرمانده و یارانش از کتاب فروشی انجمن راه میان‌بری ساخته بودند به بیرون. بر روی کتاب‌ها مهر گام‌های خود را کوبیده بودند. روی هر کتاب می‌شد نقش پاهای آن‌ها را دید. گویی با این نقش‌ها، آن‌ها فرمان‌بربادی فرهنگ و معنویت را صادر کرده بودند.»

هشتاد دومین برنامه‌ی گفتگو (سال ششم)، پلی میان نخبگان و شهروندان بنیاد آرمان شهر، در کابل با همکاری انستیتوت فرانسوی افغانستان با نمایش فیلم «فارنهایت ۴۵۱» اثری از فرانسوا تروفو و سخنرانی استاد پرتو نادری در زمینه‌ی کتاب سوزی در اتحادیه‌ی نویسندگان افغانستان برگزار شد. این برنامه در تالار انستیتوت فرانسوی افغانستان در کابل در تاریخ ۲۷ میزان ۱۳۹۰ / ۱۹ اکتوبر ۲۰۱۱ برگزار گردید.

فیلم «فارنهایت ۴۵۱» اثری از فرانسوا تروفو، فیلم ساز، منتقد، و نظریه پرداز سینمایی شهیر فرانسوی و از پیش کسوتان جریان موسوم موج نو سیمای فرانسه است. او این فیلم را بر پایه‌ی رمانی زیر همین نام از ری داگلاس بردبری نویسنده‌ی مشهور امریکایی ساخته است. این فیلم از یک طرف شیوه‌های پاک کردن حافظه‌ی جمعی را با سوزاندن کتاب‌ها و کنترل افکار عامه و از جانب دیگر مقاومت مردم و نافرمانی قوی مردمی را نشان می‌دهد تا آن‌جا که خود در میان کتاب‌های خویش می‌سوزند اما کتاب‌ها را در دفاع از تجربه‌ی بشری و حافظه‌ی تاریخی خود نجات می‌دهند.

این برنامه قرار بود در ۳۱ سنبله ۱۳۹۰ / ۲۲ سپتمبر ۲۰۱۱ در همین مرکز برگزار شود، اما به دلایل امنیتی به تعویق افتاد. آن روز برابر بود با مراسم تدفین برهان الدین ربانی رییس شورای عالی صلح افغانستان.

در آن زمان به مهمانان مان چنین نوشتیم: «چرا این برنامه تا اطلاع ثانوی به تعویق افتاد؟ علتش روشن است، وقتی هر روز آتش به جان این مردم مظلوم می‌افتد؛ وقتی هر روز انفجار بمب‌ها صدای گلوله‌ها و غرش تانک و طیاره‌ها در این سرزمین غوغایی به پا می‌کند و پشت و پهلوی زن و مرد این سرزمین را می‌لرزاند و عده‌ای را به خاک و خون می‌کشد؛ وقتی هر روز دعوی قوم و مذهب و زبان و منطقه بیشتر شدت می‌گیرد و عده‌ای از گوشه‌هایی امن با غرور سرود وحدت سر می‌دهند و ژست منجی به خود می‌گیرند. اما علت همه این‌ها چیست؟»

خوشبختانه بار دوم برنامه برگزار گردید و حدود ۱۱۰ تن از شهروندان زن و مرد کشور که اغلب دانشجو بودند در این برنامه اشتراک نمودند.

روح الامین امینی گرداننده‌ی برنامه با شعر از کاظم کاظمی برنامه را آغاز کرد و سپس از استاد پرتو نادری شاعر، نویسنده و روزنامه‌نگار سابقه دار کشور دعوت به سخنرانی نمود.

استاد پرتو نادری در آغاز سخن اشاره‌ای به تاریخ سه دهه‌ی افغانستان کرد و گفت: «افغانستان در این سه دهه بسیاری از ارزش‌های فرهنگی و انسانی خود را از دست داد. من به عنوان یکی از کارمندان انجمن نویسندگان افغانستان پس از سقوط داکتر نجیب‌الله کار می‌کردم و شاهد آن ماجراهای تلخ بودم.»

«انجمن نویسندگان افغانستان حدود ۲۷۰ عنوان کتاب به زبان فارسی، دری، پشتو، ازبکی و انگلیسی به نشر رسانیده بود. تیراژ این کتاب‌ها میان سه هزار و یک و نیم هزار عدد بود. می‌شود گفت که بخش اعظم این کتاب‌ها در بخاری‌ها فرو رفته‌اند.»

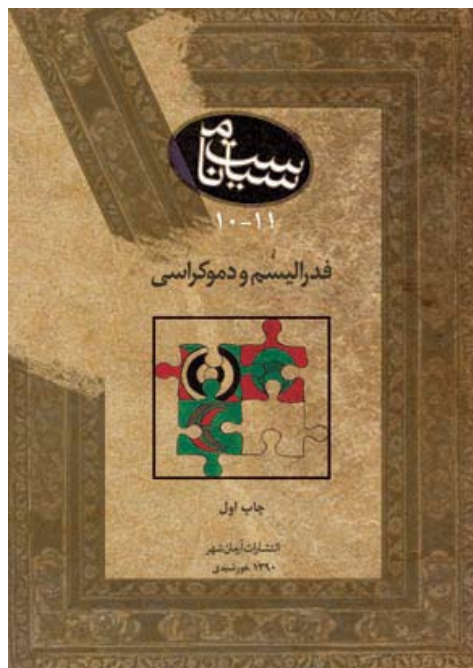
نادری گفت: «انجمن نویسندگان تنها نهادی نبود که کتاب‌های خود را از دست داد. کتابخانه‌ی بزرگ حکیم ناصر خسرو بلخی در شهر پل خمری در زمان طالبان همین گونه تاراج شد. من در آن زمان در رادیو بی‌بی‌سی کار می‌کردم، مصاحبه‌ای داشتم با ملا مطمئن سخنگوی وقت طالبان. از او در باره سوزاندن هزاران کتاب در آن کتابخانه پرسیدم، جواب داد: پنجاه هزار کتابی که تو می‌گویی، سوزانده نشده است. هر آن کتابی که خلاف وحدت ملی و یا مذهب اسماعیلیه را تبلیغ می‌کند آن‌ها باید سوزانیده شود.

پرتو نادری متنی در دست داشت و واقعیات کتاب سوزی را شاعرانه چنین نوا سر می‌داد:

«سرانجام تفنگداران دفتر رییس انجمن نویسندگان افغانستان را نیز فتح کردند... اتاق رییس انجمن نویسندگان به خوابگاه یکی از فرماندهان و یاران نزدیک او بدل شده بود. در این دفتر میز بزرگی بود... فرمانده از میز تخت خوابی درست کرده بود که ما روزها می‌دیدیم که کسی روی آن خوابیده است. زمستان که فرا رسید در کنار میز، یک بخاری جابجا گردید

مالی در فدرالیسم، فصل چهارم: اراده سیاسی در فدرالیسم، فصل پنجم: فدرالیسم در معرض انتقاد و فصل ششم: تمرکززدایی، گزینه ای برای فدرالیسم در اروپا؟ را در بر می گیرد.

«سیاست نامه» عنوان مجموعه ای از کتابهای آرمان شهر است که از سال



۱۳۸۸ به خانواده انتشارات آرمان شهر پیوسته است و به صورت ادواری با مجموعه مقاله های برتر در باره مسایل مختلف در حوزه های حقوق بشر، سیاست، اجتماع و فرهنگ منتشر می شود.

زنگوله زنان گذشت باران

سیری در شعر معاصر تاجیکستان

مجیب مهرداد، بهروز ذبیح الله

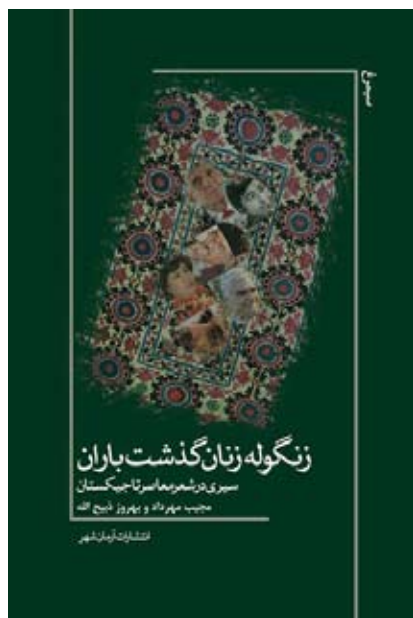
ویرایش: فهم رسا

طراحی و برگ آرای: روح الامین امینی

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

چاپ اول: ۱۳۹۰ خورشیدی

«زنگوله زنان گذشت باران» کتابی است در زمینه ادبیات و شعر تاجیکستان در قرن بیستم. در اولین مقاله این کتاب شعر نو تاجیکستان، مجیب مهرداد، نویسنده، بر این نظر است که شعر تاجیکستان به دلیل نبود ارتباط با سایر حوزه های زبان فارسی، بومی ترین شعر فارسی معاصر و به لحاظ زبان به شدت به زبان مردم نزدیک است. او در این مقاله از سه دوره تحول شعر تاجیکستان... ادامه در صفحه بعدی



واژگان و مفاهیم مفید در فعالیت خود نآشنا باشیم. در این کتاب کوشیده ایم در حد امکان به این نیازها پاسخ بگوییم. با توجه به تازگی موضوع و بدون پیشینه بودن آن در زبان ما، مسلماً این فرهنگ نامه از نواقص و ایرادهایی برخوردار است که باید با کمک و نقد فعالان در چاپ های بعدی برطرف شود.

«فرهنگ نامه عدالت در گذار» را باید در چارچوب فعالیت گسترده تر «آرمان شهر» در این زمینه و یکی از کارهای مربوط به پخش اطلاعات و دانش در باره راه کارها و حقایق مربوط به عدالت در گذار و حقوق بشر در نظر گرفت. این فعالیت پربار که بخشی از آن زیر عنوان «سکوت را بشکنیم» انجام می شود، در زمینه نشر آثار مربوط به حقوق بشر و صلح تاکنون ثمره های متعدد دیگری داشته است که از آن میان می توان به این عنوان ها اشاره کرد که از ۱۳۸۵ به بعد منتشر شده اند: «عدالت برای زنان؛ در جنگ و صلح»؛ «گذشته چراغ راه آینده»؛ «علیه فراموشی، تجربه کمیسیون های حقیقت و دادخواهی»؛ «صلاحیت قضایی جهانی: راه کارهایی برای پیگرد ناقضان حقوق بشر»؛ «پر سیمرغ» (برگزیده اشعار جایزه صلح سیمرغ)؛ «در جستجوی حقیقت و عدالت در افغانستان»؛ «صدای قربانیان برای عدالت»؛ «ناتو، استثنا بر دموکراسی و افول امپراتوری ها»؛ «نقض حقوق بشر و سیاست آمریکا»؛ «راهنمای قربانیان به دادگاه بین المللی جنایی»؛ «زنان صلح را می سرایند»؛ «نقش شهروند در حقیقت یابی و عدالت جویی»؛ «چالش های آزادی بیان، رسانه ها و مطبوعات در افغانستان»؛ «بازخوانی حافظه جمعی»؛ «دموکراسی و عدالت اجتماعی در کشورهای کثیرالقوم»؛ «شهروند کیست؟ چه وظایف و اختیاراتی در مقابل دولت و جامعه دارد؟»؛ «فيلم مستند شاهد عینی (صدای قربانیان جنگ در افغانستان)» و «جایزه صلح سیمرغ» هم در چارچوب همین فعالیت ها قرار می گیرند.

فکر گردآوری و انتشار این فرهنگ نامه از گیسو جهانگیری است که از ابتدا طرح آن را با عنوان «الف تا ی عدالت در گذار و حقوق بشر» پیگیری کرده است. گردآوری و نگارش اول این واژگان حاصل همکاری سه تن، گیسو جهانگیری، مبارک شریپوا و خلیل رستم خانی است. کلیر کائون، با همکاری و پشتیبانی تیمی در فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر شامل ایزابل براشه، ماریانا پنا، کارین بوننو و دلفین کارلنز، کار اصلی پژوهش و تهیه پیش نویس به زبان انگلیسی را به عهده داشت. خلیل رستم خانی ویرایش پایانی متن انگلیسی و نگارش متن فارسی/دري فرهنگ نامه را انجام داده است. متن فارسی از دانش و تخصص دکتر عبدالکریم لاهیجی بهره برده است. طراحی و صفحه آرای کار روح الامین امینی است.

فدرالیسم و دموکراسی

سیاست نامه - ۱۱-۱۰

به کوشش سید جواد دروازیان و گیسو جهانگیری با همکاری شورانگیز داداشی

ویرایش: خلیل رستم خانی و شورانگیز داداشی

طراحی و برگ آرای: روح الامین امینی

حروف نگار: کبیر احمد نشاط

۲۳۸ صفحه

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ اول: ۱۳۹۰ خورشیدی

«فدرالیسم و دموکراسی» (سیاست نامه - ۱۱-۱۰) در دو بخش تهیه شده است. در بخش اول با عنوان «نظام متمرکز یا فدرالیسم؟» یک مقاله از آمارتیا سن، برنده هندی جایزه نوبل اقتصاد به نام «دموکراسی به عنوان یک ارزش جهان شمول» و ۳ مصاحبه با مخالفان و مدافعان نظام متمرکز و فدرالی در افغانستان آمده است؛ مصاحبه با دکتر محمدامین احمدی، دارای دکترای فلسفه و حکمت اسلامی و استاد دانشگاه با عنوان «اتفاق نظر جامع و فراگیر در مورد هویت ملی پیش نیاز اساسی نظام دموکرات است»، مصاحبه ای از پروفسور دکتر محمد طاهر هاشمی، استاد حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل با عنوان «موانع و چالش های دموکراسی و فدرالیسم در افغانستان» و مصاحبه پایانی با عبدالطیف پدرام، نماینده مردم بدخشان در مجلس و رهبر حزب کنگره ملی افغانستان با عنوان «فدرالیسم راهی برای ایجاد تفاهم ملی و مشارکت شهروندان در تصمیم گیری های جمهوری». بخش دوم باز نشر بخش های عمده از کتاب «مقدمه ای بر فدرالیسم» از رولاند شتورم و پترا تسیرمان شتاینهارت است. این بخش نیز در ۶ فصل تنظیم شده است؛ فصل اول: مبانی تئوریک و سیستماتیک، فصل دوم: نهادهای فدرالیسم، فصل سوم: نظام

کتاب های تازه آرمان شهر

فرهنگ نامه عدالت در گذار - الف تا ی

سیاست نامه - ۹-۸

به کوشش: گیسو جهانگیری و خلیل رستم خانی

دبیاچه: دکتر عبدالکریم لاهیجی

فرهنگ دو زبان

۱۳۳ صفحه؛ قطع وزیری

طراحی و برگ آرای: روح الامین امینی

شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

چاپ اول: ۱۳۹۰ خورشیدی

«فرهنگ نامه عدالت در گذار - الف تا ی» اولین اثری در این زمینه است که



در گستره ی زبان فارسی/دري در سراسر جغرافیای این زبان منتشر می شود. این فرهنگ نامه - چه در تعداد واژگان و چه وسعت توضیحات - پهنه گسترده ای را در برگرفته است. این گستردگی یکی از دلایلی است که ما را به عنوان «فرهنگ نامه» رهنمون شده است. نگاهی به واژه ها و مفاهیم مورد پژوهش در این فرهنگ نامه به خوبی نشان می دهد که باید از حد معمولی «عدالت در گذار» بسیار فراتر می رفتیم و ناگزیر بسیاری از مفاهیم مربوطه حقوق بشری را نیز در برمی گرفتیم. این کار به ویژه با هدف فراهم آوردن منبعی جامع در خدمت کوشندگان عدالت در گذار، فعالان جامعه مدنی و مدافعان حقوق بشر در پهنه جغرافیای زبانی انجام شده است. در حقیقت، قصد ما فراهم کردن «دست نامه ای» بوده است که در فعالیت های پژوهشی و دفاعی کوشندگان حقوق بشر و عدالت در گذار اولین منبع جامعی باشد که به آن رجوع می کنند و بتواند نیازهای فوری آنها را برطرف کند. در گام دوم، این دست نامه راهنمای اولیه پژوهشگران و جستجوگران حقوق بشر و عدالت در گذار برای مطالعه و پژوهش عمیق تر است. به علاوه، این فرهنگ نامه به دو زبان انگلیسی و فارسی است و بنابراین منبع مفیدی برای فعالان حقوق بشری انگلیسی زبان نیز به شمار می رود.

با رجوع به هریک از بخش های این کتاب، کوشندگان و مبارزان حقوق بشر و عدالت در گذار به حجم قابل توجهی از اطلاعات لازم دست می یابند. بسیاری از ما در طی فعالیت روزانه واژه های مربوطه متعددی را به کار می بریم. اما در صورت نیاز شرح و توضیح کامل آنها را از نگاه حقوق بشری در ذهن نداریم و هر بار برای توضیح دقیق در یک بیانی یا مقاله باید به منابع مختلف رجوع کنیم. گذشته از این، ممکن است با برخی از



انسان ها دیگر برای سر در آوردن از چیزها وقت ندارند. همه چیز را همین جور حاضر آماده از دکان ها می خرند. اما چون دکانی نیست که دوست معامله کند آدم ها مانده اند بی دوست... تو اگر دوست می خواهی خب منو اهلی کن»

و در ادامه روایه راز دانایی انسان را آشکار می کند: «جز با دل هیچی را چنان که باید نمی شود دید. نهاد و گوهر را چشم سَر نمی بیند.» «مسافر کوچولو» کتابی است هم برای کودکان و هم بزرگسالان. بیشتر منتقدان بر این باورند که مسافر کوچولو معنایی فلسفی و سمبولیک دارد. همزمان با پایان جنگ دوم جهانی، مسافر کوچولو به بیشتر زبان های اروپایی ترجمه و در نیمه ی دوم سده ی بیستم در تمام دنیا شناخته شده و به ۱۰۲ زبان دنیا ترجمه شده بود. شاهکار سنت آگروپری «مسافر کوچولو» در سال ۱۹۴۳ منتشر شد. او نوشتن «مسافر کوچولو» را از سال ۱۹۴۱ آغاز کرد و با برگ و مداد آن را تصویرگری کرد. این اثر یکی از مهمترین آثار او به شمار می رود که در سده ی بیستم میلادی در رده سومین کتاب پرخواننده ی جهان قرار گرفت.

آنتوان دو سنت آگروپری، خلبان و نویسنده ی «مسافر کوچولو» در ۲۱ ژوئیه ۱۹۴۴ برای پرواز اکتشافی بر فراز فرانسه از جزیره ی کرس در دریای مدیترانه به پرواز در آمد و پس از آن برای همیشه ناپدید شد. در اواخر سده ی بیستم لاشه هواپیمای او را پیدا کردند.

«مسافر کوچولو» برای اولین بار در افغانستان منتشر می شود.

اعلامیه جهانی حقوق بشر برای کودکان و نوجوانان

گردآوری، ویرایش و انتشار: بنیاد آرمان شهر

طرح جلد: روح الامین امینی

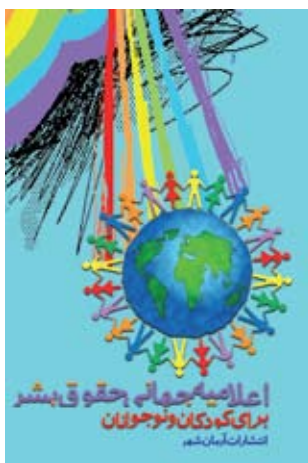
برگ آرای: کبیراحمد نشاط

۶۳ صفحه - قطع جیبی

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ اول: ۱۳۹۰ خورشیدی

«اعلامیه جهانی حقوق



بشر برای کودکان و نوجوانان» در قالب یک کتاب مصور و تمام رنگی برای اولین بار در افغانستان منتشر شده است. در این کتاب، ماده های اعلامیه جهانی حقوق بشر به زبان ساده همراه با نقاشی های مناسب بیان شده اند.

ماده اول این اعلامیه در این کتاب این گونه آمده است: «کودکان

آزاد به دنیا می آیند و با همه آنها باید یکسان

رفتار کرد. آنها از عقل و وجدان برخوردارند و باید با یک دیگر مثل خواهر و برادر رفتار کنند.»

اعلامیه جهانی حقوق بشر یک پیمان بین المللی است که در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب رسیده و شامل ۳۰ ماده است که به تشریح دیدگاه این سازمان در مورد حقوق بشر می پردازد. مفاد این اعلامیه حقوق بنیادی مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی ای را که تمامی انبای بشر در هر کشوری باید از آن برخوردار باشند، مشخص کرده است.

قبل از او به آن دچار بودند.

مجیب مهرداد در مقاله شعر رستم وهاب نیا و گرایش های دینی-عرفانی در شعر تاجیکستان به ظهور گرایش های دینی در شعر تاجیکستان پس از استقلال اشاره می کند.

در آخرین مقاله این کتاب نیز با عنوان شعر جوان تاجیکستان، بایست های کلاسیک و تقلاهای نوجوانانه، مجیب مهرداد با مرور تفاوت های شعر جوان تاجیکستان با نسل های پیشین، به جز مواردی اندک آن را یک عقب گرد می داند که مبهوت خط و خال معشوق به شیوه حافظ و سعدی و خواجو می شود.

زیر و بم

موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس

نویسنده و پژوهشگر: وحید قاسمی

عکاس: بدخشان ظریف زاهد، هرات رفیع بهروزیان

ویرایش و انتشار: بنیاد آرمان شهر

طرح جلد و برگ آرای: روح الامین امینی

۱۱۸ صفحه - قطع پالتویی

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ اول: ۱۳۹۰

خورشیدی

«زیر و بم موسیقی

اصیل بدخشان، هرات

و بادغیس» کاری است

ارزشمند که در پهنه

موسیقی محلی افغانستان

صورت گرفته و حاصل

پژوهش های ده ساله

هنرمند پرآوازه افغانستان

وحید قاسمی است.

او در بخش اول این

کتاب به موسیقی اصیل

بدخشان در دو حوزه

هنری موسیقی پامیری و

تخاری پرداخته و سبک

ها و آثار موسیقایی هر

دو حوزه را معرفی کرده است. سپس سرودهای فولکلور که در مناسبت

های ویژه خوانده می شوند و در ادامه آلات موسیقی و هنرمندان هر

حوزه معرفی شده اند. در این بخش افسانه معروف کوراوغلی نیز آمده

است.

در بخش بعدی با مرور تاریخ و گذشته موسیقی این سرزمین، موسیقی

محلی هرات به عنوان یکی از شهرهای تاثیرگذار و بستر پرورش

استعدادهای مورد پژوهش قرار گرفته است. فرم ها، پرده ها و مقام های

موسیقی معرفی و بازخوانی شده اند. در ادامه آلات موسیقی، نغمه های

معروف، سبک های موسیقی و هنرمندان این هنر اصیل معرفی شده اند.

بخش پایانی این کتاب، موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس را به

روایت تصویر بازگو می کند.

این کتاب مصور و رنگی شده است.

مسافر کوچولو

آنتوان دوست آگروپری

برگردان: احمد شاملو

طرح جلد و برگ آرای: روح الامین امینی

۸۵ صفحه - تمام رنگی

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

چاپ اول: ۱۳۹۰ خورشیدی

شهریار کوچولو کودکی است که از سیاره دیگری در پی یافتن دوست همزبانی به زمین آمده است. از نظر او رفتار آدم بزرگها عجیب است. برای او عجیب است که آدم بزرگ ها درگیر مسائل سطحی و ظاهری مثل عدد و رقم شده اند و جنگ میان گل ها و بره ها که کروورها سال است ادامه دارد، برایشان اهمیتی ندارد. او که می خواهد از همه چیز سر در آورد در گفتگویش با روباه پی می برد که راز سر در آوردن از چیزها اهلی کردن آنهاست:

«روبه گفت: آدم فقط از چیزهایی که اهلی کند می تواند سر در آورد.

ادامه از صفحه ۱۵

کتاب های تازه...

صحبت می کند. دوره اول از سال ۱۹۳۰ میلادی تا ۱۹۶۰، شعر تاجیکستان ایدئولوژیک و در خدمت حزب حاکم، کمونیست، است. دوره دوم از ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۵ را در برمی گیرد که دوره تحول و نوگرایی و یا دوران بیداری فکری در ادبیات تاجیکستان و ظهور شاعرانی بزرگ همچون مومن قیامت، بازار صابر و لایق شیرعلی است. در این دوره توجه به مساله زبان، فرهنگ ملی، احیای سنت و ارزش های ملی مطرح می شود. دوره سوم، بعد از تصویب زبان فارسی- تاجیکی به عنوان زبان رسمی و دولتی تا به امروز را در بر می گیرد. اگرچه خط سیرلیک میان فارسی زبانان تاجیکستان با ایران و افغانستان فاصله انداخته است اما بهره مندی از اینترنت شاعران این حوزه را با هم دیگر بیشتر آشنا نموده و در تحول شعر تاجیکستان موثر افتاده است.

مقاله روند شکل ادبیات شوروی در تاجیکستان از بهروز ذبیح الله، تاثیر انقلاب بلشویکی در شعر و ادبیات تاجیکستان را مورد مطالعه قرار داده و با اشاره به فرار روشنفکران و ادیبان به سایر بلاد به دلیل خفقان و ایجاد اتفاق نویسندگان در هدف ترویج ادبیات کارگری و تبلیغ ایدئولوژی حزب کمونیست، تلاش نموده تا نمرخی از وضعیت ادبیات ایدئولوژی زده تاجیکستان در آن سالها ارائه دهد.

مقاله مفهوم نوگرایی در ادبیات شوروی تاجیک از بهروز ذبیح الله، از منظری دیگر به نفوذ سیاست های شوروی در ادبیات و فرهنگ اشاره می کند و اینکه چگونه حزب کمونیست شوروی نه تنها در تغییر محتوا بلکه حتی در تغییر قالب های شعری مانند قصیده و غزل نیز ادبا و شعرا را تحت فشار قرار می داد. به باور نویسنده، نوگرایی ادبی در این دوران تنها وارد شدن مفاهیم و اصطلاحات انقلابی و ایدئولوژیک در شعر بوده است.

شعرهای عاشقانه نسل کومسومول در تاجیکستان از بهروز ذبیح الله، به بررسی اشعارعاشقانه شاعران سالهای دهه سوم قرن بیستم تا سالهای ۱۹۶۰ میلادی می پردازد. در این مقاله تاثیر ایدئولوژی کمونیستی و سیاست حاکم بر ادبیات عاشقانه بررسی شده است. نگرش ایدئولوژیک شاعران این نسل حتی در موضوع عشق، اشعار عاشقانه آنها را خالی از عاطفه های صمیمی و طبیعی بار آورده و آنها با ادعای تفاوت قائل شدن میان شعرشان با شعر گذشتگان دست به ابتکارات به اصطلاح نوگرایانه ای زده اند که نتیجه اش از نظر ادبی و هنری چندان خوشایند نیست.

در مقاله از شعر بومی گرا تا شعر بومی، مجیب مهرداد به تفاوت های شعر بومی با شعر بومی گرا پرداخته است. شعربومی، شعری است اصیل که در آن جلوه های زندگی روستایی خود را نشان می دهد. در حالی که در شعر بومی گرا، شاعر ته مانده های زندگی روستایی را همچون خاطره ای گرامی و دور دست دوست دارد و گاهی که از خشونت زندگی شهری به ستوه می آید، فریاد برگشت به روستا را سر می دهد.

مقاله مومن قناعت، نیمای فراودان از مجیب مهرداد است و به زندگی و شعر «مومن قناعت» به عنوان آغازگر نهضت ادبی می پردازد که با همراهی بازار صابر و لایق شیرعلی این نهضت فراگیر گشته و به کمال رسیده است.

بازار صابر، شاعر ملی تاجیکستان از مجیب مهرداد، به تفاوت های شعر بازار صابر، از پایه گذاران نهضت ادبی، با دیگران پرداخته و اشاره کرده است که شاعران دیگر وقتی از وطن حرف می زند گوشه چشمی هم به کشور شوراها دارند اما بازار صابر خواسته است تا با شعرش مرزهای راستین سرزمینش را در اوان بیگانگی ها برای تاجیکان ترسیم کند.

در زندگی و شعر لایق شیر علی، مجیب مهرداد، نویسنده شعر لایق را شعری محتوا گرا معرفی کرده است که در عین حال که لبریز از عشق به تاجیکستان و دردهای تاریخی مردمش است، خالی از دغدغه های فردی و اندیشه های فلسفی نیز نیست.

در مقاله پژواک حرمان و اندوه در شعر گل رخسار صفی آوا، از برجسته ترین شاعران زن تاجیکستان، مجیب مهرداد ویژگی شعر او را دایره وسیع واژگان، تنوع درونمایه های شعر، اسلوب و ساخت زیبا، و برخورداری از پشتوانه غنی فرهنگی برمی شمرد. نویسنده در این مقاله به شعر زنانه و تفاوت های آن با شعر مردانه به ویژه در ساخت غزل و شعر عاشقانه نیز پرداخته است.

عسکر حکیم، شاعر ساختارگرا مقاله ای از مجیب مهرداد است که شعر او را به لحاظ زبانی و کاربرد وزن و قوافی سالم ترین شعر می داند. زبان او نزدیک به زبان معیار و عاری از کلمات سنگین است. نکته قابل توجه در شعر حکیم دوری او از شعارزدگی مزمن و سیاست است که شاعران

وحید قاسمی بر سکوی پاسداری از موسیقی اصیل



کنسرت زیر و بم «در پاسداشت فرهنگ اصیل این مرز و بوم» یک کنسرت استثنایی بود به این دلیل که سراغی از سرخوشی محض را نمی شد در آن گرفت. وحید قاسمی با وصف وجود تمام ترانه های عاشقانه اش که مهم ترین جوهر انسانی این سرزمین است در واقع در قالب آهنگ هایش ناله می کرد وقتی درآمد آهنگ های کنسرت زیر و بم این ترانه تلخ بود:

آفتاب آینه ماست اگر بگذارند/صبح پشت در فرداست اگر بگذارند/تا به کی داغ سکوت لب مردم باقی است؟

فصل جوشیدن «غوغا»ست اگر بگذارند/زاده ی شهر سیه موی و جلالی هستیم/«عاشقی» باب دل ماست اگر بگذارند

وحید قاسمی این آهنگ را اجرا کرد و با ناله اجرا کرد و چند آهنگ بعد وقتی به این ترانه رسید دل مخاطبین را لرزاند:

قسمت تنگ و دلم طوفانیست/ابرها در بدمن زندانیست/نیست چتری که پناهم باشد/آسمان بارانیست، آسمان بارانیست

استقبال مخاطبین از همه این آهنگ ها و از ترانه هایی که یک بار دیگر پستوهای هزار توی دل های غمگین شان را غبار رویی کرد نشان از دلنگی مردم سرزمینی داشت که آوای دلپذیر نی، تنبور، تبله و هارمونی از آن ها گرفته شده و به جایش صدای گلوله و انفجار باروت به آن ها هدیه شده است.

در این برنامه ۹ آهنگ توسط جناب قاسمی با همراهی آقای زلی پکتا (نی نواز)، آقای میر افغان حمیدی (تنبورنواز) و آقای میرویس کاظمی (طلبه نواز) اجرا شد.

اما «زیر و بم» بخش مهم تری نیز داشت. معرفی و توزیع کتاب زیر و بم (پژوهشی در گستره موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس) که به همت قلم و قدم وحید قاسمی گرد آمده بود و توسط انتشارات آرمان شهر در اختیار علاقه مندان فرهنگ اصیل این مرز و بوم گرفت.

بخش اول این کتاب به معرفی موسیقی بدخشان، سازهای آن، هنرمندان و ترانه هایی که به مناسبت های خاص خوانده می شود اختصاص یافته و بخش دوم آن نگاهی دارد به موسیقی اصیل هرات و بادغیس. این بخش با مراجعه به منابعی مانند بهجت الروح اثر عبدالمومن ابن صفی الدین و رساله موسیقی اثر مولانا بنایی هروی نگاهی به پیشینه موسیقی خراسانی دارد و سپس سازهای رایج در هرات و بادغیس، هنرمندان این خطه و ترانه های مشهور و اصیل هراتی و بادغیسی را معرفی می کند. و آخرین بخش کتاب تصاویر هنرمندان بدخشان، تخار، هرات و بادغیس را در خود جای داده است.

این برنامه با درآمد مثنوی معنوی حضرت مولانا آغاز شده بود و با غزلی از دیوان شمس به پایان رسید:

نگفتمت مرو آن جا که آشنات منم/در این سراب فنا چشمه حیات منم...

هشتاد و سومین جلسه گفتگو پلی میان نخبگان و شهروندان بنیاد آرمان شهر (سال ششم)، به مناسبت گرامی داشت پانزده سالگی آرمان شهر/ open asia، با صدای استاد وحید قاسمی، آواز خوان، آهنگ ساز، نوازنده و پژوهشگر عرصه موسیقی روز پنج شنبه پنجم عقرب ۱۳۹۰ در تالار انستیتوت فرهنگی فرانسه در کابل برگزار شد.

کنسرت زیر و بم و معرفی کتاب زیر و بم (پژوهشی در گستره موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس) با حضور بیش از ۴۰۰ تن از فرهنگیان، اهل قلم، اهل موسیقی، دانشگاهیان و مقامات دولتی یک برنامه استثنایی بود که در پاسداشت فرهنگ اصیل این مرز و بوم عده ای از نخبگان این سرزمین را گرد هم آورده بود.

این برنامه با درآمد مثنوی معنوی حضرت مولانا آغاز شد:

بشنو از نی چون حکایت می کند/از جدایی ها شکایت می کند/کز نیستان تا مرا ببریده اند/از نغمه مرد و زن نالیده اند

سینه خواهم شرحه شرحه از فراق/تا بگویم شرح درد اشتیاق/هر کسی کو دور ماند از اصل خویش/بازجوید روزگار وصل خویش...

ما باور داریم بدون مراجعه به اصالت های فرهنگی نمی توان مشکلات این سرزمین را حل کرد. بر همین مناسبت که بنیاد آرمان شهر در طول نزدیک به شش سالی که در کابل و هرات فعالیت می کند همواره یکی از مهم ترین زمینه های کارش را فرهنگ قرار داده است.

اولین جلسه گفتگوی پلی میان نخبگان و شهروندان حدود شش سال پیش در کابل با سوژه ای فرهنگی برگزار شد، همچنان که سوژه اولین جلسه گفتگوی آرمان شهر در شهر هرات با عنوان «زنان صلح را می سرایند» سوژه ای فرهنگی بود و در طول این سال ها در میانه دیگر فعالیت های اجتماعی آرمان شهر از گذاشتن جشنواره ادبی گرفته تا جلسات هفته وار شعر خوانی، جلسات کتابخوانی، نمایش و ساخت فیلم، تئاتر، کنسرت موسیقی و چاپ کتاب هایی در زمینه های فرهنگی را می توان سراغ گرفت.

ما امروز در سرزمینی گلوله می خوریم و مورد هجوم تعصب و تحجر قرار می گیریم که روزگاری خون شعر و موسیقی در رگ رگش جریان داشت، سرزمین مولانای بزرگ:

خشک مغزی و تعصب خامی است/تا جینی کار خون آشامی است

سرزمین بزرگانی که تفکر و اندیشه را با سلوک و معنویت در آمیختند و از اصالت بشر حرف زدند:

ای برادر تو همین اندیشه ای/ما بقی خود استخوان و ریشه ای

ما می خواهیم بگویم در سرزمین مولانا نامش مانده و اندیشه اش به باد فراموشی سپرده شده؛ می خواهیم بگویم ما روزگاری بزرگترین محمل های تفکر بشری را داشتیم و امروز مردمی هستیم که در آشوب و خشتن نفس می کشیم و با هزار و یک درد و رنج دست و پنجه نرم می کنیم. ما باید بدانیم چگونه می شود از سبتر فکری بزرگانی مانند رودکی، مولانا، حافظ و سعدی، بیدل و انصاری، سنایی و جامی امروز به قول استاد لطیف ناظمی «مردان ریش و دشنه و دستار با تفنگ» برخیزند و به ریش تمام داشته های این سرزمین بختند، کتابخانه ها را به آتش بکشند و نوای نی و صدای دوتار و نغمه دف و تنبور را به گور بسپارند و رعد گلوله و غرش بمب را جای گرین آن ها کنند.

اگر موسیقی باید بمیرد/اگر عشق کار شیطان است/اگر بدنت را زندانی برای خود ساخته ای/اگر تنها شلاق است که می دانی چگونه فروشد آری/اگر نگاهت تیره و ابر آلود است/چگونه می توانی آفتاب را در خانه ات دوست بداری

۳۰ مرغ در ۴۰ جلسه شعر



نقد سیمرغ عنوان جلسه شعری است که روزهای دوشنبه هر هفته در دفتر بنیاد آرمان شهر هرات برگزار می شود. این جلسات با آغاز بهار امسال راه اندازی شد و تا به حال حدود ۴۰ جلسه از این سلسله برگزار شده است.

برگزاری جلسات شعر و نقد شعر به خصوص در طول ده سال گذشته در افغانستان رونقی پیدا کرده است، رونقی که به این شکل و شیوه و در این سال ها در ولایت هایی مانند هرات، بلخ، کابل و... دیده می شود.

در هرات در طول این سال ها جلسه هایی مانند جلسات کانون جوانان انجمن ادبی هرات، یکی دو جلسه انجمن ادبی هرات، جلسات خانه ادبیات جوان، جلسات انجمن ادبی ناظم هروی، جلسات منزل مرحوم استاد تابش، جلسات انجمن قلم هرات، جلسات کانون فرهنگی اجتماعی نواندیشان و جلسات دیگری از این دست گاهی به شکل منسجم تر و پی گیر تر و گاهی به شکل پراکنده و در مقاطعی برگزار شده و می شود.

البته هیچ کدام این جلسات خالی از حاشیه های معمول و نقد و نظریات دوستان اهل شعر و ادبیات نبوده است و هر کدام این جلسات طرفداران و منتقدین خاص خودشان را داشته اند که ناشی از تفاوت سلیقه های ادبی بوده است. و البته در این بین عده ای نیز بودند که با توجه به نقد و نظریات شان به هیچ کدام این جلسات دل بستگی خاصی نداشتند و هنوز هم ندارند.

بعضی از این جلسات برخاسته از نگاهی آوانگارد و متفاوت به شعر و ادبیات و در یک کلیت هنر بود؛ حتی گاهی صحبت از پیروی از فلسفه ای خاص نیز در آن ها مطرح می شد. در چنین فضاها که گاهی دوستانی که با دل بستگی به سوی ادبیات کلاسیک نگاه می کردند رنجیده خاطر می شدند و جایی برای خود در چنین جمعی نمی یافتند و بعضی از این جلسات نیز که آمیخته با نگاهی به شدت کلاسیک بود عملاً نمی توانست جایگاهی برای مجموعه های خود و بزرگ دیگر داشته باشد.

البته همین تفاوت نظرها و سلیقه ها بود که بعضی از جلسه ها را قربانی خود ساخت و امروز از تعدادی از آن ها فقط نامی باقی مانده است و یکی دو جلسه را نیز به جایی رساند که دیگر نتوانستند زمینه ی حضور تعدادی از اهالی شعر و ادبیات را در خود داشته باشند.

اگر خواسته باشیم وضعیت ادبیات هرات را در طول ده سال گذشته با نظری گذرا در چند جمله بیان کنیم، آن اتفاقاتی که در نیمه اول این دهه صورت گرفت و افتاد و تعداد جوانانی که به این جمع پیوستند چه از نگاه

کمیت و چه از نگاه کیفیت آثار اگر به شکل یک روند در می آمد و تا امروز ادامه پیدا می کرد نه تنها امروز وضعیت شعر و ادبیات در هرات که در کل افغانستان با دگرگونی چشم گیر تری مواجه می شد. اما این اتفاق به صورت بایسته و شایسته آن نیافتاد، هر چند که همان نیمه اول این دهه توانست تاثیر شگرفی را بر سلیقه ادبی و زمینه سازی پذیرش نگاه های متفاوت تر به ادبیات را نه تنها در هرات که در افغانستان فراهم سازد و قسمتی از وضعیتی که امروز در زمینه شعر و ادبیات در گوشه و کناره های افغانستان شاهد آن هستیم محصول همین پنج شش سال است.

اما در عدم تداوم این وضعیت رکود نهادهای و انجمن های ادبی و عدم موجودیت سازماندهی و شناخت دقیق از شرایط ادبی امروز نقش زیادی را بازی کرد.

در همین بحبوحه بود که عده ای از جوانان به فکر راه اندازی جلسه دیگری در هرات افتادند و حتی عده ای بعد از پنج شش سال غیاب در جلسات ادبی یک بار دیگر بر گرد یک میز برای طرح آرا و نظریات شان نشستند و به امید آوردن تغییر در وضعیت فعلی جلسه «نقد سیمرغ» کلید خورد.

در این جلسه عده ای گرد هم آمدند که در دیگر نهادهای و مجامع ادبی به دلیل تفاوت سلیقه های زیاد کمتر می توانیم آن ها را بدون تنش گرد هم ببینیم و همین مسأله باعث ایجاد نوعی انرژی شد که این جلسه تا امروز ادامه پیدا کرده است.

رویکرد این جلسه از همان آغاز بر پذیرفتن این تفاوت سلیقه ها و گفتگوی آنها با هم بود نه سرکوب هیچ کدام شان. طوری که حتی بنر «نقد سیمرغ» در یک سوی خود یکی از نقاشی های اندی وارهول هنرمند، نویسنده، و فیلم ساز آوانگارد آمریکایی را دارد و در سوی دیگر نقاشی ای از کمال الدین بهزاد هروی، بزرگترین و مشهور ترین نقاش تاریخ مشترک فارسی زبانان، به چشم می خورد که البته این تفاوت را در بین اعضا و شرکت کنندگان این جلسه و مباحث مطروحه در آن نیز می توان به وضوح مشاهده کرد.

در این چند ماه برعلاوه جلسه های هفته وار و مستمر «نقد سیمرغ» در بنیاد آرمان شهر – هرات، شاهد برگزاری جلسات مفصل تری با مدیریت آرمان شهر و همت گروه نقد سیمرغ نیز بوده ایم که از آن جمله می توان به دو جلسه اخیر «ادبیات شرارت» و «علیه فراموشی» با نمایش فیلم فارتهایت ۵۱ اثر فرانسوا تروفو از پیشروان جریان موسوم به موج نو در سینمای فرانسه اشاره کرد. در اولین برنامه وضعیت ادبیات موسوم به پست مدرن در افغانستان با خواش شعرهای شمس جعفری به بررسی گرفته شد و در برنامه دوم ضمن طرح مباحثی در مورد حافظه جمعی، فیلم فارتهایت ۵۱ به نمایش گذاشته شد.

این جلسه همچنان روزهای دوشنبه هر هفته از ساعت دو و نیم بعد از ظهر در دفتر بنیاد آرمان شهر در هرات برگزار می شود و دروازه آن به روی علاقه مندان باز است.

شاعری با قدرت خستگی

اسماعیل سراب

الیاس علوی در شعر امروز افغانستان چهره ای آشناست. الیاس با اولین مجموعه اش «من گرگ خیالبافی هستم» که در سال ۱۳۸۶ در ایران توسط نشر آهنگ دیگر چاپ شد شروع خوبی داشت و در همین اواخر هم مجموعه «بعضی زخم ها» از او در کابل و توسط نشر تاک به چاپ رسیده است. علوی جایزه هایی هم گرفته: برنده ی سومین دوره جایزه شعر خبرنگاران در ایران و برنده ی سومین دوره قند پارسی. او روز دوشنبه ۷/۱۰/۹۰ مهمان نقد سیمرغ بود؛ جلسه ی شعری که هر دوشنبه در دفتر بنیاد آرمان شهر در هرات برگزار می شود. وقتی داخل شد نمی شد گفت که این الیاس علوی ست. البته این برای آن هایی بود که او را تا بحال ندیده بودند و این اولین آشنایی شان بود. الیاس پرت آمد. از چیز ارزشمندی پرت نبود، او از روشنفکری افغانی پرت بود. در تمام قیافه اش نشانی از اعلان چیزی که به رخ بکشد نبود. نمی توانم این را به پای تواضع اش بگذارم. چون شاید به آن اعتقادی نداشته باشد و در ضمن این که در خودش و آثارش فعلن به اندازه ی کافی جا برای حمله هست که فعلن اینچنین بسنده نکند.

دوستانی که آمده بودند یکی یکی خودشان را معرفی کردند و بعد هم الیاس خودش را معرفی کرد و کمی حرف زد. می خواستیم اول او شروع کند. شعر بخواند و از خودش و نظرات اش حرف بزند. ولی او گفت من آمده ام که بیشتر شنونده باشم. و این که شما شعر بخوانید تا من حس، انرژی... دقیقاً یادم نیست... بگیرم. ما هم ابتدا از رامین عرب نژاد خواستیم برایش شعر بخواند و او هم خواند. بعد اسماعیل سراب، فریبا حیدری، شعیب امیری، اسدالله یوسفی، مصطفی ندیم، محمد علی بیداد و بقیه دوستان شعر خواندند.

دوباره به الیاس برگشتیم و از او خواستیم حرف بزند. درباره ی فضای ادبی افغانستان بطور کلی، بطور حوزه ای... کلن حرف بزند و نظر بدهد. او از نقد صرف نظر کرد. شاید هم گریخت، آدم چه می داند؟! خلاصه بیشتر از خودش و حال و احوالش گفت. معرفی مختصری از خود داشت و بعد از غربت گفت و از این که در استرالیا (محل اقامت اش) امکان چنین ارتباط های فرهنگی و ادبی کم است و او بیشتر برای گرفتن حس و انرژی به افغانستان آمده است. بعد از فعالیت های ادبی و نشست ها و برنامه های ناچیزی که در استرالیا داشته گفت. بعد هم گفت که چند روزی در هرات می ماند و عازم کابل خواهد بود. در ادامه از مجموعه جدیدش «بعضی زخم ها» سه شعر خواند. شعرهایی خسته، نه اینکه برای سروده شدن خسته باشند؛ خسته از تنهایی، خسته از ارتباط های ناچیزی که هر آن امکان نابودی شان احساس می شود. الیاس آن روز آدم عجیبی بود. خواهشمندم عجیب را بزرگ و نابغه و... و یا ناچیز و ضعیف و... معنا نکنید. الیاس فقط عجیب بود؛ مانند سه شعری که خواند و چقدر این شعرها با شعرهای «من گرگ خیالبافی هستم» فرق داشت! باز هم خواهش می کنم این توصیف را دلیل قوت و ضعف این شعرهایش معنا نکنید. شاعری که روزی چنین سروده بود:

ما می میریم

تا عکاس "تایمز" جایزه بگیرد.

حالا خستگی عمیقی را برای ما می سرود. سرانجام حرف ها و شعرهای الیاس علوی هم تمام شد و ما هم جلسه را غیر رسمی اعلان کردیم. همین.



روح الامین امینی

ما می میریم/ تا شاعران بیمار شعر بگویند/ ما می میریم بازی قشنگی ست/ وقتی مادر پوتین افسر جوان را لیس می زند/ و روزنامه ها هی عکس پدر را می نویسند/ کنار آدم های مهم/ هر شب هزار بار عروس می شود/ و خواهرم هزار بار جینج می زند/ هزار بار بازی قشنگی ست/ کارگران ساعت یازده احساساتی می شوند/ فردا همه به خیابان می/ ریز/ ریز/ می کنند پارچه های رنگی را/ آواز می خوانند/ می رقصند/ والته شعار می دهند/ ما می میریم تا عکاس «تایمز» جایزه بگیرد!

الیاس علوی را پیش از چاپ مجموعه من گرگ خیالبافی هستم با این شعر می شناختم: «ما می میریم تا عکاس تایمز جایزه بگیرد». مجموعه شعرهایش با عنوان «من گرگ خیالبافی هستم» چاپ شد. در این مجموعه شاعری درگیر جنگ، عشق و مهاجرت نفس می زد؛ شاید همان داستان عشق و نفرت قدیمی که عشق در آن با همان لایه های شخصی و حتی شخصی ترش باقی مانده بود اما نفرت تبدیل شده بود به نفرتی تعمیم یافته، نفرتی موازی از اسلحه و دلار.

و حالا با مجموعه «بعضی زخم ها» هم الیاس را می شناسم که گاهی در فرا رود است، گاهی در بلخ است، گاهی در کاشغر است، گاهی در ملبورن است، گاهی در سفید سنگ است، گاهی در آژه است، گاهی در مشهد است، گاهی در آدلاید است، گاهی در دایکندی است... ولی حدس شما درست نیست او مارکوپولو نیست؛ او جهانگرد بزرگی نیست، حتی او جهانگرد کوچکی هم نیست. الیاس یک مهاجر است؛ یک مهاجر بچه افغانی در همه جاهای جهان. او بعضی زخم هایش یادگار سفید سنگ است، بعضی زخم هایش یادگار ملبورن. مهاجر را فرهنگ های لغت این گونه معنی می کنند: «کسی که از جایی به جایی رود و از زمینی به زمینی رود و هجرت کند». الیاس به همین معنای ساده مهاجر است. او خانه اش را روی دوشش ساخته وقتی بگویند برو می رود؛ وقتی بگویند بمان می ماند. ولی با همه این ها هشدار می دهد به هفتاد نسل بعد از خود و پیش از خود هشدار می دهد به مولانا هشدار می دهد: بمان! با این که خودش هیچ وقت نمانده است:

مولانا در بلخ بمان/ هوای شیراز مکن/ سایه های لاغر ناچوها/ حمله های انتحاری/ به گرسنگی قناعت کن/ زمانه فرق می کند/ حافظ از هفت خط گذشته/ سعدی گلستانی دارد/ پریار تر از "باغ بالا" بزرگ تر از بارگاه سلطان محمود/ زیبا تر از "مسجد شاه دو شمشیره" و تنها پاکان می توانند وارد شوند/ اما تو سل داری/ بیگانه ای/ و بیچارگی از انگشتانت می چکد/ به "تلّ سیاه" می برند/ تا موهای سفید شود/ و خرچنگ ها گردنت رابوسند/ انسانت آرزوست؟/ بر ما چه گذشته است/ که چنین شدیم/ آیا چنگیزی باید/ از سمرقند تا قندهار/ از بلخ تا شیراز را بتازد/ و آن گاه/ همه به یک درد بگیریم.

این شعر شانه به شانه حقیقتی تلخ راه می رود؛ اصلاً می تواند شعر نباشد و شاعرانگی الیاس را این جا می توان کشف کرد. در شعر های الیاس مرز بین خیال و واقعیت مرز باریکی است؛ مرز ظریفی است. مانند مرز میان شعر و ناشر. اما شعرهای الیاس شعر اند با تمام لایه های سیاسی شان با تمام درد های اجتماعی شان او برجی ست در نقطه صفر خیال و واقعیت که به هر دو سو چشم انداز دارد.

در شعر الیاس زبان به سادگی کلماتی ست که با نزدیک ترین دوست مان حرف بزنیم، بدون هیچ تکلفی اما جاری و آرام است به نرمی بستریست که قایقران قایقش را بر آن می راند:

به پوچی این هتل ها/ کافه ها/ ساحل ها/ اگر تو نبودی/ اگر تو نباشی/ دریا غرق می شود/ در رگ هایم.

این مجموعه در کنار شعرها طرح هایی را هم از شاعر به همراه دارد در واقع زخم هایی که به زبانی دیگر بیان شده اند اما همان روح شعرهای مجموعه در آن ها نیز جریان دارد.

بعضی زخم ها

الیاس علوی

ویراستار: محمد حسین محمدی

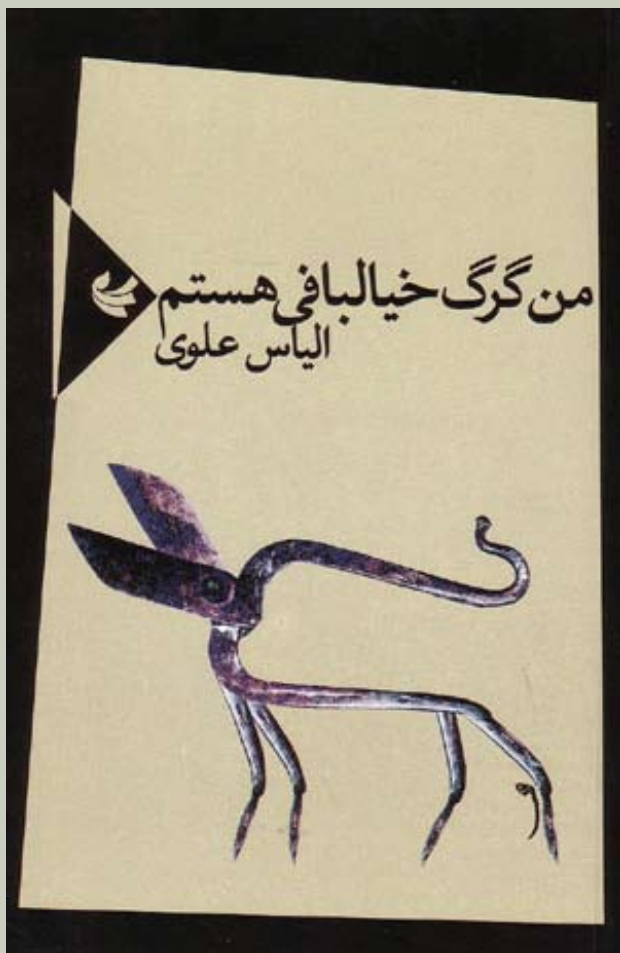
طرح جلد: الیاس علوی، عکاسی از طرح ها: اسماعیل علی زاده

صفحه آرای: حسین سینا

ناشر: انتشارات تاک

چاپ اول: کابل، تابستان ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه؛ ۱۴۰ افغانی



داستان جدای از نادر و سیمین

روح الامین امنی

فیلم «جدایی نادر از سیمین» جدای از جامعه‌ای که در آن نفس می‌کشد نیست. «جدایی نادر از سیمین» در واقع جدال نادر و سیمین، جدال نادر و سیمین و ترمه، جدال راضیه و حجت، جدال دو طبقه اجتماعی و بالاخره جدال سنت و مدرنیته است در جامعه‌ای میانه. مرور کوتاهی بر داستان این فیلم نشان می‌دهد که سوژه خارق العاده و خلاف عادت در آن نیست. فقط داستان دو خانواده است از دو گوشه‌ی شهر که بر اثر اتفاقی با هم در می‌افتند.

داستان فیلم

سیمین (لیلا حاتمی) زمینه‌ای را ایجاد کرده تا به همراه شوهرش نادر (پیمان معادی) و دخترش ترمه (سارینا فرهادی) برای زندگی به خارج از کشور بروند و در این میان نادر نمی‌خواهد تن به این سفر بدهد. چون پدر پیری دارد که به مرض آلزایمر دچار است. از آن جایی که سیمین نمی‌خواهد این موقعیت را از دست بدهد کار آن‌ها به دادگاه می‌کشد و حرف طلاق به میان می‌آید. دلایل سیمین برای قاضی کافی نیست و تقاضای طلاق رد می‌شود. اما جدایی نادر از سیمین اتفاقی نیست که با حکم قاضی صورت نپذیرد. ترمه بنابراین که نمی‌خواهد پدر و مادرش از هم جدا شوند ترجیح می‌دهد نزد پدر بماند به این امید که بتواند این زندگی را سر پا نگه دارد.

در یک سوی دیگر نادر می‌ماند و پدر پیر و مریضی که مجبور است برای مراقبت از او مستخدمی به نام مرضیه را به خانه بیاورد و از این جاست که فیلم با دو شاخه در هم تنیده صورت دیگری را به خود می‌گیرد...

دو فیلم

جدایی نادر از سیمین یک فیلم اجتماعی است. اما در دو سوی خود ناگزیر از طرح مسایل سیاسی و فرهنگی نیز هست که البته گریز کارگردان از پرداختن راحت به این دو مسأله را به گونه‌ای که مسایل اجتماعی فیلم مطرح شده نباید از نظر انداخت. خود این رویکرد در لایه‌های درونی تر، فیلم را بیش از آنی که در نظر اول به چشم می‌خورد سیاسی کرده است. این فیلم جدای از تمام مسایلی که به آن‌ها پرداخته ناگفته‌های زیادی هم دارد و کارگردان با همین گریز برهنه از طرح این مسایل در واقع کلیدی را به دست مخاطب خاص تر می‌دهد که پشت دروازه اش سینمای دیگریست با فیلمی دیگر و مخاطبین کمتری از جنسی دیگر. در واقع «جدایی نادر از سیمین» دو فیلم است یکی همان فیلمی که پیمان معادی، لیلا حاتمی، ساره بیات، شهاب حسینی، سارینا فرهادی و دیگران در آن بازی می‌کنند و این فیلم، فیلمی کاملاً اجتماعی است و دیگری فیلمی که اصغر فرهادی و دایره کوچک تری از مخاطبین اش آن را خلق کرده اند از تمام نگفته‌ها و گریزهای مبرهن فیلم. این فیلم به شدت سیاسی است و به اقتضای فضای سیاسی حاکم بر ایران مباحث فرهنگی را نیز به همان قوت با خود دارد.

اولین تصویری که فیلم به نمایش می‌گذارد کار یک دستگاه فتوکپی است؛ شناسنامه فتوکپی می‌کند. اگر این سوال پیدا شود که چرا «جدایی نادر از سیمین» چنین شروعی دارد، پاسخ من این است که دستگاه فتوکپی نماد جامعه‌ای است که در آن تلاش سازمان یافته‌ای صورت می‌گیرد تا همه از هر جهت مانند هم باشند و یا هم اشاره به سرنوشت‌های مشابه دارد. طبیعتاً می‌توان تغییرهای دیگری هم از این شروع کرد یا حتی بی تفاوت از کنار آن گذشت. ولی به نظر من با توجه به ساخت فیلم، معقول ترین تعبیری که به ذهن مخاطب می‌رسد همین است. با پذیرفتن این تعبیر، فیلم در نخستین تصویرش کنشی سیاسی دارد اما به گونه‌ای که عامدانه پوشیده به نظر می‌رسد.

«چیزهایی که دارین می‌گین دلایل کافی برای طلاق نیست خانم!» اولین جمله‌ای که از این فیلم می‌شنویم همین جمله است از زبان قاضی. مخاطب نمی‌داند سیمین چه دلایلی آورده است. ولی او چند لحظه بعد خطاب به قاضی جمله‌ای را به زبان می‌آورد که یکی از کلیدهای ارجاع مخاطب به جنبه سیاسی و فرهنگی فیلم است: «من ترجیح می‌دم بچم تو این شرایط بزرگ نشه حاج آقا؛ به عنوان مادر این حقو دارم» و قاضی فی‌الغور با لحن آمرانه‌ای می‌پرسد: «چه شرایطی، چه شرایطی خانم؟» اما سیمین سکوت می‌کند. سکوت فیلم دقیقاً از همین جا شروع می‌شود. درست از اولین دقایق آن سیمین سکوت می‌کند آن‌هم در برابر پرسشی که تنها دلیل تقاضای طلاق او از نادر است با وصف این که در طول فیلم متوجه می‌شویم سیمین شوهرش را شخصی شریف، چشم‌پاک، خوب و سالم می‌داند.

در این فیلم نه سیمین «آن شرایط» را توضیح می‌دهد نه اصغر فرهادی اصراری برای این توضیح دارد. شاید این پرسش برای مخاطبی که ایران

امروز را نمی‌شناسد حتی تبدیل به گرهی بشود که تا پایان فیلم اگر اشاره‌ای هم به آن شده بسیار پوشیده است.

به نظر من این رویکرد با هوشمندی تمام در این فیلم انجام شده است. در طول حداقل ده پانزده سال اخیر در سینمای ایران شاهد فیلم‌هایی بوده‌ایم که نگاهی نقادانه به اوضاع سیاسی و فرهنگی این کشور داشتند. ولی چنین فیلم‌هایی غالباً مجبور بودند با همه‌ی گوشه و کنایه‌های شان در کلیت فیلم مجموعه‌ی فضای موجود را تأیید کنند. اما «جدایی نادر از سیمین» تن به این معامله نداده است و با هوشمندی به گونه‌ای در مورد جو حاکم سکوت کرده که مخاطب متوجه این سکوت بشود و از طریق چنین سکوتی ذهنش به سمت و سوی دیگری نیز کشیده می‌شود؛ سمت و سویی که احتمالاً کارگردان و عوامل فیلم می‌خواهند.

نه قهرمانی نه ضد قهرمانی

«جدایی نادر از سیمین» خلاف اکثر آثار سینمایی به خصوص فیلم‌هایی که در ایران ساخته می‌شود نسبت به کارکترهایی که مطرح کرده یک فیلم عادلانه و در عین حال قابل فهم است.

در این فیلم با شخصیت‌هایی از جنس پیرامون خود مواجه هستیم؛ آدم‌هایی با وجوه مختلف. هیچ کدام از شخصیت‌های این فیلم قهرمان نیستند. به همان گونه‌ای که در آن ردپای شخصیتی منفی را که در مقابل قهرمان قرار بگیرد نیز نمی‌بینیم. همه غرور و منافع دارند که نمی‌خواهند زیر پا کنند و حتی به خاطر آن‌ها حاضراند دروغ بگویند. در این فیلم تقریباً همه شخصیت‌ها دروغی دارند: نادر، سیمین، مرضیه، حجت، ترمه، اعظم (خواهر حجت)... در واقع دروغ مبنای جامعه‌ای شده که بر آن ایستاده اند که البته چنین فضایی نیز خاص جامعه ایران نیست و برای مخاطبین زیادی در گوشه و کنارهای دنیا می‌تواند ایجاد حس هم‌ذات‌پنداری کند.

از بین شخصیت‌هایی که در این فیلم بر آن‌ها تمرکز شده فقط دو نفر دروغ نمی‌گویند. یکی سمیه (دختر خورشید مرضیه) است و دیگری پدر پیر و مریض نادر که دچار آلزایمر است. شاید به این دلیل که یکی دروغ هایش را گفته و الکتش را آویخته و دیگری هنوز به خوبی نمی‌داند دروغ چیست.

تقریباً تا نیمه‌های فیلم، یعنی تا آن جایی که پرده از دروغ‌ها بر داشته می‌شود مخاطب با شخصیت‌هایی مواجه است که به آن‌ها حق می‌دهد حتی به دو طرف دعوا؛ هم به سیمین حق می‌دهد و هم به نادر. همان طور که در درگیری‌های پی‌پی‌هم نادر و حجت هم طرف نادر را دارد و هم طرف حجت را. اما ادامه فیلم لایه‌ای دیگر از شخصیت‌ها را افشا می‌کند: وقتی نادر می‌دانسته مرضیه باردار است و خلاف آن را به دادگاه می‌گوید؛ وقتی معلوم می‌شود سیمین برای به کرسی نشاندن حرفش به دروغ بار و بنبدیل بسته و به خانه مادرش رفته، وقتی مرضیه دلیل سقط شدن فرزندش را می‌دانسته و تا اواخر فیلم آن را پنهان نگه داشته،

وقتی حجت راضی می‌شود پانزده میلیون تومان پول از نادر بگیرد در حالی که مرضیه علت سقط شدن فرزندش را به او می‌گوید؛ وقتی ترمه در دادگاه دروغ پدرش را تأیید می‌کند...

بعد از این گره‌گشایی هم، شخصیت‌های فیلم برعکس اکثر آثار سینمایی سرکوب نمی‌شوند. شاید دلیل اش این است که کارگردان به شخصیت‌ها از آغاز فیلم بیشتر از حقی که دارند نداده؛ نه در مقابل چشم مخاطب و نه در ذهن دیگر شخصیت‌ها. تنها کسی که در این گیر و دار وضعیت متفاوت تری دارد نادر است. بعد از فاش شدن دروغ نادر نگاه دخترش نسبت به او تغییر می‌کند اما او هم دروغ گفتن را از پدر می‌آموزد و نگاه خانم قهرایی (معلم ترمه) که بعد از آن اتفاق حتی نمی‌خواهد در چشم‌های نادر نگاه کند. اما در مورد این شخصیت هم وضعیت مخاطب متفاوت از این دو نگاه است. چون مخاطب به عنوان یک ناظر وضعیت همه شخصیت‌ها را تحت نظر دارد. مخاطب

مانند خانم قهرایی تنها دروغ نادر را نمی‌بیند.

«جدایی نادر از سیمین» از مرکز جامعه ایران برخاسته است و در مورد دو طبقه به هم نزدیک و گسترده اجتماعی است. نه سر و کاری با مرفهین اجتماع دارد و نه نقطه‌ی مقابل آن‌ها و سراغی از کاخ و کوخ نشینان را نمی‌توان در آن گرفت. در آن نه سراغی از کارتن خواب‌هاست و نه هم از صاحبان مکتب و مال.

صحبت از دو طبقه همسایه اجتماعی در واقع صحبت از اکثریت جامعه ایران است و اهمیت این رویکرد از زاویه‌ای جامعه‌شناسانه برای این فیلم در این است که برای مخاطب غیر ایرانی می‌تواند فقط با حذف دو اقلیت در دو سوی جامعه تصویری نزدیک به واقعیت از زندگی در جغرافیای ایران را ارائه کند.

شناسنامه

نویسنده و کارگردان: اصغر فرهادی

مدیر فیلم برداری: محمود کلاری

تدوین: هایده صفی یاری

صدابردار: محمود سماک باشی

بازیگران

پیمان معادی در نقش نادر

لیلا حاتمی در نقش سیمین

ساره بیات در نقش راضیه

شهاب حسینی در نقش حجت

سارینا فرهادی در نقش ترمه

مریلا زارعی در نقش معلم ترمه

جدایی نادر از سیمین به عنوان نماینده ایران کاندیدای بهترین فیلم خارجی هشتاد و چهارمین دور اعطای جایزه اسکار در سال ۲۰۱۲ است و از بخت‌های اصلی اسکار امسال به شمار می‌رود. بر علاوه آن تا به حال جایزه‌های زیادی را از جشنواره‌های سینمایی ایران و جهان برنده است که از آن جمله می‌توان به جشنواره‌های زیر اشاره کرد:

جشنواره فیلم فجر، جشنواره بین‌المللی فیلم برلین، جشنواره فیلم ونکوور، جشنواره فیلم آسیا پاسفیک، جشنواره فیلم تورنتو، گلدن گلوب و...

اصغر فرهادی

اصغر فرهادی در سال ۱۳۵۱ در خمینی شهر، یکی از شهرهای استان اصفهان ایران متولد شد. او دارای مدرک فوق لیسانس در رشته هنر از دانشگاه تربیت مدرس تهران است. نوشتن فیلم‌نامه‌ی «ارتقاء پست» ساخته ابراهیم حاتمی کیا (۱۳۸۱) به عنوان اولین حضور حرفه‌ای او در سینماست.

اصغر فرهادی سه مجموعه تلوزیونی را در سال‌های ۱۳۷۷، ۱۳۷۸ و ۱۳۸۰ ساخت و در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ در ساخت دو فیلم رقص در غبار و شهر زیبا مسوولیت فیلم‌نامه نویسی و کارگردانی را برعهده داشت.

وی با فیلم چهارشنبه سوری در سال ۱۳۸۴ چهره‌ای دیگر از خود به نمایش گذاشت در واقع حرکت متفاوت اصغر فرهادی با اکثر فیلم‌سازهای سینمای ایران با این فیلم شروع شد؛ در فیلم «درباره‌الی» (۱۳۸۷) گل کرد و با جدایی نادر از سیمین (۱۳۸۹) به ثمر نشست. مهم‌ترین مشخصه‌های کار اصغر فرهادی را در دو فیلم اخیر او می‌توان مشاهده کرد.

اصغر فرهادی علاوه بر این‌ها فیلم‌نامه‌هایی مانند کنعان ساخته مانی حقیقی (۱۳۸۶) و دایره زنگی نخستین فیلم سینمایی پریسا بخت‌آور (۱۳۸۶) را نوشته است.



پروسی کنوانسیون جلوگیری از کشتار جمعی

کنوانسیون در اختیار دولت‌های عضو قرار گرفت.

در ماده‌ی دوم این کنوانسیون، کشتار دسته جمعی چنین تعریف شده است: «کشتار دسته جمعی به هر یک از اعمال زیر که به منظور از بین بردن تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی صورت گیرد، اطلاق می‌شود:

الف: کشتن اعضای یک گروه

ب: صدمات جدی جسمی یا روحی به اعضای یک گروه وارد کردن
ج: قرار دادن یک گروه در معرض شرایط نامناسب زندگی که منجر به از بین رفتن قوای جسمی آن گروه، به‌طور کلی یا جزئی می‌گردد.

د: اقدامات تحمیلی به منظور جلوگیری از تولد و تناسل یک گروه

ه: انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر»

بر اساس این کنوانسیون تنها خود عمل جنایت نیست، بلکه زمینه سازی برای انجام چنین عملی نیز جنایت است و قابل مجازات. این اعمال عبارتند از: «قتل عام، توطئه برای قتل عام، تحریک مستقیم و علنی در انجام قتل‌ها، کوشش برای انجام قتل عام، شرکت در امر قتل عام» (ماده سوم).

طبق ماده‌ی چهارم هر فرد یا افرادی که این اعمال را انجام می‌دهند مجازات خواهند شد. «خواه این افراد از حاکمان مسئول و قانونی و مقامات رسمی باشند و یا افراد خصوصی.»

جواد دروازیان

کشتار جمعی یا نسل کشی وصف تازه‌ای است برای یکی از خشونت‌آمیز ترین رفتاری که بشر علیه هم‌نوعان خود مرتکب شده است. چهره‌هایی چون اسکندر مقدونی، سوروس امپراتور روم، چنگیز خان، تیمور لنگ و... نمونه‌های کسانی هستند که خاطرات تلخی از قتل عام‌های مردمان برای ما به یادگار گذاشته‌اند. در عصر ما نیز حاکمان جبار با ابزارهای به مراتب خطرناک‌تری دست به کشتار گروه‌های قومی، مذهبی و نژادی زده‌اند و لکه‌های سیاهی بر چهره‌ی تاریخ معاصر نهاده‌اند.

با آن که سابقه‌ی کشتار جمعی و نسل کشی به دارازی تاریخ بر می‌گردد، اما این مفهوم نخستین بار در سال ۱۹۳۳ به وسیله‌ی پروفیسور رافائل لمکین^۱ مطرح شد. هدف از طرح آن بیان اعمالی ضد انسانی است که در جنگ جهانی اول انجام شد. او پیش از آن نیز در همان سال در کنفرانسی اعمال جنایی دیگری را که به قصد انهدام گروه‌های نژادی، مذهبی و ملی انجام می‌شد به عنوان جرایم علیه حقوق بشر به اثبات رسانید. بار دیگر لمکین در سال ۱۹۴۴ این مفهوم را برای نشان دادن سفاکی‌های نازی علیه یهودیان به کار برد.

از دادگاه نورنبرگ تا کنوانسیون منع و مجازات کشتار دسته جمعی ۱۹۴۸

در حقوق بین الملل، کشتار جمعی یا نسل کشی (ژنوساید) نخستین بار پس از جنگ جهانی دوم در اساسنامه دادگاه نورنبرگ و توکیو مطرح گردید. در این دادگاه جنایات بین المللی به دو بخش تقسیم گردیده بود: جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت. کشتار جمعی در این اساسنامه بخشی از جنایات علیه بشریت را در بر می‌گرفت.

نخستین سند بین المللی که به صراحت کشتار جمعی در آن بکار برده شد، کیفرخواست ۱۸ اکتوبر ۱۹۴۵ علیه جنایت‌کاران جنگی آلمانی در دادگاه نورنبرگ بود.

سرانجام، کنوانسیون پیش گیری و مجازات کشتار جمعی سازمان ملل متحد در سال‌های ۱۹۴۶-۴۸ به عنوان واکنشی در برابر تفر و انزجار از کشتار جمعی در اردوگاه‌های مرگ تدوین شد. این قرارداد موجب شد که این مفهوم رفته رفته قبول عام یابد و حتا در مقررات جزایی کشورهای عضو منعکس شود.

سپس این جنایت در اساس نامه‌ی دیوان بین المللی دادگستری نیز لحاظ گردید که ابتدا آن را تعریف و سپس عوامل مؤثر در تحقق آن و سرانجام

تاکنون ۴۱ کشور این کنوانسیون را امضا کرده اند و ۱۴۲ کشور عضو آن شده اند.

افغانستان این کنوانسیون را در ۲۲ مارچ ۱۹۵۶ امضا و تصویب نموده است. نهادهای دولتی افغانستان مکلف به اجرای آن در قلمرو این کشور هستند.



در اینجا به چند مورد از نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم که از آنها در افغانستان به عنوان کشتار جمعی یاد می‌شود.

- یکی از هولناک ترین کشتار جمعی زمانی صورت گرفت که حبیب الله کلکانی سقوط کرد و نادر خان در سال ۱۹۲۹ به قدرت رسید. محمد گل خان مومند به عنوان نایب الحکومه از طرف نادر خان و برادرش هاشم خان معرفی شد و به شدت دست به سرکوب مخالفین زد. زمانی که به شمالی حمله کرد به سربازانش گفت: «سرش پت و مالش تاراج»^۲. در این حملات مرد، زن، پیر و جوان را قتل عام کردند و مال و دارایی مردم را به تاراج بردند.

پژوهشگران در این دوره کشتار جمعی در کابل، در شمالی و قطغن^۳ گزارش کرده اند. حتا برخی از

اقوام از آموزش عالی در نهادهای نظامی و امنیتی محروم بودند و زنان شان به بردگی گرفته می‌شدند.

- حزب دموکراتیک خلق افغانستان در دوره‌ی حاکمیت خود دست به کشتار وسیعی مخالفین خود زدند. به طور نمونه وزارت داخله‌ی وقت در ۶ جدی ۱۳۵۷ نام ۱۲ هزار تن کسانی را که در دوره‌ی حاکمیت آن کشته شده بودند، به نشر رسانید.

- پس از آن دوره کشتارهای جمعی دیگری که در افغانستان رخ داده است در دوره‌ی مجاهدین و طالبان بوده است.

- در سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۱ طالبان عده زیادی را در نقاط مختلف از جمله در مزار شریف (قول آباد)، بامیان (روپاکت و یکاولنگ) دسته جمعی کشتند.

- در سال ۲۰۰۱ در دشت لیلی ۲۰۰۰ طالب کشته شدند.

- گورهای دسته جمعی از کشتارها در جاهای دیگر مثل دشت چمتله نیز کشف شده اند.

منابع:

۱. کنوانسیون منع و مجازات کشتار دسته جمعی
۲. اردبیلی، محمد علی؛ «کشتار جمعی» مجله‌ی حقوقی، شماره ۱۱ پاییز و زمستان ۱۳۹۶
۳. کاسسه، آنتونیو؛ «جامعه بین المللی و کشتار جمعی»، ترجمه دکتر محمد علی اردبیلی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۰ بهار و تابستان ۱۳۷۱
۴. تارنمای وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان

<http://moj.gov.af/fa/page/1693>

1 Raphael LEMKIN

۲. یعنی هر که پیش چشم تن می‌خورد سرش را ببرید و مالش را تاراج کنید.

۳. تخارستان سابق.



ضمانت اجرایی و سازکار رسیدگی به جرایم ماده‌ی اول این کنوانسیون، قتل عام در هر زمانی (در زمان صلح و در زمان جنگ) را به عنوان یک جرم بین المللی مطرح می‌کند و همه‌ی دولت‌های عضو را مکلف می‌دارد که از آن در هر مکانی جلوگیری نمایند و مرتکبین را مجازات کنند. هم‌چنان ماده پنجم دولت‌ها را مکلف می‌سازد تا مقررات این کنوانسیون را در مراجع قانون‌گذاری خود مسجل سازند تا اجرای این کنوانسیون میسر گردد. «آنها {دولت‌ها} تعهد می‌کنند که مجازات‌های مؤثری را برای اشخاص مجرم در رابطه با قتل عام و یا دیگر اعمالی که در ماده‌ی سوم ذکر شده است در قوانین خود تصویب نمایند.»

طبق مواد ۸، ۶، ۹ و این کنوانسیون برای رسیدگی به چنین جرایمی، چهار سازکار را پیشنهاد می‌کند: ۱. دادگاه صلاحیت‌دار کشوری که جرم در آن واقع شده است و مطابق قوانین آن کشور؛ ۲. دادگاه بین المللی که صلاحیت قضایی آن مورد قبول دولت‌های عضو باشد. (مانند دادگاه‌های بین المللی موقت و دادگاه بین المللی جزایی)؛ ۳. نهاد صلاحیت‌دار سازمان ملل؛ ۴. رجوع یک طرفه به دیوان بین المللی دادگستری.

همچنان ماده‌ی ۷ این کنوانسیون مجرمین کشتار جمعی را از مجرمان سیاسی تفکیک می‌سازد: «عمل قتل عام و دیگر اعمالی که در ماده سوم ذکر شده است، از لحاظ استرداد مجرمان، جرم سیاسی محسوب نمی‌شود. دولت‌های عضو تعهد خواهند کرد که بنابر قوانین خود و قراردادهای موجود با استرداد مجرمان موافقت نمایند.»

سایر مواد این کنوانسیون راجع به چگونگی اعضای این کنوانسیون، چگونگی توسعه بخشیدن، اعتبار، چگونگی فسخ، تجدید نظر دولت‌های عضو و زبان‌های قابل اعتبار متن این کنوانسیون است.



مصادیق آن را بیانکرد.

قطع نامه‌ی ۶۹ (۱) مجمع عمومی سازمان ملل در باره‌ی پیش گیری از کشتار جمعی در ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ به این جنایت وجهی بین المللی داد. این قطع نامه به صراحت اعلام کرد:

«کشتار جمعی یعنی انکار حق حیات تمام گروه‌های انسانی، همانگونه ای که آدم کشی یعنی انکار حق حیات فرد. چنین انکاری وجدان بشر را متاثر می‌کند و خسران بزرگی به بشر که بدین ترتیب از دستاوردهای فرهنگی با دستاوردهای دیگر چنین گروه‌های محروم می‌ماند، وارد می‌آورد. کشتار جمعی مغایر قانون اخلاقی و همچنین مغایر روح و اهداف ملل متحد است.»

بالاخره یک روز پیش از تصویب اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، قطع نامه‌ی شماره ۲۶۰ در ۹ دسامبر ۱۹۴۸ کنوانسیون منع و مجازات کشتار دسته جمعی در ۱۹ ماده به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. سپس این کنوانسیون برای امضاء، تصویب و یا الحاق طبق ماده‌ی ۱۱ این



بنیاد آرمان شهر یک نهاد مستقل و غیر انتفاعی شهروندی مستقر در کابل است که به هیچ دسته ی اقتصادی، سیاسی، مذهبی، قومی، و هیچ دولتی وابستگی ندارد. آرمان این نهاد ایجاد بسترهای مناسب برای تأمین خواست های اجتماعی برای دیموکراسی، حقوق بشر، عدالت و قانون مداری است و نیز دست زدن به ابتکارات فرهنگی و نشر کتاب در خدمت به شکل گیری آگاهی جمعی شهروندان. بنیاد آرمان شهر در راستای تبادل اندیشه و گفتگو در داخل کشور و در منطقه با هدف ایجاد همبستگی، پیشرفت و صلح، می کوشد.

بنیاد آرمان شهر عضو فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر (FIDH) است.

این نشریه با حمایت مالی اتحادیه اروپا منتشر شده است. مسئولیت انتشار این نشریه به عهده آرمان شهر و مسئولیت محتوای مطالب به عهده نویسنده یا نویسندگان است و به هیچ وجه نمی تواند بازتاب موضع اتحادیه اروپا محسوب شود.

آدرس الکترونیک: armanshahrfoundation.openasia@gmail.com

شماره تماس: ۰۷۸۷۱۹۵۲۱۲

آرمان شهر در اینترنت

<http://armanshahropenasia.wordpress.com>

برای دریافت مرتب خبر در باره فعالیت های آرمان شهر
از این صفحه ها دیدن کنید

<http://armanshahropenasia.wordpress.com>

On Facebook: Armanshahr Foundation/OPEN ASIA

Weblogs:

<http://jayeasimorgh.blogfa.com/>

<http://campaign50darsad.blogfa.com/>

<http://www.fidh.org/-Afghanistan>



«آرمان شهر»، در هر شماره، بعضی مطالب را به منظور آگاهی رسانی منتشر می نماید، اما انتشار آنها الزاما به معنای تایید تمام محتوا و مواضع بیان شده در آن مطالب نیست.

آرمان شهر منتشر کرده است

- کاروان هزار و یک شعر برای افغانستان، زمستان ۱۳۸۲
- کاروان شعر برای صلح و دموکراسی در افغانستان، بهار ۱۳۸۲ خورشیدی
- کاروان مهر (ویژه جوانان)، بهار ۱۳۸۲ خورشیدی
- شعر برای صلح، (تاجیکستان، سرلیک)، تابستان ۱۳۸۲ خورشیدی
- تجلیل از احمد شاملو: وجدان آگاه شعر جهان، قوس ۱۳۸۵ خورشیدی
- شهروند کیست، چه وظایف و اختیاراتی در مقابل دولت و جامعه دارد؟ قوس ۱۳۸۵ خورشیدی
- نقش شهروندان در حقیقت یابی و عدالت جویی، قوس ۱۳۸۵ خورشیدی
- عدالت اجتماعی در اسلام: سیستم های دولت داری و مکاتب دیگر، جدی ۱۳۸۵ خورشیدی
- چالش های آزادی بیان: رسانه ها و مطبوعات در افغانستان، دلو ۱۳۸۵ خورشیدی
- دموکراسی و عدالت اجتماعی در کشورهای کثیرالقوم، حوت ۱۳۸۵ خورشیدی
- در جستجوی جامعه مدنی: تجارب بین المللی و حقیقت های محلی، حمل ۱۳۸۶ خورشیدی
- تهاجم فرهنگی و تأثیر یک ربع قرن مهاجرت در امور فرهنگی و سیاسی، ثور ۱۳۸۶ خورشیدی
- علیه فراموشی، تجربه کمیسیون های حقیقت و دادخواهی، ثور ۱۳۸۶ خورشیدی
- آیا دانشگاه های افغانستان ظرفیت پرورش نخبگان جامعه را دارد یا خیر؟ جوزای ۱۳۸۶ خورشیدی
- دو تعبیر از جهانی شدن، سرطان ۱۳۸۶ خورشیدی
- ما همه فمینیستیم (شاید خبر نداریم)، اسد ۱۳۸۶ خورشیدی
- جنبش زنان: نهضت ملی یا روند تصنعی، اسد ۱۳۸۶ خورشیدی
- زنان صلح را می سرایند (ویژه زنان)، بهار ۱۳۸۸ خورشیدی، «سکوت را بشکنیم»
- سنت و تجدید: رویارویی یا همسویی، بهار ۱۳۸۸ خورشیدی
- سید جمال الدین و نواندیشی دینی، بهار ۱۳۸۸ خورشیدی
- جای خالی اندیشه در تحصیلات عالی افغانستان: دلایل و راه حل ها، بهار ۱۳۸۸ خورشیدی
- مطالبات زنان افغانستان از رییس جمهور آینده، جزوه کمپاین 50% زنان، تابستان ۱۳۸۸ خورشیدی
- نقض حقوق بشر و سیاست امریکا، پاییز ۱۳۸۸ خورشیدی، «سیاست نامه ۱-۲»
- سیمرغ (مجموعه ی شعر برای صلح)، پاییز ۱۳۸۸ خورشیدی، «سکوت را بشکنیم»
- جوانان و شورای ولایتی - شورای ولایتی چه می کند، مردم چه می خواهند؟ پاییز ۱۳۸۸ خورشیدی
- راهنمای قربانیان به دادگاه بین المللی جنایی، پاییز ۱۳۸۸ خورشیدی، «سکوت را بشکنیم»
- مذاکره ملی با زنان: دادرسی یا عقب نشینی؟ پاییز ۱۳۸۸ خورشیدی
- این جا زمان متروکیت، روح الامین امینی، زمستان ۱۳۸۸ خورشیدی، «سکوت را بشکنیم»
- ناتو، استئنا بر دموکراسی و افول امپراتوری ها، زمستان ۱۳۸۸ خورشیدی، «سیاست نامه ۳»
- صدای قربانیان برای عدالت، تابستان ۱۳۸۹ خورشیدی «سکوت را بشکنیم»
- از ساختار پارلمان تا نگاه انتقادی به کارنامه مجلس اول در افغانستان، تابستان ۱۳۸۹ خورشیدی
- پُر سیمرغ (برگزیده اشعار جایزه صلح سیمرغ)، پاییز ۱۳۸۹ خورشیدی «سکوت را بشکنیم»
- اقتصاد بازار در افغانستان، پاییز ۱۳۸۹ خورشیدی
- از کتاب تا آزادی بیان، پاییز ۱۳۸۹ خورشیدی
- قلعه حیوانات، تابستان ۱۳۸۹ خورشیدی، «سیمرغ»
- بررسی یک دهه حضور بین المللی در افغانستان، پاییز ۱۳۸۹ خورشیدی
- در جستجوی حقیقت و عدالت در افغانستان، پاییز ۱۳۸۹ خورشیدی «سکوت را بشکنیم»
- تا سیگار بیست و یکم، پاییز ۱۳۸۹ خورشیدی «سیمرغ»
- تبعیض و مشارکت سیاسی زنان: نقش آموزش و پرورش «سیاست نامه ۴-۵»
- صلاحیت قضایی جهانی: راه کار هایی برای پیگرد ناقضان حقوق بشر «سیاست نامه ۶-۷»
- جزوه کمپاین ۵۰% زنان افغانستان، چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۹ خورشیدی
- سیمرغ در قاف صلح، گزیده اشعار و تصاویر برای صلح در افغانستان، زمستان ۱۳۸۹ خورشیدی «سکوت را بشکنیم»
- نقض حقوق بشر و سیاست امریکا، چاپ دوم زمستان ۱۳۸۹ خورشیدی، «سیاست نامه ۱-۲»
- ناتو، استئنا بر دموکراسی و افول امپراتوری ها، چاپ دوم زمستان ۱۳۸۹ خورشیدی، «سیاست نامه ۳»
- علیه فراموشی، تجربه کمیسیون های حقیقت و دادخواهی، چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۹ خورشیدی
- جوانان - جهانی میان بیم و تردید، زمستان ۱۳۸۹ خورشیدی
- بازخوانی حافظه جمعی، زمستان ۱۳۸۹ خورشیدی
- هیچ نتوان گفت در پنجاه سال، مجموعه شعر حمیرا نکست دستگیر زاده، بهار ۱۳۹۰ خورشیدی
- تبعیض و مشارکت سیاسی زنان: نقش آموزش و پرورش، چاپ دوم بهار ۱۳۹۰ خورشیدی «سیاست نامه ۴-۵»
- گذشته چراغ راه آینده است، بهار ۱۳۹۰ خورشیدی، «سکوت را بشکنیم»
- گذری بر ویرانه های جنگ، تصویر عینی جنگ، سفرنامه ۱۳۶۸، رسول پویان، بهار ۱۳۹۰ خورشیدی، «سکوت را بشکنیم»
- عدالت برای زنان در جنگ و صلح، بهار ۱۳۹۰، «سکوت را بشکنیم»
- حقیقت یابی و نقش علوم طب عدلی، تابستان ۱۳۹۰
- از بی سواد تا جنگ، از جنگ تا بی سواد، تابستان ۱۳۹۰ خورشیدی
- نویسندگان بی مخاطب، مخاطبین بی نویسنده، تابستان ۱۳۹۰ خورشیدی
- «قصه های سیمرغ» گزیده داستان، تابستان ۱۳۹۰ خورشیدی «پُر سیمرغ»
- شصت سال تاریخ انگاری در افغانستان، تابستان ۱۳۹۰ خورشیدی
- الف تا ی، فرهنگ نامه عدالت در گذار، تابستان ۱۳۹۰ خورشیدی «سیاست نامه ۸-۹»
- زیر و بم، پژوهشی در گستره ی موسیقی اصیل بدخشان، هرات و بادغیس، خزان ۱۳۹۰ خورشیدی
- فدرالیسم و دموکراسی، خزان ۱۳۹۰ خورشیدی، «سیاست نامه ۱۰-۱۱»
- اعلامیه جهانی حقوق بشر برای کودکان و نوجوانان، خزان ۱۳۹۰ خورشیدی
- نظام سیاسی و عدالت اجتماعی، زمستان ۱۳۹۰ خورشیدی
- مسافر کوچولو، زمستان ۱۳۹۰ خورشیدی
- بررسی وضعیت زنان در افغانستان و تاجیکستان، زمستان ۱۳۹۰ خورشیدی
- زنگوله زنان گذشت باران، سیری در در شعر معاصر تاجیکستان، زمستان ۱۳۹۰ خورشیدی